

جمال شورجه دوست و مشاور سلحشور در گفت‌وگو با سینما از تجربه‌های سینمایی و تلویزیونی او می‌گوید

گردان کمیل زنده است

حسین وختوری مدیر مسئول

شب سرد زمستانی که برای اولین بار فیلم «پرواز در شب» را با یاندا صدا در سالن صداگذاری ارشاد، با جمعی از مدیران سینمایی آن روز گاران و به همراه ملاقلی پور و سلحشور دیدیم، اشک همه در آمد - حتی اشک رسول و سلحشور که خود خالق جان دادن به آن صحنه‌ها بودند - امروز هم وقتی خبر درگذشت سلحشور را شنیدیم هم برای او و هم برای رسول عزیز در تنهایی و بی باران قدیم، گریستیم. روح‌شان شاد و خدمت‌شان به فرهنگ و هنر این مرز و بوم اسلامی مأجور درگاه الهی باشد. ان شاء الله.

صادقانه بیاور دارم اگر امروز نه رسول زنده است و نه سلحشور که در عمر کوتاه و پربار خود، سلحشوران و سربازان جبهه فرهنگ و هنر و سینمای دفاع مقدس و انقلاب اسلامی بودند، اما «گردان کمیل» و «کمیلان» زنده‌اند و در کار خود مطمئن و امیدوار.

آمین یا رَبَّ الْعَالَمین

تحریمی که به ضد خود تبدیل شد

نگاهی به نقش سیاست‌های حوزه هنری در فروش سالانه فیلم‌های سینمایی

صفحه ۴

خوب، بد، جلف روی میز تدوین

گفت‌وگویی با عبدالله اسکندری و محسن چگینی تهیه‌کنندگان فیلم پیمان قاسم‌خانی

صفحه ۲



روابط مرموز خرس و گربه

پرونده‌ای کوچک برای کارنامه سینمای ایران در برلین

اکران گسترده جهانی در انتظار ازدها

مانی حقیقی از نتایج نخستین حضور بین‌المللی فیلم‌اش گفت

یادداشت اول

نمایش بی‌برده ظاهر کریمه خشونت، برخی بینندگان را می‌آزارد و به سبب مشکل زمان‌بندی داستان، تنها بخش انتهایی را به حادثه اصلی و کشمکش‌های بعد از آن اختصاص می‌دهد، به دلیل ظرافت‌های موجود در شکل روایی و پرداخت بصری و همچنین تصویر شخصیت در دو وضعیت متناقض در بخش‌های مختلف فیلم، تحسین گروهی از منتقدان را بر می‌انگیزد. اما برگ برنده دیگری هم هست: فیلم‌های «روایات دم‌صحیح» مهرداد اسکویی و «والد راما» می‌عباس امینی که در بخش نسل‌ها (جشنواره کودک سابق برلین) می‌توانند هم‌مدلی بینندگان را به سهولت برانگیزند و ظرفیت‌های نادیده گرفته شده سینمای کودک ایران در سال‌های اخیر را بار دیگر عیان کنند.

است. هر دو فیلم با نگاهی که به مشکلات اجتماعی دارند، با بهره‌گیری از شکل‌هایی متفاوت، پاسخگوی دیدگاه‌هایی اجتماعی نیز هستند که در مقررات بسیاری از جشنواره‌های بین‌المللی، به نحوی روشن، برجسته شده‌اند. اگر «ازدها وارد می‌شود» بیشتر از فضای آزرده‌ای که حقیقی اصرار دارد با اشاره به بکت و یونسکو و پیتر به آن نسبت دهد، در فضایی رازآمیز و تاویل‌پذیر، در شبکهای گسترده از دروغ، در پس تظاهر به مستندسازی، درگیر می‌شود، باز به هدف خود رسیده است، زیرا در عصر رونق صنعت فیلم‌های هنری، پس از انتخاب، شرکت معتبر «مچ‌فکتوری» از آلمان را در مقام پخش‌کننده می‌یابد و حقوق آن، در طول بازار، به شرکت‌هایی در حوزه‌های جغرافیایی مختلف واگذار می‌شود. اگر «لاتوری»، با

عهد داشته‌اند و در معهود مواردی که هیئت انتخابی خارج از مجموعه برای همکاری انتخاب شده، نتوانسته است انتظارهایی که از رویدادی هدفمند می‌رود را برآورده کند، در سایه همین ثبات، در هر یک از جشنواره‌های مزبور، تمایلی زائد الوصف جهت نمایش فیلم‌های جدید از استعدادهایی که در هر رویداد کشف شده‌اند، موجود بوده است.

انتخاب فیلم‌های ایرانی در بخش‌های مسابقه و پانورامای برلین امسال از همین قاعده نیز تبعیت می‌کنند. مانی حقیقی پس از دو بار حضور در بخش فوروم با فیلم‌های «کارگران مشغول کارند» و «پدیرایی ساده» با «ازدها وارد می‌شود» وارد بخش مسابقه شده و رضا درمیشیان پس از «عصبانی نیستم»، با «لاتوری» مجدداً به پانوراما بازگشته

جشنواره در سایه انتخاب مدیران کارآمد در دوره‌های زمانی طولانی به ثباتی رسیده است که بتواند دیدگاهی مشخص به فیلم‌های سینمایی و پدیده‌های اجتماعی و سیاسی را به نحوی هدفمند پیگیری کند. دبیران برلین، از بدو تاسیس جشنواره در سال ۱۹۵۱، قابل‌شمارش‌اند: آلفرد بائر، وولف دونر، موریتز دهادلن و دیتر کوسلیک. جالب است که در این میان، نفر دوم انتخابی اشتباه به حساب می‌آید و بیش از دو - سه دوره این مسئولیت را به عهده نداشته است - به واقع، او که بیشتر دل در گرو کار روزنامه‌نگاری داشته، به محض دریافت پیشنهاد سردبیری یکی از نشریات پرمخاطب در آلمان، جشنواره را ترک کرده است. البته در زمان تصدی هر دبیر، تیم او کلیه مسئولیت‌های انتخاب و برگزاری جشنواره را به

برلین و سینمای ایران

کامیار محسنیان منتقد



برلین در قیاس با کن و ونیز جشنواره‌های متفاوت است. جشنواره‌ای که در پایتختی بزرگ می‌گذرد و روند امور شهری را مختل نمی‌کند، اما به زندگی مردمان آن برقی و جلای دیگری می‌بخشد. در همین محیط، برلیناله توانسته از بسیاری از قید و بندهای بورژوازی - که برای نمونه، در کن به شدت مشهود است - بگریزد و در سایه روابطی دوستانه و انسانی، میزبان رویدادی جهانی باشد.

مرکز تماس

۰۲۱-۴۲۷۲۴

کرمان موتور همواره در کنار شما

***2034 *4#**

امداد خودرو

۰۲۱-۶۴۰۲۶

دائماً اولین کرم‌مان موتور



- حجم موتور ۲۴۰۰ CC
- گیربکس اتوماتیک ۶ سرعته
- سان روف
- ترمز ABS و EBD و BAS
- سیستم پایداری الکترونیکی ESP
- ۶ کیسه هوا (جلو، جانبی، پرده ای)
- Day Light
- صندلی چرمی
- کامپیوتر سفری
- دوربین دنده عقب
- رینگ ۱۶ اینچ آلومینیومی
- GPS
- استارت دکمه ای
- آینه‌های جانبی تا شونده برقی همراه با گرمکن
- تنظیم فرمان در ۴ جهت
- تهویه مطبوع اتوماتیک

کرمان موتور
www.kermanmotor.ir

جاده قدیم شب عید کلیدمی خورد

منیژه حکمت سال قبل به همراه محمود کلاری بخش‌هایی از فیلمش را فیلم‌برداری کرده‌است



پلان‌های شلوغی خیابان‌ها می‌شود.

فیلم‌برداری با کمک محمود کلاری البته منیژه حکمت بخش‌هایی از این سکانس‌ها را سال قبل فیلم‌برداری کرده‌است: «سال قبل شب عید یک روز به همراه محمود کلاری به خیابان‌های تهران رفتیم و بخش‌هایی از «جاده قدیم» را در حوالی میدان ولیعصر و تجریش فیلم‌برداری کردیم. سکانس‌های امسال ادامه سال قبل است. البته هنوز فیلم‌بردار این فیلم انتخاب نشده و سال قبل کلاری دوستانه یک روز همراه من بود.»

بازگشت به متن اگر مستند سینمایی

پیشنهاداتی برای بهبود فیلم‌نامه می‌داد.» حکمت که فیلم تازه‌اش باز هم مضمونی اجتماعی دارد درباره سختی‌های ساخت «جاده قدیم» می‌گوید: بعد از چند سال قرار است یک فیلم تازه بسازم که به نظرم در شرایط فعلی کار ساده‌ای نیست. ساخت فیلم در حوزه سینمای اجتماعی سختی کار را چند برابر می‌کند. خصوصاً برای من که صرف ساخت یک فیلم اهمیتی ندارد و خروجی‌اش برایم مهم است.»

داستان که قبل شب عید شروع می‌شود

داستان جاده قدیم در بیست و بیست و پنج روز روایت می‌شود. قصه‌ای که ۱۰ روز قبل از عید نوروز شروع می‌شود تا پایان تعطیلات نوروز ادامه دارد. قصه آدم‌هایی که درگیر اتفاقاتی می‌شوند. به همین دلیل حکمت قصد دارد قبل از تعطیلات نوروز امسال بخش‌هایی از فیلمش را فیلم‌برداری کند: «بخش‌هایی از فیلم را چند روز مانده به عید نوروز در خیابان‌های تهران فیلم‌برداری می‌کنم. این بخش‌ها البته بدون بازگسر خواهد بود و مربوط به

منیژه حکمت موفق شد پروانه ساخت فیلم تازه‌اش با عنوان «جاده قدیم» را دریافت کند. به گزارش «سینما» مجوز ساخت این فیلم به‌تازگی از سوی اداره نظارت و ارزشیابی وزارت ارشاد صادر شده تا این کارگردان سومین فیلم بلندش بعد از «زندادان» و «سه زن» را به‌زودی جلوی دوربین ببرد. فیلمی که منیژه حکمت خود تهیه‌کنندگی آن را بر عهده دارد و قصه زنانه دارد. حکمت هنوز بازیگران فیلمش را انتخاب نکرده و منتظر است تا با مهیا شدن شرایط، بازیگران و عوامل پشت دوربین «جاده قدیم» را انتخاب کند.

همکاری با خرقة پوش و پوریا عالمی

منیژه حکمت تحقیقات اولیه «جاده قدیم» را حدود ۸ سال قبل انجام داد: «تحقیقات اولیه را ۸ سال قبل شروع کردم اما کار نوشتن فیلم‌نامه از سه سال قبل با بیوستن مصطفی خرقة‌پوش به پروژه آغاز شد. ایشان به‌عنوان مشاور کنار فیلم‌نامه بود و قطعاً تا زمان فیلم‌برداری هم از کمک‌های او استفاده خواهیم کرد. طی این مدت البته پوریا عالمی هم در کنارمان بود و

خبر

پیام تسلیت مقام معظم رهبری به مناسبت درگذشت سلحشور



حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیامی درگذشت هنرمند برجسته و متعهد مرحوم آقای فرج‌الله سلحشور را تسلیت گفتند.

متن پیام مقام معظم رهبری به این شرح است:

بسم‌الله الرحمن الرحیم

درگذشت هنرمند برجسته و متعهد مرحوم آقای فرج‌الله سلحشور را به خاندان گرامی و همه‌ی یازماندگان ایشان تسلیت عرض می‌کنم. آثار پراوازه و ماندگار این هنرمند باایمان که مرزهای کشور را در نور دیده و مایه‌ی آبرو و اعتبار هنر سینمای ایران در چشم ملت‌های دیگر کشورها گشت، بی‌گمان در شمار حسنات یازمانده از وی و موجب اجر الهی و نام نیک مردمی ایشان خواهد بود ان‌شاء‌الله. از خداوند متعال رحمت و مغفرت و علو درجه برای آن فقید سعید و صبر و اجر برای بازماندگان مسألت می‌کنم.

تسلیت وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، طی پیامی درگذشت «فرج‌الله سلحشور» را به اهالی فرهنگ و هنر و خانواده‌ی تسلیت گفت. متن کامل پیام تسلیت علی‌حجتی به شرح زیر است:

خبر درگذشت مرحوم فرج‌الله سلحشور کارگردان سینما و تلویزیون موجب تألم و تأثر گردید. این ضایعه غمناک را به جامعه هنری و خانواده محترم ایشان تسلیت عرض نموده، از خداوند سبحان برای آن مرحوم مغفور غفران و رحمت واسعه و برای بازماندگان، صبر جمیل مسئلت می‌نمایم.

ایستگاه خبر

صدور ۲ پروانه ساخت

شورای صدور پروانه ساخت با ۲ فیلم‌نامه در جلسه ۲۸ بهمن ماه موافقت کرد. «جاده قدیم» به‌تهیه‌کنندگی کارگردانی نویسنده‌ی منیژه حکمت با موضوع «اجتماع خانواده» (اجتماعی) و «سونا» به‌تهیه‌کنندگی رسول صدرعاملی و به کارگردانی و نویسندگی میلاد صدرعاملی با موضوع چالش‌های رقابتی ورزشکاران (درام ورزشی) موافقت شورای ساخت سازمان سینمایی را اخذ کردند.

همکاری دوباره طالبی و کانون با «پایان رویاها»

محمدعلی طالبی گفت: با کمک‌های مهدی ازگانی رییس هیئت‌مدیره‌ی علی‌رضا حاجیان‌زاده مدیرعامل و منافع یحیی‌پور معاون تولید کانون موفق شدیم این فیلم را به مرحله پیش‌تولید برسانیم. دگرها در حال آماده‌سازی است. سناریو بازنویسی شده و تا اواخر سال کار را کلید خواهیم زد. این کارگردان با سابقه سینمای کودک ادامه‌دهنده بخش زیادی از تصویربرداری این فیلم که لوکیشن آن در شمال ایران در یک منطقه‌ای به نام شیرگاه که فضای سرسبز دارد، در فروردین ماه انجام خواهد شد.

فیلم‌برداری فیلم سینمایی «خوب، بد، جلف» پیمان قاسم‌خانی به پایان رسید. به گزارش «سینما» فیلم‌برداری فیلم سینمایی این فیلم دوم اسفند با فیلم‌برداری پلان‌های عبوری در اتوبان بابایی به پایان رسید و این روزها تدوین فیلم توسط مصطفی خرقة‌پوش آغاز شده. هم‌چنین قرار است آریا عظیمی نژاد موسیقی نخستین فیلم بلند پیمان قاسم‌خانی را بسازد. فیلم «خوب، بد، جلف» ۲۸ لوکیشن اصلی دارد و لوکیشن‌های متعددی در بسیاری از نقاط تهران داشته‌است. فیلم‌برداری فیلم سوم دی‌ماه در خیابان پاسداران آغاز شد و ۶۰ جلسه ادامه داشت. محسن چگینی در گفت‌وگو با «سینما» درباره زمان نمایش فیلم تازه پیمان قاسم‌خانی گفت: این فیلم با بخش هدایت فیلم‌برداری بسسته و برای نمایش در اکران عید فطر آماده می‌شود.

یک کمدی اکشن متفاوت در سینمای ایران محسن چگینی در گفت‌وگو با «سینما» درباره تهیه فیلم «خوب، بد، جلف» گفت: من سال ۷۸ در «عینک دودی» و بعد از آن در «خواب سفید» و چند فیلم دیگر به‌عنوان مجری طرح در سینما حضور داشتم. اما حدود دوازده سال از سینما دور شدم تا این‌که طرح پیمان قاسم‌خانی را خواندم و به نظرم آمده فیلم‌نامه خوبی نوشته و با وسواس زیادی آماده شده. و به همین دلیل تصمیم به این همکاری گرفتم. چگینی در ادامه درباره همکاری با پیمان قاسم‌خانی به‌عنوان کارگردان گفت: این همکاری به‌هیچ‌وجه ریسک نبود. چون پیمان قاسم‌خانی سال‌هاست در سینما و تلویزیون فعال است و ژانر کمدی را می‌شناسد و با تدوین و کارگردانی هم آشناسد و به همین دلیل آمادگی کاملی برای فیلم‌سازی را داشت. چگینی در ادامه درباره هزینه‌های تولید فیلم

«خوب، بد، جلف» گفت: در سینما دستمزدها مشخص است و طبیعتاً سرمایه‌گذاری در این عرصه ریسک بالایی دارد. اما اگر این سرمایه‌با حضور مردم برگردد قطعاً کار ما را تبدیل به کار ارزشمندی می‌کند. این فیلم هم هزینه‌های تولید، به‌خصوص این‌که لوکیشن‌های متعدد و بازیگران زیادی داشت و این هزینه‌ها را می‌طلبند. هم‌چنین فیلم طراحی صحنه و ویژه‌ای داشت و پیمان قاسم‌خانی دنبال این بود که «خوب، بد، جلف» از لحاظ لوکیشن و طراحی صحنه فیلم متفاوتی باشد. «خوب بد جلف» یک کمدی اکشن با حال و هوای جدید در سینمای ایران است و امیدواریم مورد توجه مخاطبان قرار بگیرد.

گریم‌های غلو شده «خوب، بد، جلف» از فیلم‌نامه‌اش می‌آید عبدالله اسکندری دیگر تهیه‌کننده و هم‌چنینی

طراح چهره‌پردازی «خوب، بد، جلف» هم درباره گریم‌های این فیلم گفت: آقای قاسم‌خانی برای این فیلم طنز خاصی را مدنظر داشت و ما دنبال این بود که چهره‌ها مقدار غلو داشته باشد و در آرایش‌ها این غلو را مدنظر داشتیم و این با جامعه ما و چهره‌ها و آرایش‌های عجیبی که می‌بینیم جور درمی‌آید و شوخی با این آرایش‌ها مدنظر آقای قاسم‌خانی بود و طنز فیلم‌نامه باعث شد گریم کار را به سمت این غلو ببریم. اسکندری در پایان با ذکر این‌که نمی‌توان پیش‌بینی از موفقیت فیلم ارائه داد و گفت: «خوب، بد، جلف» فیلم گرمی است. اما در آشفنگی سینمای ایران نمی‌توان پیش‌بینی دقیقی از اکران فیلم‌ها ارائه داد. گاهی فیلمی در کمال تعجب پرفروش می‌شود و گاهی فیلمی که همه‌ا با به استقبال آن مطمئن‌اند نمی‌فروشد. اما همه ما به استقبال مخاطبان از «خوب، بد، جلف» خوش‌بینیم.

- این فیلم با
- بخش هدایت
- فیلم قرارداد
- بسته و برای
- نمایش در
- اکران عید
- فطر آماده
- می‌شود

شناخته‌شده

- نویسنده و کارگردان: پیمان قاسم‌خانی
- طراح گریم: عبدالله اسکندری
- مدیر فیلم‌برداری: علی تبریزی
- صدایردار: داریوش صادق‌پور
- مدیر تولید: رضا کریمی
- کارگردان صحنه‌های اکشن: دهقان محمدی
- دستیار یک بر نامه‌ریز: زینب نصراللهی
- تدوین: مصطفی خرقة‌پوش
- طراح صحنه: پیام اسکندری
- طراح لباس: رعنا امینی
- منشی صحنه: نائله شریفی
- مجری طرح: مؤنسه تصویر غزال
- سرمایه‌گذار: سیدمحمد امامی، محسن چگینی
- بازیگران: حمیدفرخ‌نژاد، پژمان جمشیدی، سام درخشانی، ویشکا آسایش، بیژن امکاتیان، نیوشا ضیغمی، رضا رویگری، آزاده صمدی، نسیم ادینی، علی اوجی، رضا کریمی، امیرمهدی ژوله و...
- تهیه‌کنندگان: محسن چگینی، عبدالله اسکندری



عکس: محمدنابز



«آپاندیس» عبارت‌انداز: نویسنده و کارگردان: حسین نمازی، تهیه‌کننده: مقصود جباری، مشاور کارگردان: حسن برزیده، مجری طرح: محمدعلی کیانی، مدیر فیلم‌برداری: مهدی ایل‌بیگی، مدیر برنامه‌ریزی: سعید ریاحی فر، طراح چهره‌پردازی: محسن ملکی، دستیار اول کارگردان: سهیل برخوردار، مدیر صدایرداری: مسیح سراج، مدیر تولید: حمیداحمدی، طراح صحنه و لباس: محمد محمدی، دستیار دوم کارگردان: آرزو قائد امینی، منشی صحنه: آرزو قربانی، عکاس: حسن شجاعی، مشاور رسانه‌ای: احسان عباسی.

آپاندیس جلوی دوربین رفت

آغاز فیلم‌برداری یک فیلم اولسی با آن نعمتی و امیر علی دانایی

فیلم سینمایی «آپاندیس» اولین فیلم بلند سینمایی حسین نمازی به‌تهیه‌کنندگی مقصود جباری کلید خورد. فیلم‌برداری این فیلم طی چند روز گذشته آغاز شده و این روزها در لوکیشن خیره‌به‌توان بخشی عمل در حال انجام است. آن نعمتی و امیر علی دانایی شخصیت‌های

اسکار ۲۰۱۶

THE OSCARS

بامداد دوشنبه ۱۰ اسفند ماه

برنامه اینترنتی

رسی پنج

گیشه تحت تأثیر انتخابات

اغلب فیلم‌ها این هفته تحت تأثیر فضای انتخاباتی کشور افت فروش داشتند



فیلم «کوچه بی‌نام» با وجود افت طبیعی فروش‌اش هم چنان فروش بالایی دارد و با دوپست و نود میلیون تومان فروش صدرنشین جدول هفتگی است. فیلم هاتف علیمردانی که اگر با افت غیرعادی در فروش‌اش روبه‌رو نشود، این هفته در تهران هم میلیاردی می‌شود و پیش‌بینی می‌شود تا آخر سال در رتبه‌های بالای جدول فروش سال ۹۴ قرار بگیرد. فیلم بعدی جدول فروش «در مدت معلوم» است که این هفته به فروش چهارمیلیاردی در تهران و شهرستان رسید و در دهمین هفته اکرانش با افت محسوس فروش روبه‌رو شده و هم‌چنان با فروش بالا به اکرانش ادامه می‌دهد. اکران «در مدت معلوم» تا اواخر اسفند ادامه دارد و با آغاز اکران‌های نوروزی، فیلم وحید امیرخانی از سینماها خداحافظی خواهد کرد. «خبر خاصی نیست»، «نقش نگار» و «آدم باش» هم چنان در میانه‌های جدول قرار دارند. «نقش نگار» با وجود داشتن سرگروه، اغلب سالن‌هایش راز دست داده و این روزها با ۳ سالن به نمایش‌اش ادامه می‌دهد. فیلم تازه دیگر اکران «نزدیک‌تر» است که افتتاحیه متوسطی داشته و با پانزده میلیون تومان فروش، در میانه جدول قرار گرفته است. سه فیلم «آزادی مشروط»، «پایان خدمت» و «تا آمدن احمد» هم با گذشت ۱۰ روز از اکران‌شان به موفقیتی نرسیدند و به نظر می‌رسد با فروش‌های پایینی، از سینماها خداحافظی کنند. در این میان باید به «تا آمدن احمد» اشاره کنیم که یکی از ضعیف‌ترین اکران‌های سال‌های اخیر را داشته و هنوز فروش‌اش به یک میلیون تومان هم نرسیده است!

سینمای ایران این هفته تحت تأثیر انتخابات مجلس و رقابت‌های انتخاباتی با افت فروش و مخاطب روبه‌رو شد. جز فیلم‌هایی که هفته قبل اکران‌شان را آغاز کرده بودند و به‌طور طبیعی رشد فروش نسبی داشته‌اند، بقیه فیلم‌ها کاهش چشم‌گیری در فروش داشته‌اند. اتفاق دیگر این هفته اکران نخستین فیلم اکران نوروزی بود که با ۳۰ سالن در تهران اکرانش را آغاز کرد و تأثیرش را روی اکران هفته فیلم‌های دیگر هم گذاشت. «من سالوادور نیستم» فیلم تازه منوچهر هادی با بازی رضا عطاران طی سه روز دوپست و پنج میلیون تومان فروش داشت و به رتبه دوم جدول فروش هفتگی رسید. «من سالوادور نیستم» با ادامه این روند، هفته آینده صدرنشین جدول اکران خواهد بود و به چند هفته صدرنشینی «کوچه بی‌نام» پایان می‌دهد.

نام فیلم	پخش کننده	تهیه کننده	تعداد سینما	هفته‌های نمایش	فروش آخر هفته	فروش هفتگی	مخاطب هفتگی	رشد یا افت فروش نسبت به هفته قبل
کوچه بی‌نام	فیلمیران	منصور لشگری قوچانی	۲۹	۲	۱۴۸,۰۰۰,۰۰۰	۲۹۲,۰۰۰,۰۰۰	۵۴,۰۰۰	-۷۹,۰۰۰,۰۰۰
من سالوادور نیستم	فیلمسازان	منصور سهراب پور-امیر پروین حسینی	۳۰	-	۲۰۵,۰۰۰,۰۰۰	۲۰۵,۰۰۰,۰۰۰	۲۷,۲۰۰	-
خبر خاصی نیست	هدایت فیلم	مرتضی شایسته	۸	۷	۲۱,۰۰۰,۰۰۰	۳۸,۰۰۰,۰۰۰	۸,۳۰۰	-۱۹,۰۰۰,۰۰۰
آدم باش	لاله برگ	مجید جوانمرد	۵	۷	۷,۰۰۰,۰۰۰	۱۹,۰۰۰,۰۰۰	۵,۷۰۰	-۲۰,۲۰۰,۰۰۰
در مدت معلوم	فیلمیران	محسن جاهد-رؤیا شریف	۲۰	۱۰	۱۰۶,۰۰۰,۰۰۰	۱۸۰,۰۰۰,۰۰۰	۲۹,۶۰۰	-۲۵,۰۰۰,۰۰۰
نقش نگار	شکوفای فیلم	علی عطشانی	۳	۴	۷,۲۰۰,۰۰۰	۱۷,۴۰۰,۰۰۰	۳,۸۰۰	-۹,۵۰۰,۰۰۰
نزدیک‌تر	فیلمیران	علی سرتیپی	۱۱	-	۱۵,۸۰۰,۰۰۰	۱۵,۸۰۰,۰۰۰	۲,۰۰۰	-
آزادی مشروط	نیمروز فیلم	مقصود جباری	۱۰	۱	۵,۲۰۰,۰۰۰	۱۳,۸۰۰,۰۰۰	۱,۸۰۰	+۴۰۰,۰۰۰
پایان خدمت	امید فیلم	علیرضا جلالی-حمید آخوندی	۱۰	۱	۳,۳۰۰,۰۰۰	۱۲,۶۰۰,۰۰۰	۱,۴۰۰	+۹۰۰,۰۰۰
محمد رسول‌الله	نورتابان	نور تابان	۸	۲۴	۷,۰۰۰,۰۰۰	۱۲,۳۰۰,۰۰۰	۲,۵۰۰	-۵,۰۰۰,۰۰۰
وروجک‌ها	راه عرفان	مهدی احمدی	۸	۵	۷,۵۰۰,۰۰۰	۱۱,۰۰۰,۰۰۰	۳,۸۰۰	-۱۵,۵۰۰,۰۰۰
تا آمدن احمد	جبرئیل فیلم	پروانه مرزبان	۸	۱	۲۰۰,۰۰۰	۳۵,۰۰۰	۱۲۵	+۵۰,۰۰۰

جدول فروش تهران

نام فیلم	روزهای نمایش	تعداد سینما	فروش جمعه	مجموع فروش
من سالوادور نیستم	۳	۳۰	۸۰,۰۰۰,۰۰۰	۲۰۵,۰۰۰,۰۰۰
کوچه بی‌نام	۱۶	۲۹	۵۳,۰۰۰,۰۰۰	۷۵۰,۰۰۰,۰۰۰
در مدت معلوم	۷۳	۲۰	۳۵,۰۰۰,۰۰۰	۲,۰۷۷,۰۰۰,۰۰۰
خبر خاصی نیست	۵۱	۸	۷,۰۰۰,۰۰۰	۳۵۵,۰۰۰,۰۰۰
نزدیک‌تر	۳	۱۱	۴,۸۰۰,۰۰۰	۱۵۸,۰۰۰,۰۰۰
نقش نگار	۲۷	۳	۳,۱۰۰,۰۰۰	۱۹۷,۲۰۰,۰۰۰
آدم باش	۵۰	۵	۲,۰۰۰,۰۰۰	۵۱۷,۰۰۰,۰۰۰
محمد رسول‌الله	۱۷۰	۸	۲,۰۰۰,۰۰۰	۷,۸۷۹,۰۰۰,۰۰۰
وروجک‌ها	۳۷	۸	۱,۵۰۰,۰۰۰	۱۴۴,۰۰۰,۰۰۰
آزادی مشروط	۱۰	۱۲	۱,۲۰۰,۰۰۰	۲۷,۲۰۰,۰۰۰
پایان خدمت	۱۰	۱۰	۸۰۰,۰۰۰	۲۴,۱۰۰,۰۰۰
تا آمدن احمد	۱۰	۸	۵۰,۰۰۰	۷۵۰,۰۰۰

جدول فروش شهرستان‌ها

نام فیلم	تعداد سینما	مجموع فروش	تعداد مخاطب	بفروش‌ترین شهر
محمد رسول‌الله	۱۵	۸,۰۲۶,۰۰۰,۰۰۰	۱,۱۰۵,۰۰۰	۱-مشهد ۲-کرج
شاهزاده روم	۵	۲,۶۷۱,۰۰۰,۰۰۰	۵۲۴,۰۰۰	۱-کرج ۲-اصفهان
در مدت معلوم	۲۵	۱,۱۳۰,۰۰۰,۰۰۰	۲۲۵,۰۰۰	۱-مشهد ۲-اصفهان
این سیب هم برای تو	۱۶	۶۳۰,۰۰۰,۰۰۰	۱۲۵,۰۰۰	۱-شیراز ۲-کرج
کوچه بی‌نام	۲۵	۲۵۰,۰۰۰,۰۰۰	۴۹,۰۰۰	۱-مشهد ۲-کرج
آزادی مشروط	۱۲	۲۵۰,۰۰۰,۰۰۰	۵,۰۰۰	۱-مشهد ۲-چالوس
شیفت شب	۱۴	۳۲۰,۰۰۰,۰۰۰	۶۳,۰۰۰	۱-مشهد ۲-کرج
شکاف	۵	۱۳۳,۰۰۰,۰۰۰	۲۶,۰۰۰	۱-مشهد ۲-اهواز
خبر خاصی نیست	۱۵	۱۸۰,۰۰۰,۰۰۰	۳۵,۰۰۰	۱-مشهد ۲-سنندج
آدم باش	۱۲	۳۲۰,۰۰۰,۰۰۰	۶۳,۰۰۰	۱-مشهد ۲-شیراز
نقش نگار	۲۳	۸۰,۰۰۰,۰۰۰	۱۹,۰۰۰	۱-مشهد ۲-کرج
بیداری	۷	۲۰,۰۰۰,۰۰۰	۳,۹۰۰	۱-مشهد ۲-شیراز
وروجک‌ها	۱۳	۹۵,۰۰۰,۰۰۰	۱۹,۰۰۰	۱-اهواز ۲-مشهد

ورود «کوچه بی‌نام» به باشگاه میلیاردی‌ها

فیلم هاتف علیمردانی بعد از ۱۶ روز نمایش فروش توانست میلیاردی شود

وحید امیرخانی بعد از ۷۳ روز نمایش در تهران و شهرستان‌ها ۴۵ سالن در اختیار دارد و بیش از سه میلیارد تومان فروخته است. «خبر خاصی نیست» و «نزدیک‌تر» نیز افت تماشاگر داشتند. فیلم مصطفی احمدی سومین روز نمایش‌اش فروشی معادل پنج میلیون تومان داشت. هنوز اکران شهرستان‌های فیلم شروع نشده و قرار است تا چند روز دیگر اکران گسترده «نزدیک‌تر» در خارج از تهران آغاز شود. فروش «خبر خاصی نیست» نیز از مرز نیم میلیارد تومان گذشته است. بعد از مشهد، سنندج پرفروش‌ترین شهر فیلم مصطفی شایسته است. فیلم جدیدی نیز یک‌صدوهفتادمین روز اکرانش را پشت سر گذاشت، «محمد رسول‌الله» هم‌چنان در تهران هشت سینما در اختیار دارد و حدود هفت میلیارد و ۹۰۰ میلیون تومان فروش داشته است. این رقم غیر از فروش هشت میلیاردی فیلم در شهرستان است. «این سیب هم برای تو»، «شاهزاده روم» و «شیفت شب» از جمله فیلم‌های قدیمی جدول اکران هستند که فقط در شهرستان‌ها سینما دارند. فیلم سیروس الوند تا این جای کار حدود ۶۳۰ میلیون تومان فروش داشته و هم‌چنان ۱۶ سالن در شهرستان‌ها در اختیار دارد. «شاهزاده روم» نیز با پنج سینما آخرین روزهای اکرانش را سپری می‌کند. فیلمی که فقط در شهرستان بیش از نیم میلیون مخاطب داشته است. «شیفت شب» هم شرایطی مشابه با فیلم الوند دارد. فیلم نیکی کریمی در ۱۴ سینما ۳۲۰ میلیون تومان فروخته که پرمخاطب‌ترین شهرش مشهد است.



روز جمعه فیلم‌های روی پرده بیش‌ترین میزان فروش را طی چند هفته گذشته پشت‌سر گذاشتند. به لطف اکران «من سالوادور نیستم»، «کوچه بی‌نام» و البته «در مدت معلوم» دهه‌اول اسفند امسال شاید پرمخاطب‌ترین دهه طی سال‌های گذشته باشد. فیلم‌های البته به دلیل برگزاری انتخابات کمی نسبت به روز پنج‌شنبه کم‌تر فروختند که دلیل اصلی آن برگزاری انتخابات در هفتم اسفندماه بود. «من سالوادور نیستم» و «کوچه بی‌نام» به ترتیب ۴۵ و ۱۰ میلیون تومان افت فروش داشتند که در نوع خود جالب توجه است؛ اما مهم‌ترین اتفاق جدول اکران در روز جمعه ورود فیلم هاتف علیمردانی به باشگاه میلیاردی‌ها بود. این فیلم با احتساب فروش ۲۵۰ میلیونی در شهرستان توانسته بعد از ۱۶ روز نمایش از مرز فروش یک میلیارد تومان گذر کند. این فیلم در شهرستان‌ها هم ۲۵ سالن در اختیار دارد. فیلم منوچهر هادی، روز سوم اکرانش را با گیشه‌های معادل ۸۰ میلیون تومان سپری کرد. «من سالوادور نیستم» هم‌زمان با تهران از دیروز نیز در شهرستان‌ها روی پرده رفته است. «در مدت معلوم» فیلم سوم جدول است. فیلم



Save Water... Save Life

نخستین جشنواره ملی بوستراب
آذرماه ۸۱ - بروج

تهیه‌کنندگی تئاتر، انگیزه جدید

خسرو احمدی / بازیگر



خسرو احمدی با برنامه معروف «لنگ و دولنگ» سهم مهمی در خاطرهای خوش کسودکان و نوجوانان دهه ۶۰ دارد. او مدت‌هاست که دیگر کم‌تر بازی می‌کند و به امور دیگری مشغول شده است. احمدی درباره فعالیت‌های اخیر خود به روزنامه سینما می‌گوید: «چند وقتی است نمایش‌های پسر علی را تهیه می‌کنم و در برخی از آن‌ها بازی هم دارم. این آثار «شب‌به‌خیر کیارستمی»، «پهرونی برای دیکتاتور» و «خشم ازدها» نام دارد. این نمایش آخر، «خشم ازدها» چند شب قبل به کار خود پایان داد، البته ما تا ۲۲ اسفند مجوز داریم و ممکن است بار دیگر اجرا را از سر بگیریم.»

احمدی در ادامه توضیح می‌دهد: «این نمایش‌ها در سطح جهانی نیز جوایزی دریافت کرده‌اند. تهیه‌کنندگی چنین آثار درخشانی یک انگیزه و امید جدید برای من به حساب می‌آید و جالب است به شما بگویم چند شب قبل دوستی به من گفت، تو با این نمایش‌ها یک بار دیگر مثل سال‌های دهه ۶۰ روی بورس قرار گرفتی! به‌ر حال همکاری من با علی پسرم صرفاً به خاطر روابط پدر و فرزندی نیست. او دانش‌آموخته تدوین و سینماست و الآن در مقطع فوق‌لیسانس تحصیل می‌کند. بناست برای دانشگاه او کاری آماده شود که من، هم تهیه‌کنندگی آن را بر عهده دارم و هم ایفای یکی از نقش‌ها را قبول کرده‌ام.»

این بازیگر پیشکسوت در پاسخ به این سؤال که آیا به‌عنوان تهیه‌کننده اعمال نظر و سلیقه‌ای در کار دارد، می‌گوید: «معمولاً طرح‌ها را پسرم می‌دهد و فرهاد نقدعلی آن‌ها را می‌نویسد. من هم نظراتی دارم و گاهی به اختلاف هم می‌رسیم اما به‌ر حال همه عضو یک گروه هستیم و در نهایت مشکل را حل می‌کنیم.»

نیاز شهرستان‌ها به فعالیت فرهنگی

کامبوزیا پرتوی / کارگردان، فیلم‌بردار



کامبوزیا پرتوی که پس از ۱۲ سال قصد دارد فیلم تازمای را مقابل دوربین ببرد، معتقد است تمرکز امکانات در تهران نکته قابل‌توجهی نیست. او که این روزها در تدارک تولید «کامیون» است در پاسخ به این سؤال که با برگزاری جشنواره مستقلی برای هنر و تجربه به‌جای برگزاری آن به‌عنوان یک بخش جنبی جشنواره فجر موافقت می‌کند؟ گفت: «هر جشنواره‌ای فعالیت فرهنگی خیلی خوب است. هر جشنواره‌ای حتی جشنواره غذا

کمکی به عرصه فرهنگ است. برگزاری این جشنواره هم در ایران و در پایتخت فرصت خوبی محسوب می‌شود به‌خصوص که هنر و تجربه نوع دیگری از سینما ارائه می‌دهد. هنر و تجربه متکی به خودش است و غیر از نمایش و ارکان وارد فعالیت دیگر هم می‌تواند بشود.» او در ادامه گفت: «فعالیت فرهنگی در شهرستان‌ها چندان جدی گرفته نمی‌شود. چه‌قدر هم این نیاز در شهرستان‌ها جدی است. در سال‌های دور در اصفهان برگزاری جشنواره کودکان و نوجوانان جدی گرفته می‌شد. ما این‌جا روزی بین فعالیت‌های فرهنگی مختلف گم می‌شویم و چه خوب است دست از تمرکز برداریم.» پرتوی درباره بین‌المللی شدن این جشنواره به سبب هنر و تجربه می‌گوید: «اگر بخواهیم چنین جشنواره‌ای را بین‌المللی کنیم چون هنر و تجربه خیلی خاص و تجربه‌گر است به لحاظ فوآنی که داریم، عملاً ممکن نیست. فکر می‌کنم خوش‌خیالی است که بگویم چه خوب... این مسئله، شدنی نیست، و اگر نه بخش بین‌المللی فجر از خود آن مهم‌تر می‌شد. خوب است به‌جایی برسیم که آن‌ها از ما برای شرکت فیلم‌هایشان تقاضا کنند، نه این‌که ما در جشنواره‌ها دنبال فیلم بگیریم.»

سینما برای شاخص‌هاست

صفا آقاجانی / بازیگر



صفا آقاجانی از آن بازیگرانی است که به واسطه صدای خوب خود در رادیو‌نمایش نیز مشغول به کار هستند و در این مدیوم نیز فعالیت‌هایی دارند. با این حال او را هرگز گاهی در سریال‌های مناسبتی تلویزیون به‌ویژه در مجموعه‌هایی که ایام ماه مبارک رمضان بخش می‌شوند می‌بینیم. اخیراً او در سریال «در دسرهای عظیم ۹۱ و ۹۲» به کارگردانی بروز نیکنژاد ظاهر شده بود.

آقاجانی در پاسخ به این سؤال که سال ۹۴ را چگونه گذرانده توضیح می‌دهد: «در سالی که گذشت تنها در یک فیلم سینمایی بازی کردم، «آب‌نبات چوبی» به کارگردانی حسین فرح‌بخش. این اثر در سی و چهارمین دوره جشنواره فجر شرکت داشت و اتفاقاً من هم آن را همراه مردم تماشا کردم اما باز خورد خاصی را مشاهده نکردم. یعنی مردم نه خوب گفتند و نه بد. در این اثر در نقش مادری بازی کردم که بسیار نگران فرزندش است و با این که خطای بزرگی از او سر می‌زند، او را پشتیبانی می‌کند و از پسرش می‌خواهد خواهرش را از زده نکند.»

این بازیگر هم چنین در ادامه بیان می‌دارد: «دوست داشتم بقیه فیلم‌های جشنواره را تماشا کنم اما خانه سینما تنها به هر فرد ۱۰ بلیت می‌دهد که آن هم یک نفره است. رندمی هم انتخاب می‌کند و بنابراین شور و اشتیاقی برای تماشای فیلم‌ها باقی نمی‌ماند. به نظر می‌رسد سینما تنها برای عده شاخصی از بازیگران است، همان‌ها که به افتتاحیه و اختتامیه دعوت می‌شوند و همیشه مورد توجه قرار می‌گیرند. روی هم‌رفته سال ۹۴ برای من سال کاری شلوغی نبود. برای مردم آرزوی سالی خوب را دارم و دعا می‌کنم احوال سینما در سال ۹۵ امیدوارکننده‌تر باشد.»

مصطفی احمدی در گفت‌وگو با روزنامه سینما:

در «نزدیک‌تر» دنبال رئالیسم نبودم

مehrosh Selmasy

با احمدی درباره «نزدیک‌تر» و شرایط اکرانش گفت‌وگو کرده‌ام.

مصطفی احمدی که بیش از دوده‌به‌عنوان دستیار و برنامه‌ریز در سینما فعالیت داشته، در پاسخ به این سؤال که چه دلایلی باعث شد که ساخت فیلم اولش به تعویق بیفتد، می‌گوید: «دلایل مختلفی وجود دارد. یکی از دلایل این بود که باید فرصت مناسبی چه به لحاظ موقعیت عمومی سینما و چه موقعیت خود به لحاظ توانایی فراهم می‌شد تا اولین فیلم سینمایی‌ام را می‌ساختم. دلیل دیگر این بود که این قدر در گیر دستگیری بودم و این قدر به این حرفه علاقه داشتم که حتی تا شش ماه قبل از پروژه

«نزدیک‌تر» فکر نمی‌کردم به فیلم‌سازی کشیده شوم و بخواهم کارگردانی کنم.» چه شد که کارگردان «نزدیک‌تر» برای فیلم‌نامه سراغ بهرام توکل رفت؟ «هن و هستی بشری توکل که فیلم‌نامه «نزدیک‌تر» را نوشته‌اند از روز اول می‌دانستم که فیلم‌نامه به لحاظ تأیید، روتوش و بازنویسی نیاز به آدم حرفه‌ای‌تری دارد. چون این کار، هم اولین فیلم من و هم اولین فیلم‌نامه بشری توکل بود و طبیعتاً می‌خواستیم که برای کار اول مان ریسک نکنیم. پیش از بهرام توکل با چند نفر از دوستانم صحبت کرده بودیم و برای رفع ایرادات کارمان مشورت کرده بودیم. بخشی از فیلم‌نامه



روتوش و اصلاح شد. با این حال ما مطمئن بودیم که نیازمند نگاه دیگری هستیم که به فیلم اول مان کمک کند. خصوصاً من که سال‌ها در سینما کار کرده‌ام و بر گشت به حرفه اول سخت خواهد بود؛ بنابراین بهتر بود که قدم‌های اول محکم‌تر برداشته شوند. با توکل در این باره صحبت کردم، فیلم‌ها و قلم او را خیلی می‌پسندیدم ولی مطمئن نبودم که به لحاظ سلیقه فیلم‌نامه و وقت، انجام این کار را بپذیرد. خوشبختانه این کار انجام شد و فرصت همکاری با توکل برای ما پیش آمد.»

«نزدیک‌تر» به سنت‌های نمایش وفادار است. در واقع ما نباید به دنبال نشان دادن واقعیت در فیلم باشیم، هر چند ممکن است خیلی هم تماشاگر را با موضوع «نزدیک‌تر» کار ویژه و نوآورانه‌ای بوده، در واقع بر اساس شناخت‌های پیشینی که در این زمینه در سینما وجود داشته عمل کرده‌ام. این که مدام نگاه جهت‌دار به سمت سینمای ایران داشته باشیم و همه چیز را با واقعیت مقایسه کنیم باعث می‌شود که از تنوع زائر تهی شویم. انگار ما می‌رویم فیلمی ببینیم که شبیه زندگی‌مان باشد. هر چند من مدعی هستم این فیلم شباهت‌های بی‌چون‌وچرای با واقعیت دارد ولی الزاماً به این معنا نیست که آدم‌های مملکت ما شبیه این افراد زندگی می‌کنند. این یک فیلم است و اگر خوش‌شانس باشم تماشاگر بعد از دیدن فیلم به آدم‌ها و رفتارهای آنان فکر می‌کند. این که چه‌قدر قصه و افراد فیلم شبیه خودش بوده‌اند.»

او در ادامه گفت: «فیلم «نزدیک‌تر» مصداق این جمله است که فیلم اول درباره دنیایی است که

فیلم‌ساز خوب می‌شناسد. من سراغ موضوعی که نمی‌شناسم نرفتم. سراغ کسانی رفتم که درک درستی از آن‌ها داشتم. معنی‌اش این نیست که این فیلم را می‌شناسم. من این آدم را می‌شناسم. چهار طرح برای فیلم‌سازی داشتم که در هر کدام این کارا کتر وجود داشت.»

احمدی درباره شرایط اکران فیلمش گفت: «چند روزی است که اکران «نزدیک‌تر» آغاز شده، روز اول که اکران دیر شروع شد و روز دوم هم با انتخابات مجلس تداخل یافت. خیلی از مناسبات اکران آگاهی ندارم، با این حال امیدوارم تماشاگرانی که فیلم را می‌بینند، آن را دوست داشته باشند و اگر خوب است به دیگران هم توصیه کند.»

این کارگردان در پاسخ به این سؤال که طرحی برای ساخت فیلم بعدی‌اش دارد یا نه؟ می‌گوید: «طرح‌هایی داشتم که خودم نوشته بودم و حالا توسط یکی از دوستانم به فیلم‌نامه تبدیل شده که امیدوارم بهار سال آینده آن را جلوی دوربین ببرم. این فیلم‌نامه به لحاظ تم و مضمون متفاوت با اولین فیلم‌ها است.»

احمدی درباره محدودیت‌هایی که تلویزیون در تبلیغ فیلم‌هایی که تیزر ماهوارهای دارند، قائل می‌شود، گفت: «به‌عنوان یک مخاطب سینما باید بگویم در جریان نیستیم که تلویزیون چه محدودیت‌هایی را برای بخش تیزر فیلم‌هایی که تبلیغات ماهوارهای دارند، در نظر گرفته است، اما این پرسش برایم مطرح است که آیا اگر فیلمی تیزر ماهوارهای نداشته باشد، تلویزیون داخلی تخفیف مناسبی به آن فیلم می‌دهد؟! آیا اساساً سینما در تلویزیون به‌عنوان کالای فرهنگی ارزیابی می‌شود؟! فیلمی که در یکی، دو هفته اول اکرانش ۱۴ میلیون فروش داشته، در هفته چهارم به دلیل تبلیغات ماهواره، فروشی چندین برابر و حتی ۱۰ برابر داشته است. این موضوع نشان می‌دهد تلویزیون داخلی ما بر د لازم را ندارد. به همین دلیل باید این مسئله را به‌طور منطقی ارزیابی کنیم و ببینیم تلویزیون داخلی ما چه‌قدر تماشاگر دارد. بعضی سینماگران برای تلویزیون عزیز هستند و بعضی نیستند. در حالی که خود ما این گونه دسته‌بندی‌ها را قبول نداریم. ما سینماگران، مشکلی با یکدیگر نداریم اما تلویزیون مدام ما را در مقابل یکدیگر قرار می‌دهد.»

او در ادامه گفت: «فیلم «نزدیک‌تر» مصداق این جمله است که فیلم اول درباره دنیایی است که

نمایش فیلم‌های جشنواره فیلم سبز در ۴۰ سالن

مهدی توحیدپور (دبیر اجرایی پنجمین جشنواره بین‌المللی فیلم سبز) در گفت‌وگو با تسنیم: «هنر ابزاری برای آموزش و ترویج فرهنگ به عموم مردم است و زبان سینما از ماندگارترین زبان‌هایی است که تمام اقشار جامعه را در نظر می‌گیرد و می‌تواند در ترویج فرهنگ حفاظت از محیط‌زیست مؤثر باشد.»

فیلم‌های این دوره جشنواره در بیش از ۴۰ سالن سینما در کشور نمایش داده می‌شود. باید در تمام کشور برای حفظ محیط‌زیست فرهنگ‌سازی کنیم. مدیران، مسئولان و مردم جوامع محلی

مثل روستاها در مراکز استان‌های‌شان می‌توانند در جشنواره فیلم سبز حضور داشته باشند و در کارگاه‌های آموزشی شرکت کنند و نسبت به حفظ محیط‌زیست آموزش ببینند. در جشنواره فیلم سبز کارگاه‌های تخصصی سازمان محیط‌زیست برای عموم مردم برگزار می‌شود. تاکنون وزارت ارشاد و فرهنگ اسلامی، تمامی اداره‌کل‌های محافظت محیط‌زیست استان‌ها، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، شهرداری‌ها، فرمانداری‌ها، استانداری‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن) همکاری خودشان را با این جشنواره اعلام کرده‌اند.»

ساخت «زخمی» بعد از «قاتل اهلی»

پولاد کیمیایی در گفت‌وگو با مهر: «پروژه «معکوس» هم چنان متوقف مانده است و باید بتوانم تهیه‌کننده مناسبی پیدا کنم. در واقع این پروژه از لحاظ تولید زمان بر است و نیازمند هزینه بالایی است، به همین دلیل باید تهیه‌کننده‌ای پیدا کنم تا علاقه‌مند به ساخت این پروژه سینمایی باشد. در حال حاضر یک فیلم‌نامه دیگر بنام «زخمی» در دست دارم که به‌احتمال زیاد این فیلم‌نامه را سال آینده جلوی دوربین می‌برم. البته این پروژه بعد از ساخت فیلم پدر بنام «قاتل اهلی» که فیلم‌برداری آن یک‌ماه طول می‌کشد، جلوی دوربین می‌رود. فیلم‌نامه نوشته شده در حال‌وهوای «سفر سنگ» به کارگردانی مسعود کیمیایی است و داستان

دو باغی است که مشکلی با هم دارند. یکی از این دو باغی بعد از آزاد شدن از زندان تصمیم به انتقام می‌گیرد. داستان این فیلم تاریخی در جنگل و کوه‌ها می‌گذرد. داستان این فیلم می‌تواند در دوران قاجار رخ داده باشد که البته برای زمان داستان هنوز به نتیجه نرسیده‌ایم. در حوزه‌نگارش فیلم‌نامه «قاتل اهلی» و انتخاب عوامل به پدرم کمک کردم. بسیاری از دوستان علاقه‌مند هستند تا در این فیلم بازی کنند، اما من ترجیح می‌دادم که در این فیلم بازی نکنم تا بتوانم به فیلم خود برسیم، اما از طرف دیگر این نقش بسیار جذاب است و فکر می‌کنم بازی در این نقش را بپذیرم.»

اگر اهل ورق زدن نیستید ما را کلیک کنید

تماشای سایت سینما را از دست ندهید

www.cinemanewspaper.ir



چرا عصر طلایی سوم تلویزیون این قدر تاریک است؟

سوپرانوها به جنگ کلیشه‌های تلویزیونی رفتند

بودند که اعمال شان در بهترین شرایط می‌تواند از چند پهلوی و میهم توصیف شوند و نه تنها بینندگان را در مسیر تماشای این مردان قرار دادند بلکه در واقع حمایت آن‌ها را نیز جلب کردند؛ حمایت از رفتارهای سؤال‌برانگیز و همه چیزشان.

اما مار تین شرح می‌دهد، مردانی که این کاراکترها را خلق کردند نیز به همان پیچیدگی خود کاراکترها هستند: دیوید جیس (سوپرانوها)، متیو وینر (Mad Men)، دیوید میلچ (دودون) و وینس گیلیگان (بر کینگ‌بد). مار تین به خوانندگان، برسی‌ای در روند پس‌و‌پشت این سریال‌ها ارائه می‌دهد، روندی هدایت‌شده توسط گروهی از مردان جاه‌طلب، خلاق و البته چغر.

واکشن به مرگ گاندولفینی گستره‌ای را شرح می‌دهد که در آن «سوپرانوها» نقطه عطف عظیمی را در تاریخ تلویزیون رقم زد. مار تین می‌نویسد: «تلویزیون در دهه اول هزاره جدید تبدیل به امضای فرم هنری آمریکایی شد، معادلی مابین فیلم‌های اسکور سیزی، آلتمن، کاپولا و سایرین برای دهه ۱۹۷۰ یا داستان‌های آیدل‌بک، رات و میلر برای دهه ۱۹۶۰»

با مار تین درباره این که چه گونه این استحاله پدیدار شد، صحبت کردیم. این که چه طور این سریال‌ها، جنبه‌های انسانی به کاراکترهایی بخشیدند که به لحاظ تاریخی همواره در دره کاراکترهای منفی و بد قرار می‌گرفتند.

به تازگی پابلوت

بر کینگ‌بدر

دوباره تماشا

کردم. با این که

می‌دانم سریال

به کجا ختم

می‌شوداما

هم‌چنان‌از

والتر وایت

حمایت‌می‌کنم

که در همان

قسمت‌از زمین

بلندشودو

کنترل‌همه‌چیز

را به دست

بگیرد. این نکته

نشان‌دهنده

میزان

قدرتمندی

فانتزی

به تصرف

در آوردن قدرت

مردانگی‌است

اتلنیک

ترجمه احسان میرحسینی

برت مار تین همواره نویسنده مجله بوده، نه منتقد تلویزیون اما پس از نوشتن کتاب راهنمای پشت‌صحنه‌ای برای سریال «سوپرانوها» HBO در سال ۲۰۰۷، اطمینان پیدا کرد که چیزی ژرف در دنیای تلویزیون در حال رخ‌دادن بوده: از اواخر دهه ۱۹۹۰، موجی از درام‌های یک‌ساعته، شروع به کنار گذاشتن قواعد سنتی تلویزیون کردند. با معرفی کاراکترهایی پیچیده و ارتقای کیفیت‌شان -در زمینه‌های تولید، نوشتن و بصری- تا حد آثار سسینمایی. در کتاب تازه‌اش «مردان چغر»، مار تین این دوران را «عصر طلایی سوم» تلویزیون می‌نامد (به دنبال روزهای ابتدایی در دهه ۱۹۵۰ و تولد درام‌های شبکه‌ای در دهه ۱۹۸۰).

بنا به نظر مار تین، جیمز گاندولفینی «سوپرانوها» مردی بود که روی شانه‌های فراخش، عصر طلایی سوم به درون زندگی‌های مان آورده شد. تونی سوپرانو در صف ضدقهرمانان مرد، اولین بود، صفتی که توسط تعداد بیش‌تری از ضدقهرمانانی که مار تین از آنان به‌عنوان «مردان چغر» نام می‌برد، دنبال شد. شخصیت‌هایی چون عمر کوچیکه در سریال «The Wire»، دکستر مورگان در «دکستر»، دان در پیر «Mad Men»، والتر وایت «بر کینگ‌بد»، ناکی تامپسون «امپراتوری بور دوک» و دیگران... که انتظارات مخاطبان از یک کاراکتر اصلی را به چالش کشیدند. این‌ها نقش اصلی‌های مرد پیچیده‌ای

■ چه شرایطی دست‌در‌دست‌هم‌داد تا عصر طلایی سوم در تلویزیون برای ما قلم‌بخورد؟

چیزی که معمولاً لازم‌ه این شکل تغییر بنیادی است، تلاقی جریان‌های اقتصادی، تکنولوژیکی و هنری با یکدیگر است و این چیزی است که در زمان آغاز سوپرانو‌ها وجود داشت. تلویزیون بیش‌تر و بیش‌تر در حال گسترش یافتن بود. شبکه‌های سراسری بزرگ در حال واگذاری بخشی از امتیاز انحصاری‌شان به شبکه کابلی بودند. شبکه کابلی مثل قارچ در حال تکثیر شدن بود. خود تلویزیون‌ها هم که همواره در حال ارتقا یافتن بوده و تبدیل به چیزی شده بودند که می‌توانستند اثری با کیفیت سینمایی در آن‌ها تماشا کنید. جریانی از امکانات فنی آغاز شده بود که اجازه تماشا در هر زمانی را به شما می‌داد. در نتیجه شبکه‌ای که به شما بگوید چه زمانی، چه چیزی را تماشا کنید، روبرو زایل شدن بودو می‌توانستید به قالب سریالی شده بازگردید. روی ضبط‌کننده‌های ویدئویی دیجیتال به‌محض درخواست و به همین منوال، راه‌های مختلفی بود که تلویزیون قدم به زندگی‌های مان گذاشت. این‌ها همه پیش‌شرط‌ها بودند. چیزی که در تلویزیون از هنگام تولدش غالب بود -اعلان‌کننده- و نیاز به آماربینندگان گسترده‌دیگر مهم‌ترین چیز نیست. زمانی که این‌ها را کنار می‌گذارید، دنیای عظیمی از امکانات هنری گشوده می‌شود.

■ در سال ۲۰۰۷ کتاب راهنمای پشت‌صحنه‌ای درباره «سوپرانوها» برای HBO نوشتید. چه‌طور تجربه‌ای بود؟

آن‌ها علاقه‌مند به انجام گرامیداشتی برای سریال بودند، چیزی که در خور و چه آن باشد، زمانی که دیگر واضح و مبرهن شده بود که سریال برای همیشه ماندنی خواهد شد. با آن هم‌چون کاری گزارشی مواجه شدم، با همه مصاحبه کردم و خودم را در دنیای بی‌نوع آمیز شگفت‌انگیز این اثر معر که پیدا کردم. در رسانه‌ای که واردش شده بودند، بدون امیدی که حتی اجازه انجام چنین کاری هم داشته باشند. نکته قابل‌ملاحظه -که به‌دیوید جیس گفته و فکر نمی‌کنم واقعاً متوجه منظوم شد- این بود که حضورم در آن‌جا مضطرب می‌کرد، بودن در قسمت لباس، اگر به‌خاطر این تعهد اتفاقی نبود، همه این افرادی که در حال انجام چنین کار بزرگی بودند، این کار را برای سریال‌هایی انجام می‌دادند که هیچ‌وقت حتی شاید اسم‌شان هم به گوشم نمی‌خورد. موفق شدم کار گاندولفینی را تماشا کنم که یکی از بزرگ‌ترین لذات دوران کاری‌ام بوده است. تماشای او که آن نقش را بازی می‌کند، هم‌چون تجربه تماشای یک یوولنیست یا یک ورزشکار بزرگ در لوح حرفه‌اش است. دیگر این باور را که آن موقع آگاه از چیزی ویژه بودم، ندارم.

■ چه‌گونه تونی سوپرانو نشانه بارز آغاز عصر طلایی سوم در تلویزیون شد؟

به‌دلیل میزان عادی بودنش در حال حاضر، می‌توانید ببینید که چه مقدار شرایط را تغییر داد. یادآوری این که چه مقدار از آن‌ها در آن زمان رادیکال بودند، دشوار است اما ملحظات اساسی‌ای وجود دارند که کاملاً این توقع شما را دگرگون می‌کنند. مردم هم‌چنان درباره اوزی وهریت (کاراکترهای سریال «ماجراجویی‌های اوزی وهریت»، سیت کام محصول ۱۹۵۲) که تخت‌شان را با هم شریک می‌شوند، صحبت می‌کنند. یادآوری این مسئله به‌عنوان چیزی رادیکال در این روزها دشوار است. اگر برای یک لحظه، کاری را که تونی برای گذران زندگی انجام می‌داد را کنار بگذارید، صرف‌ناشتن نقش اصلی مردی ۴۰ سالش است و پیرتر به نظر می‌رسد؛ جاق در حال کلجی با نفس‌هایی سنگین همان جوری لباس می‌پوشد که تونی سوپرانو -به‌تنهایی خود گاندولفینی- به‌عنوان نقش اصلی -کاملاً رادیکال

بود. دیدن او که مردی، با داستان خالی می‌کشد در همان حینی که در حال بردن دخترش به سفری کالاجی است، مسئله هولناکی بود (ناید در دوران پسداد کستر و دد وود و پر کینگ‌بد خیلی هم مسئله بزرگی نباشد). سوپرانوها به جنگ همه چیزهایی رفت که مردم فکر می‌کردند راجع به تلویزیون می‌بانشند. مردم حضور قهرمانی پیچیده در خانه‌های‌شان را پس می‌زنند. شاید باشند قلیلی که در فیلم‌ها مجذوب آن شوند اما شمامی‌توانستید قهرمانی داشته باشید که هم قاتل باشد و هم به آن اندازه پیچیده و بفرنج. دیوید جیس نقش بزرگی ایفا کرد، نوشتن سهم به‌سزایی داشت اما همان‌طور که بیش‌تر و بیش‌تر دیدیم -حالا این شانس را داشتیم، شناسی بسیار ناراحت‌کننده که کار ادوباره ببینیم- مشخص شد که این جامعیت و کمال‌افتگی که گاندولفینی به نقش تزریق کرده بود، آن اتفاق را امکان‌پذیر ساخت. این که به هر منوال، هیچ‌کدام از زشتی‌های تونی را پنهان نکرد ولی نوعی حالت محزون به او بخشید. این دلیل کارایی‌اش بود و در‌ها را برای دیگران گشود.

■ تحت‌روان درماتی بودن تونی سوپرانو از جنبه‌های مرکزی سریال بود. هویت مخدوش شده، ایده بنیادین تعدادزادی از سریال‌های دیگر به است: Mad Men، بر کینگ‌بد و... چه‌گونه این کاراکترها مفهوم متنوع‌تری از مردانگی را به نمایش می‌گذارند؟

ایس کاراکترها تحقق آرزومندی‌های مردانه (و تا حدودی زنانه) هستند. در آن واحد، ما را به سؤال درباره چرایی‌اش وامی‌دارند. شکی در این نیست که بخش بزرگی از مردانی که تونی را تماشا می‌کنند، می‌خواهند جای او باشند. چیزی که ما را به فکر درباره خودمان وا می‌دارد، بخشی از فشار عصبی ناشی از تماشای آن نمایشی است و زلنی که می‌خواهند جای تونی باشند. دلیل خوبی داشتند برای سؤال از خودشان که چرا این‌گونه باید باشد. به تازگی پابلوت بر کینگ‌بدر را

دوباره تماشا کردم. با این که می‌دانم سریال به کجا ختم می‌شود اما هم‌چنان از والتر وایت حمایت می‌کنم که در همان قسمت از زمین بلندشود و کنترل همه چیز را به دست بگیرد. این نکته نشان‌دهنده میزان قدرتمندی فانتزی به تصرف در آوردن قدرت مردانگی است. این مسئله تا حدودی به‌خاطر این است که خمیرمایه اولیه به‌دست مردانی ساخته شده که خودشان در دل نمایان‌های عظیمی برای تبیین مفهوم مرد بودن زیستند.

■ دوران جدید در تلویزیون برای بینندگان، شخصیت‌های اصلی مردی را به نمایش گذاشت که جزو طبقه کارگر، گنگسترها، آتش‌نشسان و جمهوری‌خواهان بودند. این ایده‌ها چه‌گونه درون بافت فرهنگی اسبایسی آمریکایی‌اواخر دهه ۱۹۹۰ جای گرفتند؟

اگر نگاهی به موج اول سریال‌ها ببیندازید، آن‌ها زمانی به‌وجود آمدند که جناح راست دست بالا را در سیاست‌های آمریکا داشت. ما در موقعیت مضطرب‌کننده‌ای در دنیا قرار داشتیم و مسئله قدرت آمریکایی و قدرت مردانه در پیش‌رو و ااهم واجبات بود. اگر آن قهرمانان را بررسی کنید، متوجه می‌شوید که آن‌ها نمی‌توانند جزو مخاطبان HBO باشند. آن‌ها، اینبنده عموماً آمبیرال و معمول‌تان نبودند. شاید دارم بیش از حد تعمیم می‌بخشم اما فکر می‌کنم که در زیر متن چیزی وجود داشت، چیزی که مایه تسلی خاطر بود؛ بازشناختن این مسئله که هیولاهای در میان‌مای می‌توانستند انسان‌ها باشند. این تونی سوپرانو ادیک چنین شمامت‌کشش از جاز نسبت به این مسئله در فضا موج می‌زد. به‌نظرم در خور توجه است که در دوران پس‌اوباما، چیزی که در این نمایش‌ها موجود است، چیزهایی هم‌چون «دختران» و «اتاق خبر» است که به مخاطب خودش را نشان می‌دهد. کاملاً مطمئن نیستم که دلیلش را متوجه شوم اما این مهم است که رسالت نمایش چیزی غیر از خودشان به بینندگان بود.

این‌طور به‌نظر می‌رسد که به‌تدریج به چیزی دیگر بسط پیدا کرد. ■ چه‌گونه تأکید بسز آمار بینندگان بسه ایده‌های brand and buzz (اصطلاحی در بازاریابی مبتنی بر به‌وجود آوردن همه‌ج‌حول یک محصول یا کمپانی جدید) منتقل شد که موجه به پیش‌رانده‌شدن حرکت خلاقانه در تلویزیون کابلی‌شد؟

در موارد بسیاری، این نکته‌های کلیدی است. در چشم‌انداز شبکه کابلی که هزاران کانال وجود دارد، بدترین فرام برای یک ایستگاه، آمار پایین بینندگان نیست بلکه فراموش‌شدن است. برای از‌زمن‌شدن‌بودن، مهم‌تر از داشتن جماعت‌یادی که سریال‌تان را تماشا می‌کنند و وجود افرادی است که مطلع از سریال‌تان باشند. این هویت‌برند است. این نکته منجر به ایجاد اثری جذاب، رسک‌پذیر و نومی‌شود.

کمدین‌های برتر زن - ۱۹ -

۱۸ کمدین برتر نقش اول زن

اینتر تیمنت ویکلی
مترجم: فریدر هسما

چند عنوان از نقش اول‌های زن در کمدی‌های سیاه که کاندیدای حضور در این فهرست بودند، عبارت‌اند از: تورا برچ در «گوست وولد»، نیکول کیدمن در «به خاطرش مردن»، کاتلین ترنر در «مامان سریالی» / «جنگ رزها»، بتی دیویس در «همه‌چیز راجع به ایو» (فیلمی که البته پیش‌تر درام است)، ویونا راید در «Heathers»، روث گوردن در «هر ولد و ماد» و باید این را هم بگوئیم که گر تا گرویک در «فرنسس‌ها» مستقل‌تر از آن است که در ظرف مقایسه هالیوودی مان طبق الگوی «تر کیده» بگنجد.

اصلاً راستش را بخواید خیلی‌ها هستند که شاید در فهرستی موازی قرارشان دهیم و از همین حالا از این می‌ترسیم که این بار هم جای لیلی تاملین نباشد که هم برای «همه من»، هم برای «۹ تا ۵» و هم برای «تجارت» شایسته حضور در فهرست هست. اضافه کنید آنا کندرریک را برای «Pitch Perfect». انا فارسی با این که چند نقش اول جذاب در کارنامه دارد اما هنوز طبق معیارهای ما موردقبول نیست. کارول لومبارد برای سسه فیلم «بودن یا نبودن»، «قرن بیستم» و «مردمن: کادفری» می‌تواند باشد. هم‌دوره‌های او هم یعنی میزنا لوی، ایرنه دون و کلودته کولبرت با بیسبیلی از بازی‌های‌شان در یک قدمی فهرست هستند. شاید انتخاب زنی زلوگر در «خاطرات بریجیت جونز» قدری سرزنش‌آمیز به‌نظر برسد اما خوب وقتی غول‌های کمدی تلویزیونی مثل تینا



Samsung
SMART TV





آخرین پیش‌بینی‌ها در مورد برندگان جوایز اسکار

راکی برنده می‌شود؟

اسمال جز جایزه اسکار بهترین فیلم، پیش‌بینی برندگان جوایز بخش‌های مکمل بازیگری نیز کار دشواری است. هشتادو هشتمین دوره جوایز اسکار ۲۸ فوریه (پانزدهم آذرماه) دوشنبه ۱۰ اسفند به وقت ایران در دالی تیه‌تر در هالیووداند هایلندستتر در هالیوود برگزار می‌شود. اسمال جز بخش اسکار بهترین فیلم، پیش‌بینی برندگان جوایز بخش‌های مکمل بازیگری نیز کار دشواری است. سیلوستر استالونه («کریده») و الیسیا ویکاندر («دختر دانمارکی») در ابتدای فصل جوایز سینمایی، پشت‌نواز برندگان بخش‌های بهترین بازیگر مرد مکمل و بهترین بازیگر زن مکمل بودند اما استالونه نامزد جایزه انجمن بازیگران آمریکا با جایزه نفتا نشد که تا حد زیادی به‌خاطر اکران دیرهنگام «کریده» بود در حالی که ویکاندر در نفتا و گلدن گلوب در بخش بهترین بازیگر زن نقش اول نامزد شد. مارک رابینس («پل جاسوس‌ها») برنده جایزه نفتا بهترین بازیگر مرد مکمل می‌تواند برای استالونه در دسر ایجاد کند، همین‌طور کریستین بیل («کسری بزرگ») یا مارک روفالو که «مرکز توجه» دومین نامزدی اسکار را بعد از سال‌ها برایش به‌همراه داشته است اما قدر دانی از بازیگر کهنه کار ۶۹ ساله برای ۴۰ سال به تصویر در آوردن شخصیت ماندگار راکی می‌تواند یک لحظه عالی برای اسکار باشد. در بخش بهترین بازیگر زن مکمل نیز هرچند کیت وینسلت («استیو جایز») در ادامه فصل جوایز سینمایی بر ویکاندر پیشی گرفت اما ستاره فیلم «دختر دانمارکی» می‌تواند در اسکار موفقیت خود را در جوایز انجمن بازیگران آمریکا تکرار کند. پیش‌بینی برندگان جوایز بهترین بازیگر نقش اول کار آسنان تری است. در این دو بخش می‌توان روی لئوناردو دی کاپریو («بازگشته») و بری لارسن («تاق») حساب کرد. هر دو بازیگر فصل جوایز سینمایی را به خود اختصاص دادند. در دو بخش فیلم‌نامه نیز اوضاع برای «کسری بزرگ» و «مرکز توجه» دو برنده جایزه انجمن نویسندگان آمریکا امن است و در بخش بهترین فیلم‌برداری هم حتی پیش از کمپین‌های تبلیغاتی می‌شد روی امانوئل لوبزکی («بازگشته») به راحتی شرط بست. او می‌تواند با دریافت سومین اسکار پی‌درپی خود، یک رکورد جدید خلق کند. جز این پنج بخش، پیروزی «پشت‌رو» در بخش بهترین فیلم بلند انیمیشن نیز تا حد زیادی قطعی است. از سوی دیگر، آکادمی قطعاً این فرصت را که بالاخره یک جایزه اسکار رقابتی به انیو موریکونه بدهد، از دست نخواهد داد. او برای موسیقی فیلم «هشت نفر تانگیز» نامزد شده است. در بخش بهترین ترانه نیز بعد از موفقیت‌های پرسروصدا لیدی گاگا در سوپر باول و جوایز گرمی، او باید برای «تاب‌رایت اتفاق بیفته» از فیلم «شکارگاه» برنده اسکار شود و اگر گاتربرنده نشود، «وشتن روی دیوار» از فیلم «اسپکتر» که جایزه گلدن گلوب را برد، می‌تواند این جایزه را بگیرد. در بخش بهترین مستند بلند، «بمی» محبوب‌ترین و پر فروش‌ترین نامزد این بخش موفقیت خیلی خوبی دارد. در بخش بهترین فیلم خارجی‌زبان نیز از «موستانگ» از فرانسه مشکل ساز نشود، جایزه اسکار باید به «پسر شائلو» از مجارستان برسد. صرف‌نظر از رقابت نزدیک «مکس دیوانه، جاده‌خشم» و «بازگشته» در نفتا، به نظر می‌رسد «مکس دیوانه» جوایز اسکار طراحی لباس، چهارم‌پرده‌ای و مو، طراحی صحنه و تدوین را بربرد و دو جایزه بخش صدا و جلوه‌های تصویری را به «بازگشته» واگذارد. کندا سوی دیگر، «دختر دانمارکی» هم می‌تواند در بخش طراحی لباس پیروزی شود. «کسری بزرگ» هم می‌تواند رقیب سخت «مکس دیوانه» در بخش تدوین باشد. «مریخی» یا «جنگ‌های ستارهای: نیروی بی‌پایه می‌شود» نیز این شانس را دارند که جوایز دو بخش صدا و جلوه‌ها را به‌خانه ببرند. در بخش اسکار بهترین کارگردانی، آلخاندرو گونزالس ایناریتو شانس زیادی دارد تا بیش از ۶۰ سال پس از جوزف ال منکه‌ویتس، اولین کارگردانی باشد که دو سال پیاپی برنده اسکار این بخش شده است. اگر آری دهندگان حس کنند یک سال بعد از «بردمن» این جایزه برای ایناریتو زیاد است، جورج میلر برای «مکس دیوانه» می‌تواند انتخاب احساسی آن‌ها باشد.

گروهی در مورد برنده این بخش مطمئن نیستند و تعدادی نیز آن را آشکار می‌دانند. اگر ایناریتو جایزه کارگردانی را بربرد، «بازگشته» هم قطعاً باید برنده جایزه اسکار بهترین فیلم شود. درست است؟ «بازگشته» در گلدن گلوب و نفتا برنده جایزه اصلی شد اما هیچ کدام از این دو گروه سال گذشته «بردمن» را انتخاب نکردند که این می‌تواند تأثیرگذار باشد. از سوی دیگر، انجمن کارگردانان آمریکا که یک شاخص بسیار خوب برای پیش‌بینی برنده اسکار بهترین فیلم است، ایناریتو را انتخاب کرد. در صورت پیروزی «بازگشته» برای اولین بار در تاریخ جوایز آکادمی یک فیلم‌ساز دو فیلم برنده اسکار بهترین فیلم را پشت‌سر هم کارگردانی کرده است و برای اولین بار یک فیلم بدون دریافت جایزه گروه بازیگران آمریکا یا نامزدی در بخش فیلم‌نامه اسکار بهترین فیلم را گرفته است. پس امواگرهای بسیاری هست. بنابراین می‌توان پیش‌بینی کرد «کسری بزرگ» که پیش‌از این جایزه انجمن بهترین فیلم‌ساز آمریکا برنده اسکار بهترین فیلم سال شود. جوایز انجمن تهیه‌کنندگان آمریکا با بیش از ۶۷۰ عضو شاخصی پر قدرت است. از ۲۶ برنده قبلی انجمن تهیه‌کنندگان ۱۹ برنده اسکار بهترین فیلم را هم برده‌اند. اگر «کسری بزرگ» برنده اسکار بهترین فیلم شود، اولین برنده اسکار این بخش بعد از «بزرگ‌ترین نمایش زمین» در ۱۹۵۲ است که تنها یک جایزه اسکار دیگر برده است.

فهرست برندگان احتمالی هشتادو هشتمین دوره جوایز اسکار به شرح زیر است:

بهترین فیلم: «کود بزرگ»
بهترین کارگردانی: آلخاندرو گونزالس ایناریتو، «بازگشته»
بهترین بازیگر مرد: لئوناردو دی کاپریو، «بازگشته»
بهترین بازیگر زن: بری لارسن، «تاق»
بهترین بازیگر مرد مکمل: نیلوستر استالونه، «کریده»
بهترین بازیگر زن مکمل: الیسیا ویکاندر، «دختر دانمارکی»
بهترین فیلم‌نامه غیراقتباسی: «مرکز توجه»، تام مک کارتی و جاش سینگر
بهترین فیلم‌نامه اقتباسی: «کسری بزرگ»، چارلز راندولف و آدام مک‌کی بر مبنای کتاب مایکل لوویس
بهترین فیلم بلند انیمیشن: «پشت‌رو»، بیت داکتر، جونس رابورا (دیزنی-پیکسار)
بهترین فیلم‌برداری: «بازگشته»، امانوئل لوبزکی
بهترین طراحی لباس: «مکس دیوانه، جاده‌خشم»، جتی بیون
بهترین مستند بلند: «بمی»، آصف کاپادیا و جیمز گی-ریس ۲۴۸
بهترین مستند کوتاه: «کلود لاتزنمن: اشباح هولوکاست»، آدام بنزین (جت‌بلک آپریس آمریکا)
بهترین تدوین: «مکس دیوانه، جاده‌خشم»، مارگارت سیکسل
بهترین فیلم خارجی‌زبان: «پسر شائلو»، لاشلوملس (مجارستان)
بهترین چهره پرده‌دازی و مو: «مکس دیوانه، جاده‌خشم»، لسلی فاندروالت، دامین مارتین و الکوااردگا
بهترین موسیقی: «هشت نفر تانگیز»، انیو موریکونه
بهترین ترانه: «تاب‌رایت اتفاق بیفته» از فیلم «شکارگاه»، موسیقی و شعر از دایان وارن و لیدی گاگا
بهترین طراحی صحنه: «مکس دیوانه، جاده‌خشم»، طراح صحنه: کالین کینسن، طراح دکور: لیبسا تامپسن
بهترین فیلم کوتاه انیمیشن: «داستان خرس»، گابریل اوزاریو
کارگردان و پانواسکارلاته تهیه‌کننده (بانکر رویات انیمیشن استودیو)
بهترین فیلم کوتاه زنده: «چارلکت زبان»، بنجامین کلیری کارگردان (برگالی فیلمز)
بهترین تدوین صدا: «بازگشته»، مارتین ارانداس و لان بندر
بهترین صداگذاری: «بازگشته»، کریس دوستر-دیک، فرانک ای. مونتانو، جان تیلور و رندی توم
بهترین جلوه‌های تصویری:
«بازگشته»، ریچ مکبراید، متیو شاموی، جیسن اسمیت و کامرون والدبائر



بنابر این شبکه‌های سراسری نمی‌توانند واقعا با شبکه‌های کابلی رقابت کنند؟

آن‌ها با مجموعه تلویزیونی Friday Night Lights محصول شبکه NBC در سال ۲۰۰۶ که مجموعه‌ای بلند پرواز و هوشمندانه بود، تلاش‌شان را کردند تا بسیاری از کارهایی که این شبکه‌های کابلی کرده بودند، انجام دهند ولی نتوانستند مخاطب کافی برای تماشایش به‌دست‌یابند چرا که از آمارشان به‌داشتن بیش‌ترین آمار بینندگان هم‌چنان به‌فوت خود باقی بود. در زمان عصر طلایی دوم، شبکه‌های سراسری بر این باور بودند که بخشی از رسالت‌شان این هم است که برای حفظ وجهه و شان شبکه‌شان کارهایی انجام دهند. مثلاً برای ساخت نمایش‌هایی جهت حضور در جوایز امی اما در این ارتباط قافیه را به شبکه کابلی واگذار کردند. با همه این احوال، طی آن دوره آن‌ها در به‌وجود آوردن و استمرار بخشیدن به کمدهی انقلابی خیلی بهتر ظاهر شدند.

چه‌گونه است که این سریال‌های تلویزیونی

پیش‌تر شبیه فیلم‌ها هستند تا سریال‌های اولیه؟

قبلاً گفتوگویی داشتید که پینگ‌بگی اجرا می‌شد، نمای یک‌نفره، نمای یک‌نفره، نمای دو نفره، نمای دو نفره. شکی نیست که نمایش‌های تلویزیونی در حال حاضر سینمایی به‌نظر می‌رسند و افرادی که متصدی آن‌ها هستند، اصراً دارند آن‌ها هم چون فیلم‌ها به‌نظر برسند. نماهای زیبا و طولانی گرفته‌ایم، نماهایی که به‌عوض صحبت کاراکترها، واکنش آن‌ها نیز در بر می‌گیرد. وقتی به کریکتینگ را تماشا می‌کنید، این طور به‌نظر می‌رسد که گویی بخشی از چیزهایی‌شان دل‌وستری‌از جان فورد بیرون آمده باشد. در عین حال، این تشخیص هم وجود دارد که این جایی است که کار خوب‌از آن بیرون می‌آید. افراد سینمایی را جمع می‌کنید. بازیگران، کارگردانان، فیلم‌برداران و تدوین‌گران - کسانی که پیش از این مجال بود داشته باشندشان. کارگزاران آن‌ها ممکن نبود که به‌شان اجازه دهند در تلویزیون حضور پیدا کنند. مشخصه که این باور در حال‌از بین رفته.

تجربه کار روی «مردان پخت» بدون این که اصلاً منتقد تلویزیون باشید، چه‌گونه بود؟

دوره‌هایی بود که وقتی داشتم روی کتاب کار می‌کردم، نیاز داشتم که صدای همه منتقدان تلویزیون را ایندم چون که بیش از حد بود. این رودخانه‌ای دائم در جریان است و فشار برای تماشای همه چیز، کار را دشوار کرده بود. درای کلماتی که هر دوشنبه صبح در این شواهی تلویزیونی وجود دارد، خیره‌کننده و هراسناک است. من شخصاً بال‌اندکی فاصله، کار را بهتر انجام می‌دهم. باید به نقطه‌ای می‌رسیدم که فکر کنم این کار یک امتیاز است تا یک جور ضعف.

نظر تان درباره وضعیت امروز نقد تلویزیون چیست؟

جای هیچ شکی نیست که در این نقطه به‌رغم پیش‌دوری‌های کهنه‌نیا، هیچ تفاوتی در میزان اهمیت بین نویسنده تلویزیون بودن و نویسنده سینمایی بودن باشد. موضوعات جالب توجهی وجود دارد، بیش‌تر از هر چیزی که تا به‌الآن بوده.

آلن بال، خالق سریال «شش فوت زیر زمین» گفتند: «قهرمانان، خیلی پیش‌تر مناسب فیلم‌ها هستند. من علاقه‌مند به آدم‌های واقعی هستم و آدم‌های واقعی هم در بوداغون هستند». آیا تلویزیون محل مناسبی برای کاراکترهای پیچیده است؟

وقتی شما زمان برای تعریف داستانی ۱۳ ساعت، ۲۶ ساعت و ۳۹ ساعت دارید، مجبور نیستید که به شکلی مصنوعی کارتان را به پایان برسانید، چیزی که لازم می‌کند کار جدی است. سینما طی این ۱۰۰ سال اخیر، بیش‌تر قابل‌قیاس با شبکه‌های سراسری شده است، آن‌ها هم‌چنان نیازمند مخاطب برشمار هستند. به‌نظر من چیزی

عکس روز



زوئوپیا (Zootopia): تازه‌ترین انیمیشن شرکت دیزنی به‌زودی به سینماها می‌آید.

«زوئوپیا» شهر حیوانات انسان‌نماست که در آن یک روباه مکار و یک خرگوش پلیس برای کشف توپنه دشمن ویرملاگردن آن مجبور به همکاری می‌شوند اما آن‌ها ضمن کار، می‌فهمند که دو دشمن طبیعی می‌توانند بهترین دوستان هم باشند. زوئوپیا شهری است که ساکنان آن را حیوانات تشکیل می‌دهند. در این شهر انیمیشنی، حیوانات گوناگونی چون پرندگان، ماهی‌ها، خارتان و دیگر موجودات زندگی می‌کنند. گازل، لایگی از شخصیت‌های انیمیشن و ستاره پاپ داستان است. این انیمیشن ۱۰۸ دقیقه‌ای با استقبال خوب منتقدان سینمایی مواجه شده و امتیاز ۸.۲ را در آی‌ام‌دی‌بی (IMDB) کسب کرده است.

فی و امی بوهلر نمی‌توانند روی پرده بزرگ آن‌طور که باید و نشاید ظاهر شوند، چاره دیگری نیست. رز یابرن سلاح کمیک پنهان بسیاری از فیلم‌هایی است که در آن‌ها بازی کرده اما صرف‌نظر از «همسایه‌ها»، هنوز نقش اول مستقل در کارنامه ندارد. کوئین لاتیفیا حضور شگفت‌انگیزی در بسیاری از فیلم‌های «زیر استاندارد» (substandard films) دارد. به‌باربارا استر بیسنست برای «چه خبر رفیق؟» هم نمره قبولی می‌دهیم و در نهایت چرا باوجود فاز ضد کمدی رومانسیک‌مان، به‌خاطر بازی‌اش در «ماه‌زده» او را به فهرست راه می‌دهیم. این را هم اضافه کنیم که مرلین مونرو و در «بعضیا داششو دوس دارن!»، جیانسی برلیسن در «پسر دل‌شکسته»، ژان هگن در «آواز در باران»، جتیفر تیلی و دایان ویست در «گل‌وله‌ها بر فراز برادروی» نقش‌هایی بودند که هر چند خیلی دوست‌شان داریم اما چندان نقش «اول» نیستند تا در این فهرست قرار بگیرند.



شناسنامه

Crimson Peak (۲۰۱۵)

کارگردان: گیلمو دل تورو

فیلمنامه‌نویسان: متیو راینز، گیلمو

دل تورو

بازیگران: میا واسیکووسکا، تام هیدلستون،

جسیکا چستین، چارلی هونام، جیم بیور

ژانر: درام، فانتزی، ترسناک

مدت زمان: ۱۱۹ دقیقه



درون گرایانه و زیر پوستی

دوش می کشد، به جرئت می توان گفت عمارت آردیل حال یکی از بهترین نمونه‌های خانه‌های جن زده در قرن اخیر است، تجسم‌بخشی با ظرافت و دقیق از هر آن چه ما در داستان‌های خواهران برنونه، مری شلی، آگاز آلن پو و البته ادیث وار تون خوانده‌ایم، شایان ذکر است نقش وار تون به اندازه‌ی پرنگ بوده که شخصیت اصلی نیز به خاطر او ادیث نام‌گذاری شده است. فیلم با پیش کشیدن روح مادر ادیث در کودکی که او را از رفتن به منطقه‌ای که «قله سرخ» در آن رخ می دهد منع می کند، شروع شده و با همراهی ارواح گرفتار در عمارت مذکور با ادیث مسیرش را به اتمام می رساند. در حقیقت ایده اولیه دل تورو و همکار فیلم‌نامه‌نویس اش متیو راینز مبنی بر قلمبندی قرار ندادن ارواح جزو نکات کلیدی فیلم محسوب می شود زیرا از اصلی ترسناک نبودن حضور ارواح و شیوه تجسم‌بخشی آن‌ها که گاهی بسیار مبتدیانانه نظر می رسد در همین عنصر نهفته است که از ابتدا قرار نیست ترسناک باشند و شخصیت‌های شریر انسانی مانند دنیای واقعی حتی از

قصه فیلم
طبق قواعد آثار
این چینی
ساده و قابل
گمانه زنی است
و حتی می توان
پیش‌های
احتمالی آن
را در تیزر
تبلیغاتی فیلم
حس زد

عناصر ماوراءالطبیعی مخوف‌تر و وحشت‌آور تر هستند. «قله سرخ» از حیث بازی، واجداستندار بسیار بالایی است، میا واسیکووسکا طبق معمول بازی درون گرایانه و به اصطلاح زیر پوستی را از خود به نمایش گذاشته و با فضای حضور در داستان‌های گوتیک و رمانتیک نیز بیگانه نیست، تام هیدلستون و جسیکا چستین نیز با وجود کادربندی شدن نقش‌های شان از کوچک‌ترین فرصت‌ها استفاده کرده و توانایی‌های خود را بروز می دهند و چارلی هونام در نقش خواستگار پیکیر ادیث، اجزایی باور پذیر دارد. شاید نکته منفی‌ای که می توان در این باب به آن اشاره کرد، کار بازیگر بودن تمام گروه بازیگری فیلم است که نسبت به ماجرای داستان می توان آن را توجیه کرد. در نهایت می توان گفت دل تورو با دیگر در «قله سرخ» نشان می دهد یکی از عاشقان سینه‌چاک سینمای کلاسیک است و ادای احترام وی به آثاری چون «پکا» و «ی‌ی گناهان» در نماهی خاطر انگیزی که تجسم‌بخشیده است، ستودنی و قابل تأمل است.

فیلم «قله سرخ»

آرش واحدی
منتقدفیلم

کم تر نمونه‌اش را به خاطر دارند. قصه فیلم طبق قواعد آثار این چینی ساده و قابل گمانه‌زنی است و حتی می توان پیش‌های احتمالی آن را در تیزر تبلیغاتی فیلم حس زد. ادیث کوشینگ (واسیکووسکا) تک فرزند یکی از سرمایه‌داران آمریکایی است که پس از مرگ مشکوک پدرش کار تر کوشینگ (بیور) تصمیم می گیرد خود را در عشق خواستگار انگلیسی جدیدش، توماس شارب (هیدلستون) غرق کرده و پس از ازدواج با او راهی عمارت خانوادگی فرسوده‌ای با نام آردیل حال در انگلستان می شود. در این امارت مخوف لوسیل (چستین) همه کاره است و با رفتار مشکوکش ادیث را به صرافت سرسرد آوردن از راه‌های سر به مهر خانه می اندازد که ناگفته پیداست عاقبت خوشی هم ندارد. در حقیقت این جنبه تصویرسازی دقیق و وفادارانه دل تورو است که بخش اعظم جذابیت‌های اثر را به

راهنمای آکران

کوجی بی نام (۱۳۹۳)



نویسنده و کارگردان: هانف علیمردانی

تهیه کننده: منصور لشگری قوجانی
بازیگران: فرهاد اصلانی، فرشته صدر عرفایی، امیر آقایی، باران کورتی، یانته آپهرام
خلاصه داستان: داستان دو خانواده است که در یکی از محله‌های جنوب شهر تهران زندگی می کنند و در گیر اتفاقاتی می شوند.
مدت زمان: ۸۳ دقیقه

آکران: پردیس‌ها، مملت، کوروش، زندگی، چارسو، آزادی و کیان

سینماها (موزه سینما، تیرازه، سروش)

آزادی مشروط (۱۳۹۳)



نویسنده و کارگردان: حسین مهکام

تهیه کننده: مقصد جباری

بازیگران: هنگامه قاضیانی، رامبد جوان، شاهرخ فروتنیان، حسین پاکدل، علیرضا آقاخان
خلاصه داستان: داستان فیلم «آزادی مشروط» با مضمون اجتماعی روز و با محوریت توجه به زیرساخت‌های اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی در جامعه است.
مدت زمان: ۹۱ دقیقه

آکران: پردیس‌ها (کوروش، چارسو، آزادی، مملت، زندگی)

سینماها (جوان، سپیده، ماندانا)

پایان خدمت (۱۳۹۲)



کارگردان: حمید زرگر نژاد

تهیه کننده: علیرضا جالی و حمید آخوندی
نویسنده: بهروز افخمی
بازیگران: سعید راد، امیر جدیدی، هدی زین العابدینی، حسین سلیمانی، پیام احمدی‌نیا، رامین راستاد

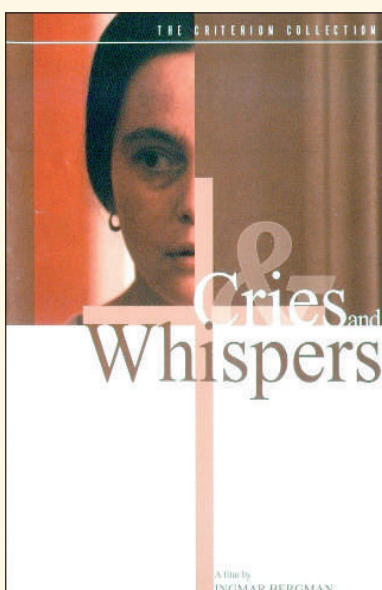
خلاصه داستان: داستان فیلم درباره یک سرباز است که مأموریتی به او داده می شود و برخلاف دستور مافوق خود عمل می کند و ایس امر باعث حوادث بعدی این فیلم خواهد شد.

مدت زمان: ۹۰ دقیقه

آکران: پردیس‌ها (کوروش، آزادی، چارسو، زندگی، مملت)

سینماها (سمرقند، سروش، شاهد)

المانس‌ها ابدی‌اند



استادی به این بزرگی و ایده‌های این چینی، و سواسی هم باشد و پدر صاحب تدوین گرش را در بیاورد که چرا قرمز از آن چه ایشان خواسته‌اند، قرمز تر شده یا کم، رق در آمده و چیزهایی از این دست و باز اگر می خواهید این فیلم را ببینید، برای تان بگویم که... وقتی برگمان این فیلم را می ساخت، دیگر ابتدا آدم ناشناسی نبود و شماری از شاهکارهایش را مثل «مهر هفتم» پیش تر ساخته و به یک اعتبار، مهم ترین چهره هنری آن زمانه سوئد بود، اما چه بگویم که فیلمش فروش نمی رفت که نمی رفت! از سال‌ها پیش تر از آن، گامبه‌گاه تهیه کننده گانی پیدا می شدند که اغلب از کشورهای دیگر می آمدند و حاضر بودند دار و ندارشان را روی اشاعه فرهنگ و تولید هنر بگذارند و اگر شده گامی در این جبهه خطیر بردارند، اما وقتی این فیلم برای تولید آماده می شد، دیگر مدت‌ها بود این آدم‌ها به چاک جاده زده و استاد را با آرمان‌ها و حوضش تنها گذاشته بودند.

این بود که وقتی برگمان دید پولی در کار نیست و تهیه کننده انگلیسی هم پشتش را به سوئد کرده،

۲۵۰ فیلم تاریخ سینما به انتخاب
سایت آند ساوند»

خواب‌زنگین کمان آشفته

شماره ۱۷۰: «فریادها و نجواها» (۱۹۳۳)
کارگردان: اینگمار برگمان

علی مجتهدزاده
مترجم

اینگمار برگمان درباره کارکرد رنگ قرمز در این فیلمش گفته: «فیلم من یک مکاشفه درونی در روح و جان بشر است. من از همان کودکی هم وقتی به روح فکر می کردم، بر پهبیسی از یک آدم‌ها در سایه‌های سرخگون می دیدم و به همین خاطر این فیلم را به این رنگ خواستم» و بعدها در گفت‌وگویی مدعی شد که وقتی به فیلم‌هایش فکر می کند همه آن‌ها را سیاه و سفید به خاطر می آورد، جز همین یکی و تازه فکر کنید چنین

خارج از محدوده

در کارگردانی هم هنر بایک خرم‌دین، تنها به گرفتن چند راش تصویری و راف کات اولیه در نیوکاسل ختم می شود و ارتباط نیم‌بند برخی از مخاطبان با فیلم تنها به تدوین توکلی و قهاری برمی گردد. از کاکتوس تنهای روی یخچال و زلز زدن یاشار به آن تا خانه سلخته، هیچ کدام کمکی در پیش بردن درام فیلم برای ایجاد حس تنهایی و زندگی به هم ریخته شخصیتش نمی کند. تردد مکرر و بی دلیل به مغازه خرت‌وپرت فروشی با نگاه دوربینی تعقیبی، پرسه‌های بی‌مسورد در خیابان‌های شهر با نمای‌های دوربین روی دست که به هیچ وجه نه باریتم درام و فیلم‌سازگاری دارد و نه با فضای سرد و بی‌روح اثر در خلق فضایی رئال، ساده‌نمایی پلان‌ها با دکوپاژ و میزانیسی غیر حرفه‌ای در کنار تصویربرداری با قاب‌های اکثر باسته و مبدوم (حتی در پوستر فیلم) که تلاشی است نافرجام در نزدیک کردن شخصیت فیلم به مخاطب، نورپردازی غیرمتناسب با محیط فیلم و... همه و همه از مواردی هستند که ما را با فیلمی پر از اشکال روبه‌رو می کند، اشکالاتی که اثر را به شدت مغشوش کرده و ما را از دیدن فیلم خوبی هم محروم می کند. فیلم

درگیری پیش می رود که نویسنده نمی تواند مرز میان این دو را از هم تفکیک کند و این عدم تفکیک تلاش‌های او را در خلق درامی درست با شخصیت‌پردازی قابل قبول و خط سیر داستانی اصولی ناکام می گذارد. در نگاهی کلی پرنگ‌ترین ضعف فیلم‌نامه به عدم پرداختی عمیق در قبال تضادهای گنگ یاشار چه یابود، چه با دیگران و چه با محیط شهر (لندن) برمی گردد و این که چرا چیزی وجود ندارد که او (یاشار) به سمتش جذب شود و حوصلش بگردد و برایش آرزوی وصلی داشته باشد و علت واقعی این همه سردی و بی‌روچی که از آغاز تا پایان فیلم همراه مخاطب است، چیست؟ تردید مخاطب در منشا و دلیل کرخی یاشار و این که آیا این کرخی به بی‌پولی و نیاقتن کار مربوط می شود یا به احساس غربت و دلنگنی‌هایش یا این که تلاش کارگردان صرفاً دنبال ایجاد فضای توخالی است؟ عدم پرداخت به این چراها سبب شده در کل تمام آن انزوای و تک‌افتادگی‌ها، بی‌انصالی به دنیای پیرامون، ترس‌ها، اعتراضات درونی و دلنگنی‌های شخصیت فیلم با تمی روان‌شناسانه، رنگ و دیدی سطحی به خود گرفته که هیچ طرفی را نه به فیلم‌نامه می بندد و نه به فیلم.

درباره فیلم «سوگ‌نامه‌ای برای یاشار»
سوگ‌نامه‌ای برای یک فیلم

عبدالرحمن فتح‌اللهی
سینما

مرددیین ماندن و رفتن، سرگردان به دنبال کاری که پیدا نمی شود، ناتوان از زندگی در لندن، دلنگنی‌های گاه و بی‌گاه خانواده و وطن، سرخورده از احساس غربت، کنکاش سؤال گهگاه ذهنش که اصلا برای چه به این جا آمده با این که دوره زبانش تمام شده، لنگی و گنگی کلامش پیداست و پولی که در حال ته کشیدن است، همه این‌ها نشانه‌هایی است که ما را به بایک خرم‌دین و شخصیت فیلمش رهنمون می کند. اثری، الکن و سردرگم که بیش تر رنگ‌وبوی خاطرات شخصی کارگردان را می دهد تا سینمایی پویا و حتی شاید قابل دید.

چیزی که در نگاه اول اثر را ضعیف و مغشوش جلوه می دهد، فیلم‌نامه بایک خرم‌دین و یلدا سرحدی است که میان تجربیات زندگی واقعی کارگردان اثر و سینمایی شدن آن تجربیات در گیر است و تا حدی این

«سوگنامه‌ای برای یاشار» با این که یک فیلم بلند است، نسبت به فیلم‌های کوتاه فیلم‌سازش فضای مینیمالی تری دارد اما برای اثر، جز کم‌خرجی‌اش و آکران آن در گروه هنر و تجربه (به همین دلیل) هیچ سود دیگری ندارد. در فیلم‌های کوتاهش با آن که نوید فیلم‌ساز خوبی را می دهد اما آن حرفه‌ای‌گری را در مقام کارگردان و نویسنده اثر سینمایی‌اش ندارد و در نهایت تلاشی است برای گفتن حرفی که چندان هم تازه نیست و پارامترهایش حتی با سینمای مستقل هنر و تجربه نیز هم خوانی ندارد و فیلم بیش تر به سوگنامه‌ای برای خود بدل می شود، سوگنامه‌ای برای فیلم.

شناسنامه

سوگ‌نامه‌ای برای یاشار (۱۳۹۲)

تهیه کننده و کارگردان: بایک خرم‌دین

نویسندگان فیلم‌نامه: بایک خرم‌دین، یلدا سرحدی

بازیگران: یاشار علی شناس، سولومون

مینیاسیان، فریده راجمندی، شیوا فرهنگیان، ترنج کشانی

مدت زمان: ۸۲ دقیقه

www.cinemane newspaper.ir

سینما را در فضای مجازی
از دست ندهید

با عضویت در کانال رسمی روزنامه سینما در تلگرام

سینما

هر لحظه در دست شما

cinemanewspaper.ir



سینما را با سینما ورق بزنید



به یاد...

تاریخ‌نگار

آن تصادف تلخ هفتم اسفندماه عباس امیری، بازیگر اهل رشت از دنیا رفت



اسفندماه سال ۱۳۸۹ بازیگر سینما و تلویزیون ایران به دلیل تصادف وسکته قلبی از دنیا رفت. عباس امیری را با نام شناسنامه‌ای عباس امیری مقدم می‌شناختند. در سال ۱۳۲۹ در امل به دنیا آمد و در رشت زندگی می‌کرد، دلیل این تغییر شهر را هم به خاطر شرایط کاری پدرش گفته بود. بازیگری را نیز از سال ۶۴ و با حضور در فیلم «آتش در زمستان» به کارگردانی حسن هدایت آغاز کرد. او که در مجموعه‌های تاریخی حضور پررنگی داشت، در مجموعه تلویزیونی یوسف پیامبر نقش

کاهن اعظم معبد آمسون را بازی می‌کرد و در مجموعه تلویزیونی «امام علی» نیز نقش ابوموسی اشعری را بر عهده داشت. در کارنامه کاری اش، نقش آفرینی در پنج مجموعه تلویزیونی را ثبت کرده بود و در ۴۰ فیلم سینمایی نیز بازی کرد. در کارنامه کاری اش همکاری با محمدعلی سجادی، بهروز افخمی، سپروس مقدم و دیگران دیده می‌شود. با این وجود، صبح هفتمین روز از اسفندماه سال ۸۹، داستان دیگری رقم خورد. تهیه‌کننده «صبح بخیر سرکار» فیلمی که آن روزها امیری در حال بازی در آن بود، به خبر گزاری‌ها توضیحات بیش تری ارائه داد. در آن روزها او هر روز از رشت به فومن می‌رفت و در فیلم‌برداری حضور داشت و پس از اتمام کار دوباره به محل زندگی اش بازمی‌گشت. تا آن که در ساعت ۸:۳۰ دقیقه صبح در جاده رشت - فومن به دلیل لغزش جاده بر اثر بارندگی، ماشینی حامل او تصادف کرد و هر چند تصادف شدیدی نبود و اورژانس بلافاصله او را به بیمارستان منتقل کرد، اما عباس امیری به دلیل عارضه قلبی در بیمارستان از دنیا رفت.

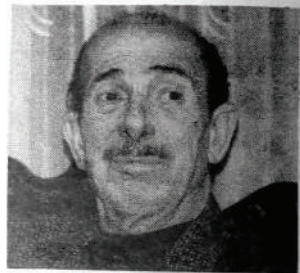
مواجه شد و در محافل سینمایی مورد ارزیابی مثبت قرار گرفت. در این فیلم برای نخستین مرتبه در سینمای ایران به شکل جدی از تروکاژ استفاده شد و مرحوم بدیع که از نظر فنی و تکنیکی، بسیار کارآمد و مطلع بود و این تروکاژها را در فیلم «ولگرد» انجام می‌داد و من به‌عنوان مجری طرح‌ها با او در انجام تروکاژها همکاری می‌کردم. اکثر صحنه‌های این فیلم در فضای باز فیلم‌برداری شد و نماهای داخلی آن در چند دکور که در زیرزمین استودیو «ایران فیلم» ساخته شده بود، فیلم‌برداری می‌شد. تروکاژهای فیلم نیز در همین دکورها انجام می‌شد.

مهدی رئیس فیروز کارگردان فیلم «ولگرد» جوان علاقه‌مندی بود و سعی می‌کرد که در تمام طول فیلم‌برداری با دقت و وسواس کار کند و بدون تحقیق و مطالعه هیچ کاری را انجام نمی‌داد. «ولگرد» اولین فیلم ناصر ملک‌مطیعی بود و خواجه‌نوری، امیر والی، ملوک حسینی، بهمنیار و... از دیگر بازیگران این فیلم بودند. فیلم‌برداری «ولگرد» نیز بر عهده مرحوم بدیع بود.

ایجاد یک فضای تکنیکی

ایران (۱۶)

ساختن فیلم «ولگرد» در استودیو ایران فیلم



دشمنان و بدخواهان آنان، ناصر را به دام انحراف و انحطاط می‌کشند و او را از کانون خانواده دور می‌کنند. ناصر که سالها از خانه‌هاش دور بوده، بعد از هفده سال با چهره‌های دیگرگون شده و تغییر یافته به طور تصادفی با همسرش روبه‌رو می‌شود. پروین او را می‌شناسد و ناصر او را می‌خواهد که خوشبختی گذشته را دوباره از سر بگیرد و به این ترتیب آنها یک بار دیگر زندگی تازه‌ای را آغاز می‌کنند. این فیلم در آن سالها هنگام نمایش با استقبال زیادی مواجه شد و در محافل سینمایی مورد ارزیابی مثبت قرار گرفت. در این فیلم، برای نخستین مرتبه در سینمای ایران به شکل جدی از تروکاژ استفاده شد و مرحوم بدیع که از نظر فنی و تکنیکی، بسیار کارآمد و مطلع بود، این تروکاژها را در فیلم «ولگرد» انجام می‌داد و من به‌عنوان مجری طرح‌ها، با وی در انجام این تروکاژها، همکاری می‌کردم. اکثر صحنه‌های فیلم‌برداری در فضای باز فیلم‌برداری شد و نماهای داخلی

هم طول کشید، مربوط به خاطرات ولی‌الله خاگردان می‌شود. اولین دکوراتور تئاتر و سینما در ایران که طراحی صحنه برای فیلم‌های زیادی را بر عهده گرفته بود. در یکی از همین شماره‌ها از فیلم «ولگرد» تعریف می‌کند و از چگونگی ساختن فیلم توسط مهدی رئیس فیروز یاد می‌کند.

همان اوایل دهه ۷۰ که هفت‌نامه سینما راه افتاد، یکی از صفحات هفت‌نامه به‌طور معمول اختصاص داشت به خاطر نگاری. خاطرهای سال‌های دور سینمای ایران از زبان اهالی فن بازگو شده بود و در قالب خاطره‌نامه منتشر می‌شد. یکی از این خاطره‌نامه‌ها که چند شماره‌ای

عصر قهرمان‌های مصرفی

در کارگاه انتقال تجربه با خسرو سینایی

امیراحسارکی
سینا

برای رسیدن به یک هدف دو راه دارد: راه اول این است که تمام راه را از ابتدا خودتان بروید. راه آزمون و خطا را پیش بگیرد و با توجه به تجربه‌های خودتان، برای رسیدن به هدف تلاش کنید. راه دیگر اما راه ساده‌تری است. با اتکا به تجربه‌های دیگران، برای رسیدن به هدف تلاش کنید. به احتمال خیلی زیاد زودتر به نتیجه می‌رسید. مدتی است که دانشگاه تهران متولی برگزاری نشست‌های تخصصی کارگردانی است. نشست‌های «انتقال تجربه» است و میزبان این نشست‌ها خسرو سینایی از کارگردان‌های به‌نام سینمای ایران دعوت می‌کند تا از تجربیات‌شان سخن بگویند. یکی از ساخته‌های کم‌تر دیده‌شده این کارگردان‌ها به نمایش گذاشته می‌شود و بعد از آن دانشجویان و علاقه‌مندان به عرصه فیلم‌سازی به پرسش و پاسخ می‌نشینند. راهی ساده برای استفاده از تجربیات کارگردانان به‌نام. اولین هفته از این دوره نشست‌ها با حضور شهرام مکرری همراه بود و هفته دوم، خسرو سینایی. در نشست هفته دوم، دو فیلم مستند «شرح حال» و «گیزلا» به نمایش درآمد و بعد از آن بخش زیادی از تجربه‌ها و خاطرات کارگردانان دانشجویان در میان گذاشته شد. خاطراتی که هر کدام نکته‌ای در آن پنهان بود، تجربه‌ای که می‌تواند در راه سخت فیلم‌سازی کمک‌حال باشد.

جلسه با نمایش فیلم «شرح حال» شروع می‌شود؛ یک فیلم پیرامون یک کیبوتر سفید. نمونه عجیبی که راهنمای خوبی برای کسانی است که قصد دارند پا در راه مستندسازی و سینما بگذارند. خسرو سینایی بعد از نمایش فیلم اول می‌گوید: «این فیلم یک مستند نبود. فیلم‌های مستند هر کدام ویژگی‌های تعریف‌شده‌ای دارند. برای آنکه تصمیم به ساخت یک فیلم مستند می‌گیریم، قصد ثبت کردن یک اتفاق واقعی را داریم. مستندسازان زیادی برای تولید آثار مستند دست به هنر‌نمایی زدند. کسانی مانند بابل رایث و هری وات، نسل جدیدی از مستندسازان را تربیت کردند. آن‌ها مستندی با عنوان «بست شبانه» ساختند که هنر سینما در آن نمایان است. ریتم مونتاژ و شعر در فیلم جریان دارد و تنها تصویر نیست. پیش از آن‌ها عده‌ای عقیده داشتند هر فیلمی که قصه و ستاره نداشته باشد، یک مستند است. تعریفی که از بنیاد اشتباه است.»

خسرو سینایی بیش از ۱۰۰ فیلم در طول این سال‌ها ساخته است. فیلم‌هایی که از آن‌ها به‌عنوان مستندهای خسرو سینایی یاد می‌شود. اتفاقی که خودش از آن کاملاً ناآزادی است. «بارها» و بارها شنیده‌ام که می‌گویند فلان مستند من را دوست دارند. در صورتی که آن فیلم اصلاً مستند نیست. در واقع بخش زیادی از فیلم‌های من مستند نیست، اما به این نام خوانده می‌شود. مستندساختن نیاز به تخصص و زاویه نگاه ویژه‌ای دارد.»

خسرو سینایی به‌دفعات رجوع می‌کند به نام سری نشست‌های تخصصی: از «انتقال تجربه» حرف می‌زند و عقیده دارد که با گفتن خاطره‌های فیلم‌سازی‌اش می‌تواند تجربه‌های فیلم‌سازی را که در این سال‌ها به دست آورده است به علاقه‌مندان منتقل کند. در بین حرف‌هایش، از وسواس بالایش صحبت می‌کند. وسواسی که به عقیده‌اش برای ساخت یک فیلم امری لازم است: «یادم می‌آید که قرار شد فیلمی در مورد مدرسه ناشنوايان باعجب‌نام بسازم. آن زمان فیلم‌ها را دوبله می‌کردند و همان‌طور که می‌دانید ناشنوايان در لب‌خوانی کردن فیلم‌ها مهارت بالایی دارند؛ اما آوایی که در دوبله به گوش آن‌ها می‌رسید صدای آشنایی نبود و به همین دلیل باید کاری می‌کردیم تا صدای فیلم برای آن‌ها هم آشنا باشد و تصمیم گرفتیم تا از صدای صحنه استفاده کنیم. کار ساده‌ای نبود. باید دستگاهی را تهیه می‌کردیم تا صدای دوربین را بگیرد. من به‌عنوان کارگردان مجبور بودم از ابتدا بدانم که ماجرا از چه قرار است و پلان‌ها همه مشخص باشند. ناچار بودم فیلم را در ذهن تصویرسازی کنم و تصمیم به فیلم‌برداری صرف نگیرم و بعد از آن ببینم ماجرا چه می‌شود و در مونتاژ، فیلم را نجات دهم. اتفاقی که امروز در عرصه فیلم‌سازی به‌وفور می‌افتد. فیلم با دوربین‌های دیجیتال ارزان است و خیلی از علاقه‌مندان تصمیم می‌گیرند همین‌طور فیلم بسازند.»

خسرو سینایی به‌دفعات رجوع می‌کند به نام سری نشست‌های تخصصی: از «انتقال تجربه» حرف می‌زند و عقیده دارد که با گفتن خاطره‌های فیلم‌سازی‌اش می‌تواند تجربه‌های فیلم‌سازی را که در این سال‌ها به دست آورده است به علاقه‌مندان منتقل کند. در بین حرف‌هایش، از وسواس بالایش صحبت می‌کند. وسواسی که به عقیده‌اش برای ساخت یک فیلم امری لازم است: «یادم می‌آید که قرار شد فیلمی در مورد مدرسه ناشنوايان باعجب‌نام بسازم. آن زمان فیلم‌ها را دوبله می‌کردند و همان‌طور که می‌دانید ناشنوايان در لب‌خوانی کردن فیلم‌ها مهارت بالایی دارند؛ اما آوایی که در دوبله به گوش آن‌ها می‌رسید صدای آشنایی نبود و به همین دلیل باید کاری می‌کردیم تا صدای فیلم برای آن‌ها هم آشنا باشد و تصمیم گرفتیم تا از صدای صحنه استفاده کنیم. کار ساده‌ای نبود. باید دستگاهی را تهیه می‌کردیم تا صدای دوربین را بگیرد. من به‌عنوان کارگردان مجبور بودم از ابتدا بدانم که ماجرا از چه قرار است و پلان‌ها همه مشخص باشند. ناچار بودم فیلم را در ذهن تصویرسازی کنم و تصمیم به فیلم‌برداری صرف نگیرم و بعد از آن ببینم ماجرا چه می‌شود و در مونتاژ، فیلم را نجات دهم. اتفاقی که امروز در عرصه فیلم‌سازی به‌وفور می‌افتد. فیلم با دوربین‌های دیجیتال ارزان است و خیلی از علاقه‌مندان تصمیم می‌گیرند همین‌طور فیلم بسازند.»

خسرو سینایی به‌دفعات رجوع می‌کند به نام سری نشست‌های تخصصی: از «انتقال تجربه» حرف می‌زند و عقیده دارد که با گفتن خاطره‌های فیلم‌سازی‌اش می‌تواند تجربه‌های فیلم‌سازی را که در این سال‌ها به دست آورده است به علاقه‌مندان منتقل کند. در بین حرف‌هایش، از وسواس بالایش صحبت می‌کند. وسواسی که به عقیده‌اش برای ساخت یک فیلم امری لازم است: «یادم می‌آید که قرار شد فیلمی در مورد مدرسه ناشنوايان باعجب‌نام بسازم. آن زمان فیلم‌ها را دوبله می‌کردند و همان‌طور که می‌دانید ناشنوايان در لب‌خوانی کردن فیلم‌ها مهارت بالایی دارند؛ اما آوایی که در دوبله به گوش آن‌ها می‌رسید صدای آشنایی نبود و به همین دلیل باید کاری می‌کردیم تا صدای فیلم برای آن‌ها هم آشنا باشد و تصمیم گرفتیم تا از صدای صحنه استفاده کنیم. کار ساده‌ای نبود. باید دستگاهی را تهیه می‌کردیم تا صدای دوربین را بگیرد. من به‌عنوان کارگردان مجبور بودم از ابتدا بدانم که ماجرا از چه قرار است و پلان‌ها همه مشخص باشند. ناچار بودم فیلم را در ذهن تصویرسازی کنم و تصمیم به فیلم‌برداری صرف نگیرم و بعد از آن ببینم ماجرا چه می‌شود و در مونتاژ، فیلم را نجات دهم. اتفاقی که امروز در عرصه فیلم‌سازی به‌وفور می‌افتد. فیلم با دوربین‌های دیجیتال ارزان است و خیلی از علاقه‌مندان تصمیم می‌گیرند همین‌طور فیلم بسازند.»

خسرو سینایی به‌دفعات رجوع می‌کند به نام سری نشست‌های تخصصی: از «انتقال تجربه» حرف می‌زند و عقیده دارد که با گفتن خاطره‌های فیلم‌سازی‌اش می‌تواند تجربه‌های فیلم‌سازی را که در این سال‌ها به دست آورده است به علاقه‌مندان منتقل کند. در بین حرف‌هایش، از وسواس بالایش صحبت می‌کند. وسواسی که به عقیده‌اش برای ساخت یک فیلم امری لازم است: «یادم می‌آید که قرار شد فیلمی در مورد مدرسه ناشنوايان باعجب‌نام بسازم. آن زمان فیلم‌ها را دوبله می‌کردند و همان‌طور که می‌دانید ناشنوايان در لب‌خوانی کردن فیلم‌ها مهارت بالایی دارند؛ اما آوایی که در دوبله به گوش آن‌ها می‌رسید صدای آشنایی نبود و به همین دلیل باید کاری می‌کردیم تا صدای فیلم برای آن‌ها هم آشنا باشد و تصمیم گرفتیم تا از صدای صحنه استفاده کنیم. کار ساده‌ای نبود. باید دستگاهی را تهیه می‌کردیم تا صدای دوربین را بگیرد. من به‌عنوان کارگردان مجبور بودم از ابتدا بدانم که ماجرا از چه قرار است و پلان‌ها همه مشخص باشند. ناچار بودم فیلم را در ذهن تصویرسازی کنم و تصمیم به فیلم‌برداری صرف نگیرم و بعد از آن ببینم ماجرا چه می‌شود و در مونتاژ، فیلم را نجات دهم. اتفاقی که امروز در عرصه فیلم‌سازی به‌وفور می‌افتد. فیلم با دوربین‌های دیجیتال ارزان است و خیلی از علاقه‌مندان تصمیم می‌گیرند همین‌طور فیلم بسازند.»

خسرو سینایی به‌دفعات رجوع می‌کند به نام سری نشست‌های تخصصی: از «انتقال تجربه» حرف می‌زند و عقیده دارد که با گفتن خاطره‌های فیلم‌سازی‌اش می‌تواند تجربه‌های فیلم‌سازی را که در این سال‌ها به دست آورده است به علاقه‌مندان منتقل کند. در بین حرف‌هایش، از وسواس بالایش صحبت می‌کند. وسواسی که به عقیده‌اش برای ساخت یک فیلم امری لازم است: «یادم می‌آید که قرار شد فیلمی در مورد مدرسه ناشنوايان باعجب‌نام بسازم. آن زمان فیلم‌ها را دوبله می‌کردند و همان‌طور که می‌دانید ناشنوايان در لب‌خوانی کردن فیلم‌ها مهارت بالایی دارند؛ اما آوایی که در دوبله به گوش آن‌ها می‌رسید صدای آشنایی نبود و به همین دلیل باید کاری می‌کردیم تا صدای فیلم برای آن‌ها هم آشنا باشد و تصمیم گرفتیم تا از صدای صحنه استفاده کنیم. کار ساده‌ای نبود. باید دستگاهی را تهیه می‌کردیم تا صدای دوربین را بگیرد. من به‌عنوان کارگردان مجبور بودم از ابتدا بدانم که ماجرا از چه قرار است و پلان‌ها همه مشخص باشند. ناچار بودم فیلم را در ذهن تصویرسازی کنم و تصمیم به فیلم‌برداری صرف نگیرم و بعد از آن ببینم ماجرا چه می‌شود و در مونتاژ، فیلم را نجات دهم. اتفاقی که امروز در عرصه فیلم‌سازی به‌وفور می‌افتد. فیلم با دوربین‌های دیجیتال ارزان است و خیلی از علاقه‌مندان تصمیم می‌گیرند همین‌طور فیلم بسازند.»

خسرو سینایی به‌دفعات رجوع می‌کند به نام سری نشست‌های تخصصی: از «انتقال تجربه» حرف می‌زند و عقیده دارد که با گفتن خاطره‌های فیلم‌سازی‌اش می‌تواند تجربه‌های فیلم‌سازی را که در این سال‌ها به دست آورده است به علاقه‌مندان منتقل کند. در بین حرف‌هایش، از وسواس بالایش صحبت می‌کند. وسواسی که به عقیده‌اش برای ساخت یک فیلم امری لازم است: «یادم می‌آید که قرار شد فیلمی در مورد مدرسه ناشنوايان باعجب‌نام بسازم. آن زمان فیلم‌ها را دوبله می‌کردند و همان‌طور که می‌دانید ناشنوايان در لب‌خوانی کردن فیلم‌ها مهارت بالایی دارند؛ اما آوایی که در دوبله به گوش آن‌ها می‌رسید صدای آشنایی نبود و به همین دلیل باید کاری می‌کردیم تا صدای فیلم برای آن‌ها هم آشنا باشد و تصمیم گرفتیم تا از صدای صحنه استفاده کنیم. کار ساده‌ای نبود. باید دستگاهی را تهیه می‌کردیم تا صدای دوربین را بگیرد. من به‌عنوان کارگردان مجبور بودم از ابتدا بدانم که ماجرا از چه قرار است و پلان‌ها همه مشخص باشند. ناچار بودم فیلم را در ذهن تصویرسازی کنم و تصمیم به فیلم‌برداری صرف نگیرم و بعد از آن ببینم ماجرا چه می‌شود و در مونتاژ، فیلم را نجات دهم. اتفاقی که امروز در عرصه فیلم‌سازی به‌وفور می‌افتد. فیلم با دوربین‌های دیجیتال ارزان است و خیلی از علاقه‌مندان تصمیم می‌گیرند همین‌طور فیلم بسازند.»



توصیه‌هی کنم که اگر به خاطر لذت بردن یک اثر را خلق می‌کنید، این کار را ادامه دهید. تهنادر این صورت است که موفقیت شما تضمین شده است، چون از لحظه لحظه کارتان لذت خواهید برد



نفر بهتر از شما وجود دارد. اگر برای شهرت تصمیم دارید سینماگر شوید، پیشنهاد می‌کنم همین امروز در تصمیم خودتان تجدیدنظر کنید. ممکن است امروز شما را دوست داشته باشند و شما قهرمان باشید، اما بعد از مدتی از تو خسته می‌شوند و سراغ دیگری می‌روند. این برای شما که عادت کرده‌اید همیشه در مرکز توجه باشید سخت

eshterak.ir

طرح اشتراک نیم بهاء

معاونت مطبوعاتی و اطلاع رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با همکاری شرکت پست و مجریان توزیع در بخش خصوصی با هدف گسترش فرهنگ مطالعه و حمایت از مطبوعات طرح تخفیف اشتراک تا سقف ۵۰ درصد را اجرا می‌کند.

- تسهیلات برای اشتراک روزنامه‌ها و مجلات به ترتیب تا سقف ۵۰۰ و ۲۵۰۰ تومان به ازای هر نسخه
- برای ثبت اشتراک کافی است به سایت eshterak.ir مراجعه نمایید.
- افزایش قیمت نشریه در طول دوره اشتراک مشمول مشترکان قبلی نمی‌شود.

هزینه ارسال عادی از مشترک دریافت نمی‌شود.

تاکون بالغ بر یکمصد و پنجاه نشریه به این طرح پیوسته‌اند.

(اشتراک نشریات در این مرحله صرفاً در تهران پذیرفته می‌شود)



ماجرای امروز، یاد خالق «یوسف(ع)»

بعد از مدت‌ها دست و پنجه نرم کردن با بیماری سرطان، فرج‌الله سلحشور بدرود حیات گفت. این فیلم‌ساز کم‌کار اما خیرساز که نزدیک سه دهه است حضوری مستمر در سینما و تلویزیون داشت، متولد ۱۳۳۱ در قزوین بود. در آستانه انقلاب همراه با طیفی از سینماگران که گرد هم آمده بودند تا دغدغه‌ها و آرمان‌های خود را با زبان سینما به تصویر در آورند به حوزه هنری پیوست. این همراهی دیری نپایید اما از آن جمع، سلحشور جزو کسانی بود که هم‌چنان تا پایان عمر بر سر آرمان‌هایش ماند.

یادداشت

درباره سبکی که سلحشور در کارگردانی پی گرفته بود

مبدع ژانر سینمای قرآنی



احسان نازم‌کنانی

فرج‌الله سلحشور درگذشت. این خبر، در اولین روز بعد از انتخابات مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان، خبری غیرسیاسی و هنری بود که از راه رسید. بیماری سخت و سرطان سنگین ریة، باعث شد تا این کارگردان که ۳۳سال پیش و ۱۲ آبان ۱۳۳۱ در شهر قزوین، چشم به جهان گشوده بود، در آخرین ماه سال ۱۳۹۴ چشم از جهان فرو بندد. سلحشور اگر چه نظرات تندی مانند وضعیت اخلاقی و فرهنگی پشت‌صحنه سینما داشت اما حضور و تأکید خاصش بر گونه خاصی از سینما و تلویزیون که تقریباً اختصاصی خودمان است، از او چهره‌ای تخصصی ساخته بود.

تخصص سلحشور در تصویری کردن وساخت قصه‌های قرآنی بود. در واقع سلحشور که از چهره‌های مؤثر حوزه هنری بود، در کنار افرادی مانند مجید مجیدی، محمد کاسبی و... تلاش کردند تا فضای سینمای ایران بعد از انقلاب را تغییر دهند. او سال ۱۳۶۱ به صورت جدی وارد سینما شد و با بازی در فیلم «توبه نصح» ساخته مخملاف، عملاً یکی از قصه‌های قرآنی را روی پرده بازی کرد. او نقش لطفعلی خان، کارمند طمع‌باغ را بازی می‌کرد که سکنه می‌کند و می‌میرد ولی در قبر زنده می‌شود و به دنبال خلافت گرفتن می‌رود. داستان «توبه نصح» اگر چه قصه ربوبی داشت ولی مورد توجه قرار گرفت. سلحشور در دهه ۶۰ پیش‌تر بازیگری و تهیه‌کنندگی می‌کرد و اوایل دهه ۷۰ بود که «ایوب پیامبر(ع)» را نوشت، کارگردانی کرد و خودش نقش حضرت ایوب(ع) را بازی کرد. طرفیت بالای قصه‌های قرآنی را در این کار می‌توان دید.

ایوب پیامبر با وجود دکوری ساده و دیالوگ‌های ساده‌تر، چون روایت دقیقی از قصه دردها و رنج‌های این پیامبر را نشان داد، سبک تازه‌ای در سینما بود. این فیلم سال ۱۳۷۲ ساخته شد. هرچند سال بعد، اولین سریال او، دومین کار قرآنی‌اش بود. «مردان آنجلس» داستان اصحاب کهف را روایت می‌کرد. سلحشور در این کار هم نشان داد برایش قصه گفتن مهم‌تر از ظاهر و شمایلی بود. خواب ۲۰۰ساله هفت مؤمن در غاری دورافتاده، محور قصه بود که به تهنایی سوژه جذابی است.

ماجرای خوابی طولانی و بیدار شدن در زمانی دیگر در گیر کننده بود. استقبال از این سریال به حدی بود که سال بعد و در سفر رئیس‌جمهور وقت ایران به واتیکان، مجموعه دی‌وی‌دی این سریال در کنار یک دیوان حافظ و قالچه به پاپ اهدا شد. این سریال، دو دهه بعد، اولین سریال ایرانی بود که در مصر بعد از دوران مبارک، پخش شد. یک‌دهه بعد، دومین سریال و آخرین اثر سلحشور روانه آنتن شد. این بار سلحشور سراغ احسن القصص قرآن یعنی داستان حضرت یوسف(ع) رفت. ابرادات محتوایی و فنی به سریال وارد بود اما به قدری پایه این قصه درست و شاخ‌وبرگش متنوع بود که این سریال را به آمار خیره‌کننده پیش‌تر از ۹۰ درصد بیننده در سال ۱۳۸۷ رساند که در تاریخ تلویزیون کم‌نظیر بود. این استقبال که در بیرون مرزها هم ادامه داشت، نشان داد که قصه‌های قرآنی چه پتانسیل بالایی برای سینما و تلویزیون دارند. آیا کسی می‌تواند مانند مرحوم سلحشور، این مسیر را طی کند؟



آرزوی سریال موسی(ع) به دلش ماند

جمال شورجه دوست و مشاور فرج‌الله سلحشور در گفت‌وگو با «سینما» از تجربه‌های سینمایی و تلویزیونی او می‌گوید

گفت‌وگو

محمدصابری

در یکی از خیابان‌های فرعی میدان هفت تیر، در گوشه یکی از آرام‌ترین کوچه‌های فرعی، روی‌زنک یک‌خانه‌معمولی نام‌موسسه‌ای درج‌شده که سال‌ها دو فیلم‌ساز در دو اتاق مجزا در آن به دغدغه‌های سینمایی‌شان می‌پرداختند؛ «موسسه سینمایی تبیان». حالا اتاق فرج‌الله سلحشور از ثبوت‌آب افتاده و

احتمالاً دیگر خبری از شور و حال و حضور فیلم‌ساز دغدغه‌مند سینما و تلویزیون در آن نخواهد بود. سساکن اتاق دیگر اما روایت‌هایی شنیدنی از همراهی با او دارد. جمال شورجه یکی از نزدیک‌ترین دوستان زنده‌یاد سلحشور در سینما و تلویزیون بود. دوستی که هم در پروژه‌های سینمایی و هم در سریال‌های تلویزیونی همراه سلحشور بود و روایتش از دغدغه‌های این فیلم‌ساز فقید شنیدنی است.

رالامه دادند. در همین شرایط بود که پیشنهاد سریال حضرت یوسف(ع) مطرح شد؛ آقای لاریجانی پیشنهاد داد که بیا باید به‌جای سریال موسی(ع) سریال حضرت یوسف(ع) را بسازید. جالب این که زمانی این پیشنهاد مطرح شد که از مدتی قبل آقای سلحشور طرح چنین سریالی را آماده کرده بودند. نکته مهم این بود که ترد و بی‌مهری معمولاً مانع تلاش و پیشرفت فرج‌الله سلحشور نمی‌شد و مدام به دنبال تحقیق و پژوهش بودند. به قرآن توسل داشتند و مدام در حال پژوهش روی قرآن بودند و به همین دلیل هیچ‌گاه فرسوده نمی‌شد و کنار نگیری نمی‌کرد.

درباره روحیات معنوی فرج‌الله سلحشور
بسیار شنیده‌ایم اما علاقه‌مندم کمی درباره وسوسه‌های تکنیکی و تخصصی ایشان در حوزه سینما صحبت کنید. به خصوص که آثار کارنامه‌او به لحاظ فنی تفاوت غیر قابل‌گمانی با تولیدات بی‌کیفیت و کلیشه‌ای غالب در تلویزیون پیرامون موضوعات دینی و مذهبی داشت.

آن چیزی که در کارهای مرحوم سلحشور شاخص بود، قطعاً موضوعات و مضامین آشناس بود اما به خوبی می‌دانست که برای رسیدن به مقصود باید از تکنیک‌های بازیگری، فیلم‌برداری، فیلم‌سازی و... استفاده کند. وسوسه‌های خاصی هم در این موارد داشتند. سسر پروژه اصحاب کهف، آقای میرفرخانی مسئول طراحی دکور بودند. قرار بود دیواری را در کنار رنگ‌بزنند و ایشان با سلیقه خودش رنگی انتخاب کرده بود اما آقای سلحشور که آمدر ضایعات بود و با نگاه فنی خاصی که داشت اصرار کرد که این رنگ‌آمیزی باید تغییر کند. شاید این دیوار نزدیک به ۶بار تغییر رنگ داد تا سلیقه‌مند نظر آقای سلحشور تأمین شود. این نگاه فنی خاص هم مربوط به تجربه‌های آقای سلحشور در دوران جوانی و نوجوانی می‌شد. حتی خاطرم هست برای سنگ‌چین کردن دکورها هم ظرافت خاصی را مدنظر قرار می‌دادند. نمی‌دانم تا اطلاع‌رسان‌اید یا نه اما ظرافت اندیشه‌ی حوزه هنری هم از کارهای ایشان بود.

همین تالاری که مراسم‌های حوزه در آن برگزار می‌شود؟
بله. در سال‌های اوایل انقلاب بود که ما آن‌جا مستقر بودیم و می‌دیدیم که آقای سلحشور با دیدایی بالای سر کار گروهی ایستاد و درباره نوع چیدمان و طراحی آن جانظری می‌دادند. این کار تفرغ‌سن چه قدر باشد؛ پرده چه ارتفاعی داشته باشد و موارد دیگری از این دست را ریزه‌ریز نظارت و مهندسی می‌کرد.

این اعمال نظر به‌صورت حسی و غریزی بود یا تخصصی‌تخصصی در زمینه معماری داشت؟
تخصص فنی و آکادمیک که نداشت اما به‌صورت ذوقی از کودکی در این زمینه دغدغه داشت و هر آن‌چه دیده بود را فرار گرفته بود. همین تجربه را در حوزه مباحث فنی و تخصصی سینما هم به کار می‌بردند. به‌خصوص از آن‌جا که ایشان ریشه‌تئاتری داشتند، در زمینه

چه بود؟
البته تجربه‌های سینمایی قابل‌توجهی در کارنامه‌شان داشتند. هر چند شاید به‌صورت مستقل کم‌تر سراغ فیلم‌سازی در سینما می‌رفتند اما در همان اوایل تجربه‌های موفق در حوزه بازیگری در آثار دفاع مقدس داشتند. در مجموع اما از آن‌جا که تلویزیون دایره مخاطبان گسترده‌تری داشت، فعالیت در این حوزه را به فعالیت در سینما ترجیح داد چرا که اعتقاد داشت نهایت هدف در فیلم‌سازی انتقال مفهوم به مخاطب است و چه‌بمهر که تلویزیون می‌تواند دایره گسترده‌تری از مخاطبان را برای او تأمین کند. او در همین حال چند فیلم‌نامه سینمایی آماده ساخت داشت و تا همین اواخر هم مترصد ساخت آن‌ها بود اما شرایط تولید این آثار مهیا نشد.

سوره‌ای فیلم‌نامه‌ها چیست؟
یکی فیلم‌نامه «اصحاب‌آخوند» بود که داستانی قرآنی درباره اولین هولوکاست صهیونیست‌های یهودی در تاریخ است که در قرآن صراحتاً به آن اشاره شده و دیگری داستان «عزیز نبی(ع)» بود که در کنار چند پیامبر (ص) دیگر، فرج‌الله سلحشور روی زندگی‌نامه آن‌ها کار کرده بود و در قالب فیلم‌نامه هم منتشر شد.

سلحشور در صدد این بود که این فیلم‌نامه‌ها را در قالب سینمایی تولید کند، هر چند هر کدام ظرفیت یک سریال تلویزیونی را هم داشت.
با روایتی که داشتید این گونه به نظر می‌رسد که دوری زنده‌یاد سلحشور از سینما و پر کاری در تلویزیون برایش یک انتخاب بود نه یک اجبار؛ درست است؟

بله دقیقاً این‌طور بود. خاطرم هست بعد از سریال اصحاب کهف بود که ما خدمت مقام معظم رهبری رسیدیم و حضرت آقا خطاب به آقای لاریجانی که آن زمان رئیس سازمان صداوسیما بود تأکید کردند که این دوستان با سریال اصحاب کهف ثابت کرده‌اند که می‌توانند کارهای بزرگی را انجام دهند. پروپوزید با همین ظرفیت سریال حضرت موسی(ع) را بسازید. همین اشاره کافی بود که سلحشور سراغ فیلم‌نامه این سریال برود و فیلم‌نامه «موسی(ع)» آماده تولید هم شد اما به دلیل برخی بی‌مهری‌های کار به مرحله تولید نرسید و همین مسئله باعث ناراحتی و دل‌زدگی سلحشور شد.

این فیلم‌نامه را برای سینما آماده کردند یا تلویزیون؟
برای تلویزیون بود.

یعنی مدیران سینما در قبال تولید آن بی‌مهری کردند؟
بالاخره شرایطی بود که امکان تولید این سریال فراهم نشد و خیلی هم نمی‌توانم جزئیات آن را بازگوئی کنم اما مهم این است که بعد از این بی‌مهری‌ها، دل‌سردی باعث نشد که فرج‌الله سلحشور دست از تلاش بکشد و خانه‌نشین شود. در همان منزل‌شان شروع به نگارش فیلم‌نامه کردند و با تمرکز بر قصه‌های قرآنی کارشان

زمانی که به فرج‌الله سلحشور و نسبت‌شان با سینما و مدیوم تصویر فکر می‌کنیم معمولاً به دوگانه‌ای متضاد می‌رسیم. از سویی تصویر یک فیلم‌ساز پرکار پیش‌روی ما می‌آید و از سوی دیگر با فردی مواجهیم که در اظهارات تندوتیزش به نظر می‌رسد یک کارگردانی و تفایل نسبت به ماهیت سینما وجود دارد. به‌عنوان یکی از نزدیکان زنده‌یاد سلحشور کدام تصویر را واقعی‌تر می‌دانید؟

تا جایی که من به خاطر می‌آورم زنده‌یاد سلحشور هیچ‌گاه نسبت به سینما گارد نداشت و هیچ‌وقت از آن به‌عنوان یک ابزار شیطانی یاد نکرد که بخواد از آن دوری کند. اتفاقاً این ابزار به بهترین شکل در راستای انتقال مفاهیم دینی استفاده کردند. او اعتقاد داشت که سینما یک وسیله است برای انتقال مفاهیم قرآنی و دینی. به‌عبارتی، سینما ابزاری برای طرح موضوعات و یادها و نیایدهای دینی می‌دانست و به همین دلیل از تعبیر «منبر سینما» استفاده می‌کرد. خودش هم تا جایی که توانست از این منبر برای ترویج آرمان‌های انقلابی و دینی استفاده کرد. بررسی کارنامه ایشان به خوبی مؤید این مدعاست که او هیچ‌گاه ذات سینما را ترک نکرد و در مقابل آن بر خلاف افرادی که «تقوای گریز»، «انتخاب کردند»، «تقوای ستیز» و «انتخاب کرد و با همین‌منظر وارد میدان فیلم‌سازی شدند.

پس این سخن تلخ و گاه تندوتیز ایشان نسبت به برخی رویدادها و پدیده‌های سینمایی از کجا ریشه می‌گرفت؟

شاید بهتر باشد بگوییم او با پارهای از سینماگران مشکل داشت نه باصل سینما. یک فیلم در واقع تعبیر شهید آوینی، حدیث نفس فیلم‌ساز است و یک سینماگر هر چه قدر متعلق به اخلاق حسنه و ارزش‌های باشد، این محسنت در آثارش نمود پیدا می‌کند. به‌تعبیری، آثار یک هنرمند نشان‌دهنده سلیقه و جهان‌بینی اوست و از همین زاویه، زنده‌یاد سلحشور با آثار برخی سینماگران به دلیل زاویه‌داشتن با دین و باورهای انقلابی، زاویه پیدا کرده بود. زنده‌یاد سلحشور سینما را مصلح‌جولان شیطان می‌دانست و معتقد بود اگر انسان پرورش یافته و تربیت یافته نباشد در این عرصه در معرض انواع گناه و لغزش قرار می‌گیرد.

به تعبیری مستغنیبت تندی‌های زنده‌یاد سلحشور برای دفاع از سینمای مطلوب خود در برابر برداشت‌های انحرافی بود؟
بله. سینما برای بسیاری از سینماگران به ماهوس سینما و از منظر هنر بسیاری هنر ارزش دارد و نهایتاً برخی از برای اقتصاد و مباحث مالی می‌خواهند اما به اعتقاد آقای سلحشور سینما ابزاری برای انتقال مفاهیم دینی بود و چه ابزاری زیباتر و جامع‌تر می‌تواند این مفاهیم را عرضه کند. این چکیده دیدگاه زنده‌یاد سلحشور درباره سینماست.
با این زاویه نگاه، دلیل کم‌کاری‌شان در سینما

پیش‌قراول فیلم‌سازی قرآنی
جواد شمس‌قدری (رئیس سابق سازمان سینمایی): او یکی از نزدیک‌ترین مدیران به سلحشور بود و یادداشتی در رابطه با کارگردان یوسف پیامبر نوشت: «فرج‌الله سلحشور جزو معدود هنرمندانی بود که با دغدغه قرآنی به سینما ورود کرد. برای همین به‌جرت می‌توان گفت وی جزو پیش‌قراولانی است که توانست هنر هفتم را به قرآن پیوند بزند. سلحشور در این عرصه نیز کارهای بسیار خوبی در تئاتر، سینما و تلویزیون خلق کرد و در هنر مسرری زمین ماندگار شد. نکته قابل‌تأمل درباره این مسیر که این هنرمند در پیش گرفت، این است که به عقیده بسیاری از سینماگران پیمودن این مسیر (فیلم‌سازی قرآنی) در سینما و تلویزیون قابل انجام نیست، اما با تلاش و بی‌مهری وی این اتفاق روی داد.»

حاج فرج فراموش نمی‌شود
حجت‌الله ایوبی (رئیس سازمان سینمایی): از همان ساعات ابتدایی روز خیلی از چهره‌های شناخته شده سینما و تلویزیون در مورد درگذشت فرج‌الله سلحشور وارد میدان شدند و هر کدام از زاویه دید خود، بخش‌هایی از زندگی و آثار او را تجلیل کردند. رئیس سازمان سینمایی هم جزو کسانی بود که یادداشتی برای مرحوم سلحشور نوشت: «در گذشت استاد فرج‌الله سلحشور را به همه‌الهالی فرهنگ تسلیت می‌گویم. هنرمندی که یک عمر کوشید تا جلوه‌هایی از زیبایی دین را به زبان تصویر نشان دهد. جهان اسلام و مسلمانان از شرق تا غرب جهان، نام حاج فرج را می‌شناسند و هرگز فراموش نخواهند کرد. این مصیبت بزرگ را به خانواده معظمش و همه مردم ایران تسلیت گفته و علو درجات را برای او از خدای بزرگ مسئلت دارم.»



Ghoreishi Catering Group



سامانه ارتباطی مشاوره برگزاری جشن ها و مراسم

۰۲۱-۲۹۵۹

پاسداران، جنب پمپ بنزین صاحبقرانیه
تلفن : ۲۲۲۸۰۷۹۱ - ۲۲۲۸۹۸۰۰

سعادت آباد، میدان کاج
تلفن : ۲۲۰۸۹۸۲۰ - ۲۲۰۸۹۸۲۰

شریعتی، پل رومی
تلفن : ۲۲۶۰۳۷۰۶ - ۲۲۰۰۲۸۵۸

www.ghoreishi-catering.com



بازیگری و سواست بسیاری داشت. بارها می شد که من درباره صحنه‌های می‌گفتم همه چیز خوب است دیگر، ولی می‌گفت من چیزی در ذهنم هست که این نیست و تو نمی‌دانی آن قدر بازیگر سرورکلمه می‌زد تا حسی را که می‌خواست در بیاورد. در این موارد فنی، ریزه کاری‌های زیادی را مدنظر داشت که متأسفانه کم‌تر به آن پرداخته شده است.

آقای سلحشور مطالعه سینمایی خاصی هم داشتند که بخواهند در حوزه مباحث فنی به روز باشند؟

حتماً چنین مطالعاتی داشته‌اند به‌خصوص اشراف و سواد روی فیلم‌های مذهبی تاریخ سینما با موضوع پیامبران (ع) داشتند. تمام فیلم‌های این حوزه را دیده بود، می‌شناخت و آنالیز کرده بود. تحلیل می‌کرد که کدام بخش‌ها به چه صورتی کارگردانی شده و از این نظر می‌توانم بگویم روی این مبحث تخصصی کامل داشت. وقتی ریزه کاری‌های ایشان را کارگردانی را می‌دیدم مشخص بود که پیش از آن مطالعه و تحقیق روی آثار مشابه داشته است. در این موارد فنی خیلی هم اصرار و دقت نظر داشت و اصلاً زیر بار سهل انگاری در این زمینه‌ها نمی‌رفت.

هیچ‌وقت پیش آمده بود از تماشای یک فیلم با موضوع ارزشی و دینی اما بی کیفیت بر آشفته شوند و درد دلی با شما داشته باشند؟

بله، آثاری بودند که نمی‌توانم به‌صورت صدقایی به آن‌ها اشاره کنم اما ایشان همواره اعتقاد داشت که آثار دینی می‌بایست با کیفیت تولید شود. حتی در حوزه انقلاب و دفاع مقدس می‌گفت باید این موضوعات درست ساخته شوند تا علاوه بر محتوای ارزشی، مخاطب را هم با خود همراه کند. روی پرداخت شخصیت‌ها و قصه‌گویی تأکید داشت.

از این زاویه هیچ‌وقت مدیران تلویزیون را به دلیل تعدد تولیدات ارزشی بی کیفیت مورد عتاب قرار نمی‌دادند؟

کافی است مروری بر مصاحبه‌ها و اظهارات ایشان داشته باشید تا ببینید در مواردی حتی صدایشان برای این دغدغه‌ها بلند شده بود.

تعامل‌شان با مدیران تلویزیون در دوره‌های مختلف چه گونه بود؟

غالباً روابطش با مدیران ارشد تلویزیون خوب بود. در سطوح پایین‌تر هم هر چند مجادلات و اختلاف‌نظرهایی داشت که طبیعی هم بود اما در مجموع سعی می‌کرد تعامل خوبی با تلویزیون داشته باشد. به همین دلیل هم همواره مورد وثوق مدیران بودند.

فرج‌الله سلحشور در حالی از دنیا رفت که فیلم‌نامه سریال «موسی(ع)» را آماده تولید داشت. از سرانجام این فیلم‌نامه و امکان کارگردانی آن توسط فردی دیگر اطلاعی دارید؟

فیلم‌نامه این سریال در بازه زمانی نزدیک به ۵ سال توسط یک تیم پژوهشی نوشته شد و در تمام این مدت مشاوران دینی و هنری بر فرآیند نگارش آن نظارت داشتند. افراد بسیاری در تیم نگارش به‌صورت حضور داشتند و هم‌زمان تلاش می‌شد به‌صورت مره‌هم‌حله فیلم‌نامه آماده به تأیید علما برسد و نظرات آن‌ها هم تأمین شود. وقتی با این حساسیت پروژه به سرانجام رسید طبیعتاً می‌بایست با همین وسواس‌های خاص آقای سلحشور به مرحله تولید برسد. اگر هر فرد دیگری بخواهد این پروژه را کارگردانی کند حتماً حاصل کار چیزی متفاوت از آن چیزی می‌شود که خود سلحشور می‌توانست کارگردانی کند. سلحشور سبک و سیاقی خاص خود در نگارش و کارگردانی داشت که در مردان آنجلس و یوسف پیامبر آن را تجربه کرده بود و این سریال هم باید در اسباب همان سبک و سیاق به سرانجام برسد. به همین دلیل فکر می‌کنم تکمیل این سریال هم باید به تیم همراه آقای سلحشور واگذار شود و دنبال این هستیم که به این ترکیب برسیم و بتوانیم این یادگار زنده‌یاد سلحشور را با امضای خودشان به ثبت برسانیم.

بعنوان سسوال پایانی فکر می‌کنید بزرگ‌ترین یادگار زنده‌یاد سلحشور برای سینما و تلویزیون ایران چه بود و از سوی دیگر بزرگ‌ترین حسرت و دریغی که تا آخرین روزهای حیات با او همراه بود چه بود؟

بزرگ‌ترین آرزوی ایشان ساخت همین سریال «موسی(ع)» بود. سه سال پیش بود که ایشان متوجه سرطان بدخیم شدند و همواره علاقه داشتند تا زمان نهایی شدن این پروژه در قید حیات باشند اما متأسفانه عمرشان کفاف نداد و ای کاش ما به‌عنوان پیروان طریق‌شان بتوانیم این آرزو را به سرانجام برسانیم. درباره یادگار هم فکر می‌کنم بزرگ‌ترین یادگار مادی و معنوی ایشان برای همه ما همین سریال جهانی «یوسف پیامبر(ع)» بود که از کشورهای بسیاری پخش شد و به معنای واقعی کلمه یادگاری جهانی برای سینما و تلویزیون ایران بود. ان‌شاءالله همین آثار، شفیق او در آن دنیا هم خواهد بود.

چهره روز خوشا به حال تو...

وقتی کتابیون ریاحی با اشتراک گذاشتن پستی در اینستاگرامش به درگذشت سلحشور واکنش نشان می‌دهد

دو بازیگر مشهور، کارنامه حرفه‌ای‌شان با فرج‌الله سلحشور گره خورده است. یکی مصطفی زمانی که سریال «یوسف پیامبر» اولین حضور او در دنیای بازیگری بود و بعد از آن مسیروش برای ورود به این حرفه هموار شد، دیگری کتابیون ریاحی که همین سریال آخرین حضورش در بازیگری بود و بعد از آن از دنیای هنرپیشگی خداحافظی کرد. مورد ریاحی اسما از مورد اول کمی پیچیده‌تر بود، او که بازیگر نقش زلیخا در آخرین سریال سلحشور بود، بعد از اتمام «یوسف پیامبر(ع)» رسماً اعلام کرد که دیگر در هیچ اثر هنری بازی نخواهد کرد. با این اظهار نظر، سلحشور هم پشت او در آمد و این تصمیم بازیگر نقش اصلی سریالش را مربوط به فضای خاص آن دانست: «خانم ریاحی پس از سریال «یوسف پیامبر(ع)» گفت دیگر نمی‌توانم فضاهای موجود سینما را تحمل کنم و از حرفه



کارنامه سلحشور

راوی پیامبران

آثار ثبت‌شده در کارنامه کارگردانی زنده‌یاد فرج‌الله سلحشور به‌رغم حضور خبرسازش در متن و حاشیه سینما و تلویزیون چندان پر شمار نیست اما به استناد همین تجربه‌های اندک، نام او را به‌عنوان یکی از موفق‌ترین فیلم‌سازان ایرانی در حوزه تولیدات تاریخی و دینی تثبیت کرده است.

ایوب پیامبر (ع)؛ تولد

این اولین تجربه کارگردانی فرج‌الله سلحشور در سینما بود. فیلمی که سروشکل آن شبیه تله‌تئاترهای تلویزیونی بود و بر پایه فیلم‌نامه‌ای ساده و دیالوگ‌محور تولید شده بود. سلحشور که خود ایفاگر نقش حضرت ایوب (ع) در این فیلم بود، آن را با حمایت مالی شبکه ۲ سیما کارگردانی کرد و از این منظر می‌توان اولین تجربه سینمایی سلحشور را هم‌زمان با تجربه‌های تلویزیونی هم قلمداد کرد. داستان «ایوب پیامبر (ع)» روایتی قرآنی از حسادت شیطان نسبت به جایگاه این پیامبر الهی نزد خداوند است که این پیامبر را بر تدریهای مواجه می‌کند. بلاهای طبیعی موجب روگردانی قوم ایوب از او می‌شوند و بعد از آن به واسطه فریب شیطان حلیمه همسر پیامبر دچار لغزش می‌شود. شیطان تلاش می‌کند به‌ای از لغزش همسر پیامبر را متمم به خیانت کند اما حضرت ایوب پروردگار را به یاری می‌طلبد تا از این فتنه رها شود. به واسطه وقوع یک معجزه، شرایط تغییر و پیامبر خدا فریب شیطان را ختنی می‌کند.



مردان آنجلس؛ تثبیت

نزدیک به پنج سال بعد از تجربه «ایوب پیامبر (ع)» سلحشور یک گام بلند به پیش برداشت و با تجربه نگارش و کارگردانی سریال «مردان آنجلس» با محوریت روایت قرآنی اصحاب کهف، جایگاه خود را به‌عنوان یک سریال‌ساز مذهبی در قالب تلویزیون تثبیت کرد. «مردان آنجلس» در مقطع رونمایی توانست استانداردهای تلویزیون در زمینه تولیدات مذهبی را جابه‌جا کند. این سریال که هم از نظر داستان و هم از نظر ساختار، مخاطبان بسیاری را جلب کرد مقدماتی شد تا نام فرج‌الله سلحشور پیش‌تر با جریان سریال‌سازی مذهبی به‌خصوص در قالب تاریخی گره بخورد. ترکیب بازیگران این سریال و سروشکل فنی و ظاهری تولید آن تفاوت معناداری با تجربه اول سلحشور در حوزه سریال‌سازی دینی داشت و به همین دلیل «مردان آنجلس» را می‌توان یک پشتوانه جدی برای ادامه مسیر سلحشور در این عرصه دانست. سلحشور قصد داشت نسخه سینمایی «مردان آنجلس» را با نام «اصحاب کهف» بسازد، اما این پروژه به سرانجام نرسید.



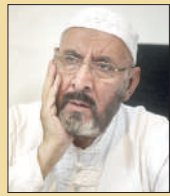
یوسف پیامبر (ع)؛ در اوج

بی‌تردید می‌توان در مسیر تجربه‌ورزی فرج‌الله سلحشور برای ساخت سریال‌های مذهبی و تاریخی، «یوسف پیامبر (ع)» را یک نقطه اوج در نظر گرفت. سلحشور این سریال الف و ویژه سیما را زمانی بر عهده گرفت که پیش از آن فیلم‌نامه مجموعه «موسی(ع)» را به تلویزیون ارائه کرده اما این فیلم‌نامه رد شده بود. بعد از آن بود که با پیشنهاد رئیس وقت سازمان صداوسیما، این کارگردان سراغ یکی از ویژه‌ترین قصه‌های قرآنی رفت که طبیعتاً جذابیت بالایی برای پرداخت تصویری داشت. پیش تولید و تولید این سریال نزدیک به یک دهه زمان برد و سرانجام در سال ۸۷ این مجموعه روانه آنتن تلویزیون شد. از نکات جالب درباره این پروژه بازیگر اصلی آن یعنی مصطفی زمانی بود که بعدها توانست راه به سینمای حرفه‌ای باز کند و تبدیل به چهره‌های شناخته‌شده شود. نسخه سینمایی مجموعه «یوسف پیامبر (ع)» هم بعدها تولید شد که توانست اکران کوتا‌مدت اما موفق در سینماهای کشور داشته باشد.



موسی (ع)؛ پروژه ناتمام

بعد از «یوسف پیامبر (ع)» دیگر جایگاه سلحشور به‌عنوان یک سریال‌ساز توانمند برای مدیران سیما تثبیت شد و انتظار می‌رفت او برای پروژه‌های بعدی با کم‌ترین دست‌انداز مواجه باشد. برای همین زمانی که اعلام شد این فیلم‌ساز قصد دارد بار دیگر سراغ فیلم‌نامه مرتبط با داستان زندگی حضرت موسی(ع) برود انتظار این بود که بدون مشکل آن را کلیدزند اما این‌گونه نشد و این پروژه پس از فرآیند پنج‌ساله‌ای که صرف نگارش‌اش شده بود، سرانجام ناکام ماند و تا همین اواخر به‌خبره‌های «یوسف پیامبر(ع)» فیلم‌ساز فقید باقی ماند. سلحشور در مقطعی حتی برای تأمین هزینه مالی تولید این سریال، شماره حسابی را اعلام کرد تا با حمایت‌های مردمی این پروژه را کلیدزند اما این ایده هم جواب‌نداد و روایت او از این پیامبر الهی سرقادر قالب یک فیلم‌نامه مکتوب به یادگار ماند. سرانجام هنوز تولید این مجموعه مشخص نیست.



فرج‌الله سلحشور

از آن دست کارگردان‌هایی است که در کارنامه‌ی هنری‌اش فیلم‌ها وجود دارد که در آن‌ها بازی کرده است. او در فیلم‌های توبه نوح (۱۳۶۱) به کارگردانی محسن مخملباف، گورکن (۱۳۶۳) ساخته محمدرضا هنرمند، پرواز در شب (۱۳۶۵) ساخته رسول ملاقلی‌پور، انسان و اسلحه (۱۳۶۷) اثر مجتبی راعی، ایوب پیامبر (۱۳۷۲) اولین فیلم خودش و دنیای وارونه (۱۳۷۶) به کارگردانی شهریار بحرانی بازی کرده است.

فرج‌الله سلحشور در طول این سال‌ها چهره‌های زیادی را به سینما و تلویزیون معرفی کرده است، که در بین آن‌ها یک نفر ستاره شد و بعد از حضور در فیلم سلحشور خیلی دیده شد. مصطفی زمانی بازیگر نقش «یوسف پیامبر» بعد از حضورش در آخرین سریال سلحشور، راه بازیگری را یاد گرفت و در فیلم و سریال‌های ریز و درشتی بازی کرد و در طول این سال‌ها نقش‌های زیادی را ایفا کرده است.

سینما را با ورق بزنید



• صاحب امتیاز و مدیرمسئول:
حسین وحشوری
• سردبیر و جانشین مدیرمسئول:
فریدون جیرانی
• زیر نظر شورای نویسندگان
• دبیر شورای نویسندگان: **مینا اکبری**
• دبیر تحریریه: **حسرو تقیعی**
• عکس: **مهدی حسینی**
• با یک جوایزاده، نیوشا هانفی
• طراح هنری: **علیرضا میرزا مصطفی**
• مدیر فنی: **یوسف ابراهیمی**

• سیمای ایران:
سیدمرتضی
تولید و افکاران: احسان ظلی پور
• سید حسینی
گزارش: سمیه علیپور
• سارا کتانی، مهتروش سلماسی

• نقد: **حافظ روحانی**
• فاطمه حاج حسینی
• خاطره سینما و صفحه آخر:
• **عمرالحکرمی، نیکان نصریان، سباز فرجاد**
• ویژگی‌ها:
• **ویژ نامه‌ها:**
علی مسعودی نیا، محمد بیات
• سمنه فرامانی، هدی فلاح، مهسا هشتی

• صفحه آرایی: **علیرضا کشاورزی**
• محمدلیلی عاقله، خواجه نصیری شریعتی
• ویرایش عکس: **خاطره کبیری**
• ویرایش متن: **حسین محمدیانی**
• مجید هزاروسی، روحان رهبر، زهره مقدم، سارا اسدی
• ویرایش عکس: **سوسن خامنه**
• مرتضی نجیب حسینی
• **ناظر چاپ: منصور فعال**
• **رابط فنی: شبنم لری چی**
• سایت: **سید حسینی**
• شبکه‌های اجتماعی: **ایران امیرخان**
• تصویری: **آرش اعلامی، مسعود رفیع‌زاده**

• انفورما تی.ک: **امیددل خاک، یوسف حاج حسینی**
• مسئول هماهنگی: **داوود علی شاهی**
• ایمیل: **info@cinemanewspaper.ir**
• سایت: **www.cinemanewspaper.ir**
• اینستاگرام: **cinemanewspaper**
• تلگرام: **@cinemanewspaper**
• نشانی: **خیابان شرعیتی، نرسیده به شهید بهشتی، اندیشه لور، پلاک ۱۹ • تلفن: ۰۲۰۲۰۴۰۸۶**
• سازمان آگهی‌ها: **۰۲۰۲۰۴۰۸۶**
• توزیع: **موسسه شهرستان های ایران**
• چاپ: **انتخاب رساله**

ماجرای روز

خانه سینما از ایدز می گوید

سه‌شنبه این هفته که برسد، نخستین همایش «کودکان سینما، آج ایوی، ایدز» برگزار می‌شود. همایشی به این قصد که سینماگران بتوانند آگاهانه نسبت به این مسئله و عوارض اجتماعی آن صحبت کنند و فیلم بسازند و بتوانند از این اطلاعات به نفع فیلم‌های‌شان و فرهنگ‌سازی در این زمینه استفاده کنند. روز گذشته، فرزاد توحیدی به‌عنوان دبیر و عضو شورای سیاست‌گذاری این همایش، اعضای شورای سیاست‌گذاری همایش «کودکان، سینما، آج ایوی، ایدز» را معرفی کرد و مشخص شد که غلامرضا کاظمی دبیر، رئیس شورای سیاست‌گذاری این همایش است و عباس کیارستمی، پوران درخشنده، مهتاب کرمانی، مونا زاهد، مینومرکز، طاهره بهرامی و فرزاد توحیدی از اعضای این شورا هستند.

هر کدام از این افراد، منهای سابقه‌ای که در زمینه سینما دارند، روز گذشته، نظری اجتماعی نیز فعالیت‌هایی در زمینه ایدز داشته‌اند. از سوی دیگر، درباره ایدز، همواره اطلاعات غلطی نیز به گوش می‌رسد که فعالان این حوزه نسبت به آن واکنش نشان می‌دهند. قرار است این همایش، نسبت به این اطلاعات غلط واکنش نشان دهد و سینماگران را با این همایش نسبت به این اتفاق آگاه کند. نونوع دیگری از این مباحث را توحیدی به زبان می‌آورد می‌گوید: «انتقال آج ایوی از مادر به کودک یکی از سه راه انتقال این ویروس است، ویروسی که به سندرم ایدز منجر می‌شود. این سندرم درمان قطعی ندارد و تا پایان عمر باید با آن سر کرد، هم‌چون بسیاری بیماری‌های دیگر که چنین‌اند. آمار کودکانی که این چنین متأسفانه روبه‌افزایش است. این کودکان و این مسئله اجتماعی، نیازمند توجه بیشتر رسانه‌های است، به دو دلیل: نخست نیاز آن‌ها به توجه ویژه و دوم آگاهی بخشی در این زمینه در جامعه کشور. همان متعهد شده‌اند که سال ۲۰۳۰، سال پایان اپیدمی ایدز باشد. این تعهد فراتر از تعهدی دولتی، تعهدی است اجتماعی که هر کسی به‌سهم خود باید در این راه بکوشد.»

شاید جای شوخی نداشته باشد، اما سال ۲۰۳۰، سالی است که سبیل گیش نیز از آن به‌عنوان سال پایان ایدز نام می‌برد. البته گیش از پیشرفت علم پزشکی صحبت می‌کند و اعتقاد دارد که پژوهش‌هایی که درباره این بیماری انجام می‌شود، در مرحله‌های خوش‌بینانه قرار دارد. در ایران اما هنوز در گروودار نخستین مراحل آگاهی بخشی هستیم. آن چه که توحیدی نیز به گونه‌ای دیگر از آن صحبت می‌کند، «کسی از مهم‌ترین موانع بر سر واکنش منطقی‌ای و جهانی علیه ایدز، انگ و تبعیض نسبت به افرادی است که با آج ایوی زندگی می‌کنند. انگ نه تنها مانع مهمی در برابر اقدام عمومی است، بلکه یکی از دلایل اصلی است که باعث می‌شود بسیاری از افراد آج ایوی مثبت از حقوق فردی و اجتماعی خود محروم بمانند، آن‌ها را مجرمه به پزشک و مراکز درمانی جهت معاینه و درمان را به دلیل ترس از مورد انگ قرار گرفتن پشت گوش می‌اندازند. انگ، ایدز را تبدیل به قاتل پنهان کرده، از آن رو که مردم به دلیل ترس از بی‌ابرویی اجتماعی درباره آن صحبت نمی‌کنند و به آسانی پیشگیری‌های موجود درباره آن را به کار نمی‌گیرند در ایران آمار، خوش‌بینانه، حکایت از این دارد که هنوز ۷۰ درصد افراد آج ایوی مثبت، شناسایی نشده‌اند. انگ، دلیل عمده‌ای است بر این که همه‌گیری ایدز هنوز موجب نابودی جوامع در سراسر جهان می‌شود.» به خاطر همین آمار پنهان است که انجمن مستندسازان سینمای ایران و انجمن مردم‌نهاد اسها در برگزاری این همایش به کمک خانه سینما آمدند.

آخرین وضعیت یدالله صمدی در بیمارستان

یدالله صمدی که چند ماه پیش فیلم «پدر آن دیگری» را روی پرده سینما داشت، روز جمعه هفتم اسفندماه در صف رای‌دانه دچار حمله قلبی می‌شود و خیلی سریع به بیمارستان انتقال پیدا می‌کند و تا همین امروز در بیمارستان «پیمان» تهران در بخش سی‌سی یو بستری است. در گفت‌وگو با سعید کریمی، برنامهریز و دستیارش چوای احوالش شدیدی؛ «حال آقای صمدی هم‌چنان مانند شب گذشته است و فعلاً تحت مراقبت‌های ویژه قرار دارد. او ضربان قلب پایینی دارد که فعلاً با استفاده از باتری کنترل شده است، به گفته پزشک معالج، باید ۷۲ ساعت تحت مراقبت باشد تا بعد از آن بتوانیم که با قطع اتصال باتری، قلب کار خودش را انجام می‌دهد یا نه. بعد از آن است که باید در مورد نحوه معالجه در آینده تصمیم گرفت.» فعلاً مشخص نیست که یدالله صمدی تا چه زمانی در بخش سی‌سی‌یو بیمارستان بستری خواهد بود.

بازگشت «ایرج خواجه‌امیری» به خانه

کم‌تر از یک هفته است که ایرج خواجه‌امیری به دلیل عارضه قلبی در بیمارستان بستری شده و در نوبت عمل جراحی قرار گرفت. عمل جراحی اما دوبار برنامه‌ریزی شد که گاهی آدم را به ترس می‌اندازد که نتکند به دلیل حال وخیم هنرمند باشد اما ظاهر این بار وضعیت متفاوت بود و دلیل دوم تبه تأخیر در عمل جراحی، وضعیت روحیه بود. خواجه‌امیری گزارش شده است. قرار بر این بود که روز پنج‌شنبه این عمل جراحی صورت گیرد اما یک روز پیش تر تحت نظر باقی ماند و پس از آن که وضعیتش رو به بهبودی رفت، شب جمعه از بیمارستان مرخص شد. زمان عمل جراحی به تعویق افتاد. امیراحسان فدایی که از شاگردان و افراد نزدیک به این هنرمند پیشکسوت است، در این باره توضیح داد: «خدارا شکر، حال استاد بهتر شده است و عمل جراحی ایشان نیز به تعویق افتاد.»

نشان درجه یک برای تارخ

شورای آموزشی دفتر مطالعات و توسعه دانش سازمان سینمایی، نهادی است که برای تأسیس آموزشگاه‌های آزاد سینمایی پرنه‌انه صادر می‌کند. در یازدهمین جلسه این شورا، گواهینامه درجه یک هنری در رشته بازیگری که توسط شورای ارزشیایی هنرمندان، نویسندگان و شاعران کشور صادر شده بود، توسط جواد صباغ سرپرست دفتر مطالعات و توسعه دانش سینمایی به امین تارخ اعطا و از تلاش‌های این هنرمند متعهد تقدیر شد.

تازه‌ترین داستان دولت‌آبادی

محمود دولت‌آبادی، پس از تالارهای یک‌تار دهبندی به بازار آمد. این مجموعه داستان «بنی آدم» نام دارد و از سوی نشر چشمه به بازار خواهد آمد. خبرگزاری ایسا گزارش داده است که این کتاب شامل شش داستان کوتاه است که اکثرشان در دو یا سه سال اخیر نوشته شده‌اند و مخاطبان در آن‌ها فضاهای جدیدی از دولت‌آبادی را درک خواهند کرد. درون‌مایه بیش‌ترین داستان‌های شهری است. این شش داستان در کنار هم کتابی ۱۰۶ صفحه‌ای را ساخته‌اند.

اجراهای نوروزی تالار سنگلج

اجرای نخست نوروزی تالار سنگلج از هشتم فروردین ماه آغاز می‌شود. نمایش عروسکی کمدی «سندر حکایت ناکامی ببری خان در ولایت عهدی شاهی که سرخ‌پوش بود اما کسی نمی‌دانست» است که شاید بتوان عنوان طولانی‌ترین اسم یک نمایش را به آن داد. نمایشی به کارگردانی بیلاق‌بیگی و محسنی‌اردالی. اجرای دوم نیز «آگاهان بیت حلی» است، به کارگردانی کوروش سلیمانی که از تاریخ ۱۵ فروردین ماه در تماشخانه سنگلج آغاز خواهد شد.

سینما

ناشر: حامد بزرگ
مدیر اجرایی: حمید پنداشته

یکشنبه ۹ اسفند ۱۳۹۴
سال اول شماره ۱۲۸ مسلسل ۱۲۰۶



اولین دوره ملی جشنواره کیمیایی در حال برگزاری است

از بهروز افخمی و فریماه فرجامی تقدیر می‌شود

این جشنواره از هفتم تا دوازدهم اسفندماه در پردیس ملت برگزار می‌شود

این جشنواره هم مانند تمام جشنواره‌های دیگر نیازمند بودجه است. بودجه‌ای که خود مسعود کیمیایی آن را برعهده گرفته است. حسین حیدری پور در مورد منابع مالی جشنواره می‌گوید: «آقای کیمیایی خودشان تمام هزینه‌های جشنواره را متقبل شدند و فیلم‌سازی با چنین سابقه‌ای جشنواره را برگزار می‌کند و تنها هدف ایشان دیده شدن یکسری هنرجوی جوان است. ما یک ریال دریافت مالی برای جشنواره نداشته‌ایم و کمک‌ها در بخش‌های مختلف بوده است از جمله مؤسسه تصویر شهر که پنج روز پردیس سینمایی ملت را در اختیار ما گذاشته‌اند و هم چنین تندیس‌ها، پوشش تصویری و جایزه که از سوی بخش خصوصی همچون آرتاک، سایت خبری هنرستان، چینتارپانه، تی‌وی پلاس و مؤسسه سیمای همراه تأمین شده است.»

جواد طوسی، سامان سالوار و پولاد کیمیایی به‌عنوان داوران این جشنواره در نظر گرفته شده‌اند و قرار است جایزه‌های بهترین فیلم داستانی، مستند، صلح و بین‌الملل به برگزیدگان اهدا شود. ورود عموم مردم برای حضور در این جشنواره که از ساعت ۱۰ تا ۹ شب در پردیس ملت برگزار می‌شود آزاد است و قرار است در مراسم اختتامیه علاوه بر تقدیر از فعالان علمی فرهنگی که در زمینه شعر و سینما به‌نوعی با آثار مسعود کیمیایی پیوند خورده‌اند، از سه فعال رسانه‌ای هم تقدیر شود.

حسین حیدری پور که در نقش دبیر ظاهر شده است گفت: «جشنواره از امروز ۸ اسفندماه در پردیس سینمایی ملت آغاز می‌شود و تا ۱۲ اسفندماه ادامه دارد. متأسفانه به دلیل تلافی با فیلم‌های صندئانه‌ای مجبور شدیم دو روز زمان برگزاری جشنواره را جلوتر ببندازیم و همین موضوع فشار زیادی را به ما وارد کرد. کلید این جشنواره از سال ۸۵ به‌صورت داخلی و با هنرجویان کارگاه آزاد زده شد و به مدیریت مسعود کیمیایی برگزار می‌شد. امسال جشنواره را ملی کردیم و تصور نمی‌کردیم در این زمان کم از ۱۵ آذرماه با حکمی که آقای کیمیایی به من دادند آغاز شد، چنین استقبال شود و بیش از ۳۰۰ اثر به دست‌مان برسد.»

چند اتفاق مهم در هفتمین جشنواره آزاد فیلم مسعود کیمیایی در جریان خواهد بود. اتفاق‌های مهم سینمایی که روند رو به رشد این جشنواره را تضمین می‌کنند. اولیسن اتفاق مهم، تقدیر از بهروز افخمی و فریماه فرجامی است. بهروز افخمی به‌عنوان یکی از اساتید کارگاه انتخاب شده است و فریماه فرجامی هم که سابقه طولانی در همکاری با مسعود کیمیایی دارد، انتخاب دیگر است. اما قرار بود از جشمسیدار جمند هم تقدیر شود که حال مساعدی ندارد و بر گزار کنندگان جشنواره امیدوارند که تا پیش از چهارشنبه حالش بهتر شود. در نشست خبری این دوره از جشنواره

از سال ۸۵ تا امروز هر سال دقیقاً در همین حوالی جشنواره کارگاه آزاد فیلم مسعود کیمیایی برگزار می‌شود. جشنواره‌ای که امسال بعد از گذشت ۷ سال به‌صورت سراسری و ملی برگزار می‌شود و یک هفته در اسفندماه بهترین فیلم‌های کوتاه ایرانی و خارجی در آن به نمایش درمی‌آید و برگزیدگان به انتخاب داوران انتخاب خواهند شد. جشنواره‌ای که روز اول آن با نمایش ۱۱ سکانس برگزیده از فیلم‌های قبل از انقلاب مسعود کیمیایی همراه شد و جواد طوسی تمام آن‌ها را بررسی کرد. یازده سکانس ماندگار سینمای کیمیایی برای علاقه‌مندان به او.

چند اتفاق مهم در هفتمین جشنواره آزاد فیلم مسعود کیمیایی در جریان خواهد بود. اتفاق‌های مهم سینمایی که روند رو به رشد این جشنواره را تضمین می‌کنند. اولیسن اتفاق مهم، تقدیر از بهروز افخمی و فریماه فرجامی است. بهروز افخمی به‌عنوان یکی از اساتید کارگاه انتخاب شده است و فریماه فرجامی هم که سابقه طولانی در همکاری با مسعود کیمیایی دارد، انتخاب دیگر است. اما قرار بود از جشمسیدار جمند هم تقدیر شود که حال مساعدی ندارد و بر گزار کنندگان جشنواره امیدوارند که تا پیش از چهارشنبه حالش بهتر شود. در نشست خبری این دوره از جشنواره

آقای کیمیایی

خودشان تمام

هزینه‌های

جشنواره را

متقبل شدند

و فیلم‌سازی با

چنین سابقه‌ای

جشنواره را

برگزاری کند

و تنها هدف

ایشان

دیده شدن

یکسری

هنرجوی جوان

است

کنسرت محمدرضا شجریان لغو شد

برنامه‌ریزی برای اجرای کنسرت محمدرضا شجریان از ماه‌ها پیش شروع شده بود تا فروردین ۹۴ در ارمنستان کنسرت اجرا کنند اما روز گذشته استاد موسیقی ایران با انتشار یادداشتی در صفحه شخصی خودش خبر از لغو کنسرت ارمنستان را داد؛ «ششم اسفندماه پزشک معالج‌موردی در ارم‌آراز آخرین مشاهده کرد که قاطعانه از من خواست سفر مرا لغو کرده تا برای شش تا هشت هفته بر نظر ایشان به‌همالجه و درمان مورد دیده شده بپردازیم و من نیز با اکراره مجبور به پذیرفتن آن شدم. بنابراین با همه تمهیدات و برنامه‌ریزی‌هایی که برای کنسرت دوازدهم فروردین ماه ۹۵ شهر ایروان ارمنستان انجام داده بودیم با پوشش‌خواهی از شما دوستان عزیزم، یادآور می‌شوم به خاطر وضعیت پیش آمده ناهنگام در تاریخ مقرر از دیدار با شما مهربانان محروم خواهیم بود. امیداست پوشش من را بپذیرید.»

جشنواره‌های برای حفظ محیط‌زیست

پنجمین جشنواره فیلم سبز، نه فقط یک جشنواره فیلم ساده که جشنواره‌ای برای فیلم‌هایی با موضوع محیط‌زیست است. مهدی توحیدپور، دبیر این جشنواره به این‌گونه می‌گوید: «فیلم‌های این دوره جشنواره در بیش از ۳۰ سال سینما در کشور نمایش داده می‌شود. باید در تمام کشور برای حفظ محیط‌زیست فرهنگ‌سازی کنیم. مدیران، مسئولان و مردم جوامع محلی می‌توانند در جشنواره فیلم سبز حضور داشته باشند و در کارگاه‌های آموزشی شرکت کنند.»

رسم هنر

هنرمندان تجسمی به استقبال نوروز رفتند

روز جمعه، در هیاهوی انتخابات و هیجان هنرمندانی که سینما را پسای صندوق‌های رای کشانده‌اند، نمایشگاهی از هنرهای تجسمی افتتاح شد که با آن می‌توان به صورت علنی گفت: هنرمندان تجسمی نخستین هنرمندانی بودند که به استقبال نوروز رفتند. مراسم افتتاحیه این نمایشگاه، هفتم اسفندماه برگزار شد و هنرمندان تجسمی دیگر نیز به مراسم افتتاحیه آمده بودند تا از آثار تازه هنرمندان خبردار شوند؛ اما منهای هنرمندان جوانی که آثارشان به دیوار شهر کتاب فرشته اوخته شده است، در این نمایشگاه آثار نقاشی، خط و مجسمه به‌زاد شیشه‌گران و عین‌الدین صادق‌زاده نیز به چشم می‌آید. البته نام این نمایشگاه را «اولین فروش سالانه هنرمندان تجسمی» گذاشته‌اند و نخستین مرتبه است که گالری فرشته، چنین برنامه‌ای را برگزار می‌کند و بنا دارد تا هر ساله در روزهای ابتدای اسفندماه با این نمایشگاه به استقبال بهار برود و از دوستداران همراهان همیشگی‌اش در این نمایشگاه سالانه تقدیر کند. مراسمی که می‌توان آن را پایان‌بخش سال هنری گالری فرشته دانست.

روز جمعه، در هیاهوی انتخابات و هیجان هنرمندانی که سینما را پسای صندوق‌های رای کشانده‌اند، نمایشگاهی از هنرهای تجسمی افتتاح شد که با آن می‌توان به صورت علنی گفت: هنرمندان تجسمی نخستین هنرمندانی بودند که به استقبال نوروز رفتند. مراسم افتتاحیه این نمایشگاه، هفتم اسفندماه برگزار شد و هنرمندان تجسمی دیگر نیز به مراسم افتتاحیه آمده بودند تا از آثار تازه هنرمندان خبردار شوند؛ اما منهای هنرمندان جوانی که آثارشان به دیوار شهر کتاب فرشته اوخته شده است، در این نمایشگاه آثار نقاشی، خط و مجسمه به‌زاد شیشه‌گران و عین‌الدین صادق‌زاده نیز به چشم می‌آید. البته نام این نمایشگاه را «اولین فروش سالانه هنرمندان تجسمی» گذاشته‌اند و نخستین مرتبه است که گالری فرشته، چنین برنامه‌ای را برگزار می‌کند و بنا دارد تا هر ساله در روزهای ابتدای اسفندماه با این نمایشگاه به استقبال بهار برود و از دوستداران همراهان همیشگی‌اش در این نمایشگاه سالانه تقدیر کند. مراسمی که می‌توان آن را پایان‌بخش سال هنری گالری فرشته دانست.

شده است، آثاری که روی دیوارهای سفید شهر کتاب چیده شده‌اند و در کنار آن‌ها می‌توان به آثار شیشه‌گران نیز سر زد. هنرمند نقاشی که می‌گوید: «قرن پرشتاب حاضر و در عصر سرعت و تکثیر، در پی آن هستم که نقاشی‌ام را از یک بار دیدن موضوع و آن را برای همیشه رها کردن، به بارها و بارها دیدن و هر بار متفاوت از بار پیش‌دین، برسانم. طوری که هر اثر، به تنهایی کامل و مستقل باشد و مجموعه آثار در کنار یکدیگر هم بیان جدید دیگری را به وجود آورند. این نوع تفکر، نزدیک به دو دهه است که فعالیت‌های هنری‌ام را زیر پوشش گرفته و به این وسیله خواسته‌ام پلی بین مردم، نقاشی و خردم بسازم. به این تعبیر که: اگر کسی از موضوع کار من خوشش آمد، بتواند صاحب یک تابلوی اصل از همان موضوع باشد (بدون این که نقاشی از یک موضوع در انحصار یک نفر درآید)؛ تصاحبی که امکان آن برای اقبال‌کم‌رآمد جامعه هم وجود داشته باشد.» شیشه‌گران این جملات را در گفت‌وگویی با مجله سروش به زبان آورده است، اما هنوز از این جمله‌ها فاصله نگرفته و از این که نقاشی‌هایش



با عضویت در کانال رسمی روزنامه سینما
سینما هر لحظه در دست شما

telegram.me/cinema_newspaper

روابط مرموز خرس و گربه

اکران گسترده جهانی در انتظار ازدها مانی حقیقی از نتایج نخستین حضور بین‌المللی فیلم‌اش گفت شروع سفرهای خارجی رؤیاهای دم‌صبح بعد از پرواز در برلین نگاه مهر داد اسکویی به موفقیت مستندش در آلمان تمامیت خواهی در رقابت‌های هنری، محلی از اعراب ندارد یادداشت محمد اطیبی درباره برلین ۶۶ و حضور لانتوری

پوشه
سینما
COVER STORY



دشوار یاب را مثال زد که با وجود ساختار روایی پیچیده‌شان، محبوب فستیوال‌ها شده‌اند ولی باید به این نکته مهم توجه کرد که داریم درباره فستیوال برلین حرف می‌زنیم. نگاهی به فهرست برندگان ایرانی برلین هم نشان می‌دهد که سادگی، صراحت و قابل درک بودن فیلم‌ها برای مخاطب خارجی، فصل مشترک اغلب برگزیدگان بوده است. در مورد فیلم خاصی چون «زدها» که پس از برلین سر از جشنواره‌های دیگر هم در خواهد آورد و اکران‌های جهانی را هم تجربه خواهد کرد، این مخاطب ایرانی است که بیش‌تر از مخاطب خارجی با سینمای غریب این فیلم ارتباط برقرار می‌کند و دست‌کم از آن سر درمی‌آورد.

نکته دیگری که معمولاً در ارزیابی میزان موفقیت فیلم‌های ایرانی در جشنواره‌های جهانی مورد توجه قرار نمی‌گیرد، کیفیت فیلم‌های دیگر است. در نظر گرفتن رقبا و توجه صرف به نمایندگان سینمای ایران و بالا بردن انتظارها، خیلی وقت‌ها حسی از سر خوردگی را به وجود می‌آورد؛ حس نامطلوب نادیده گرفته شدن و بی‌اعتنایی در حالی که خیلی وقت‌ها، فیلم‌های ایرانی در رقابت با فیلم‌های بهتری که در مسابقه یک فستیوال حضور داشته‌اند به شکلی طبیعی مورد توجه قرار نگرفته‌اند. در کنار این‌ها، حال و هوای جشنواره و ترکیب هیئت‌داوران را هم باید در نظر گرفت.

تحلیل مجموعه عواملی که به توفیق یا ناکامی یک فیلم می‌انجامد، گاهی ساده و گاهی کمی پیچیده است ولی وقتی موضوع بحث فیلمی پیچیده است، ساده‌تر می‌توان ناکامی‌اش در گرفتن جایزه را تحلیل کرد.

حس و گمان‌ها باید سراغ خود فیلم‌ها به عنوان «متن» رفت که مناسب‌ترین امکان را برای قضاوت فراهم می‌کنند و اگر متر و معیار سینما باشد، نمی‌شود توجه برلین به «لسی...» و «جدایی...» را به حوادث و رخداد‌های سیاسی گره زد. می‌توان پذیرفت که تصویر تازه و متفاوت از جامعه ایران، یکی از عوامل توجه به این فیلم‌ها بوده ولی داستان قطعاً تنها این نبوده و باید سهم قابل ملاحظه‌ای برای کیفیت ممتاز فیلم‌های فرهادی و روایت و ساختار سینمایی‌شان قائل شد. برلین در سال‌هایی که کن توجه و اعتنا بیش‌تر از سینمای ایران محروم کرد، محلی شد برای اثبات درخشش بین‌المللی سینمای ایران. فستیوالی که معمولاً با آغوش باز، فیلم‌های ما را پذیرا شده است. شاید به همین دلیل خیلی‌ها انتظار داشتند امسال هم نمایندگان سینمای ایران با دست پر از برلین بازگردند. بیش‌ترین انتظار هم از «زدها» وارد می‌شود» می‌رفت که در بخش اصلی برلین حاضر بود، فیلمی که هم نگاه سیاسی در آن به چشم می‌خورد و هم ساختار متفاوتی دارد. از سوی دیگر اما جایزه نگرفتن «زدها» در برلین منطقی به نظر می‌رسد، فیلمی با انبوهی از جاع به نکات فرامتنی که در کش برای مخاطب ایرانی هم خیلی آسان نیست، چه برسد به مخاطب خارجی که با بسیاری از نشانه‌ها و کنایه‌های موجود در فیلم حقیقی به کل بیگانه است. به عنوان یک اصل بدیهی و اولیه، داوران برای توجه نشان دادن یک فیلم، ابتدا باید از داستانش سر در بیاورند و وقتی این اتفاق رخ ندهد، خیلی نمی‌شود انتظار جایزه و توجه داشت. هر چند می‌توان انبوهی از فیلم‌های پیچیده و

غرابت «زدها» در برلین

سعید مروتی
دبیر سینمای ایران



میان سه جشنواره مهم و معتبر کن، برلین و ونیز، فستیوال برلین بیش‌ترین توجه را به سینمای ایران داشته است، جشنواره‌ای که به رویکرد پررنگ سیاسی-اجتماعی شهرت دارد و نسبت به متلاکن که نوآوری‌های هنری را بیش‌تر مورد توجه قرار می‌دهد یا ونیز که به فیلم‌های ساختار شکن و در مواردی هنجارشکن علاقه نشان می‌دهد، برلین فستیوالی چپ‌به‌نظر می‌رسد.

شاید به همین دلیل فیلم‌های رئالیستی ایرانی در برلین بیش‌تر از بقیه فستیوال‌های معتبر مورد توجه قرار گرفته‌اند. فراموش نکنیم که اولین موفقیت سینمای پس از انقلاب ایران در «برلین» با «دندان مار» کیمیا بی‌رقم خورد که تصویری واقع‌گرایانه از جامعه پس از جنگ ارائه می‌داد.

از ابتدای دهه ۹۰ و جایزه ویژه هیئت‌داوران به «دندان مار» تا امروز برلین محل مناسبی برای درخشش فیلم‌های اجتماعی سینمای ایران بوده است. در دوره‌هایی البته سیاست بر جنبه اجتماعی‌نگر فستیوال غلبه کرده و نمی‌توان انکار کرد که در مورد برخی برگزیدگان ایرانی برلین نکات فرامتنی به شدت تأثیرگذار بوده است.

از سوی دیگر، نباید نگاهی صفر و صدی به ماجرا داشت و مثلاً موفقیت‌های گسترده «در باره‌الی» و «جدایی نادر از سیمین» را هم با نگاه سیاسی تفسیر کرد. جای



پست جذاب از ما لایک از شما
اینجاست که هوای هم را داریم
فقط کافی است در اینستاگرام ما را فالو کنید

36K instagram.com/cinemanewspaper



مانی حقیقی در گفت‌وگو با «سینما» از نتایج نخستین حضور بین‌المللی فیلم‌اش گفت

اکران گسترده جهانی در انتظار

دورایت از حضور «اژدها وارد می‌شود» در جشنواره برلین

وارد می‌شود» در برلین توانست منجر به نگارش نقدهای مختلفی در رسانه‌های آلمانی زبان و انگلیسی زبان شود. از جمله نقدهایی که درباره این فیلم ایرانی نوشته شد، می‌توان به متنی اشاره کرد که در اسکرین دپلی به قلم لی مارشال انتشار پیدا کرد.

بخش‌هایی از نقد اسکرین‌دپلی به این شرح است: «گاهی بعضی فیلم‌ها همان قدر که تأثیر گذارند، گنج‌کننده هم هستند. پنجمین فیلم مانی حقیقی «اژدها وارد می‌شود» چنین فیلمی است: یک قصه کارآگاهی فرانسیماتیگ که قصه‌اش در دهه ۱۹۶۰ در ایران اتفاق می‌افتد و از جاذبه‌های فرهنگی و رئالیسم جادویی در آن به چشم می‌آید. فیلم متأثر از فضای ترس و پارانوایی است که رژیم سرکوب‌گر شاه بر کشور حاکم کرده بود. جلوه‌گری و خودنمایی سبک در فیلم گاهی بیننده را از قصه اصلی دور می‌کند و احتمالاً اگر از ۱۰ مخاطب مختلف فیلم پرسیم قصه فیلم چه بود، ۱۰ پاسخ متفاوت می‌شویم. این‌که آیا پیچیدگی روایت به نظر مخاطبان که تماشاگر سینمای هنری در خارج از ایران هستند، لطمه‌ای می‌زند یا نه، هنوز مشخص نیست اما بی‌شک باید اقرار کرد که این فیلم، خوش‌رنگ‌و لعاب‌ترین و از منظر بصری جذاب‌ترین فیلم مانی حقیقی تا به این جاست. پرسش اصلی این فیلم مضطرب، پریار و البته شگفت‌انگیز، پرسش از تغییر مرز میان واقعیت و قصه است و شاید هم تمثیلی از ایران و وقایع تاریخی، فرهنگی که در تاریخ معاصر این کشور اتفاق افتاده است. شاید هم بتوان گفت این کنایه‌ها در وجود «اژدها» بی‌مجسم می‌شود که نام فیلم هم به آن اشاره دارد، همان اژدهایی که قدرت دارد مردهای قصه را به حرف زدن به زبانی دیگر وادار کند.»

توجه‌ها به این فیلم در جریان نشست مطبوعاتی فیلم و در ادامه گفت‌وگوهای متعددی که با سازندگان آن صورت گرفت، ادامه پیدا کرد. از جمله این موارد می‌توان به گفت‌وگویی اشاره کرد که رویترز با مانی حقیقی ترتیب داد. در این مصاحبه که ترکیبی از تحلیل نویسنده و گفت‌وگوکننده و نظرات مانی حقیقی بود، برداشت‌هایی از «اژدها وارد می‌شود» مطرح شد. از جمله این موارد ژانرهایی بود که در فیلم مورد توجه قرار گرفته بود. روایت حقیقی از پرداخت ژانرهای مختلف در فیلمش به این ترتیب بود: «یده‌ایسن بود که (فیلم را) شلوغش کنیم و ببینیم چه‌طور پیش می‌رود. همین‌طور که جلو می‌رفتم متوجه شدم که شاید یک ژانر کافی نباشد و می‌شود همان چیز همیشگی حوصله‌سیر. پس اگر ژانر علمی-تخیلی، چیزهای پارانوئیس مدل «پرونده‌های آکس» را با فیلیپ مارلو، کارهای کارآگاهی داشیل همت و ژول ورن و تن‌تن و ایندیانا جونز و بعد هم کمی فیلم ایرانی و رنگ‌و لعاب محلی مخلوط کنید، چه می‌شود؟ ایده این بود که از نظر ترکیب ژانرها، فیلم را تاجای ممکن پیچیده کنیم.»

«اژدها وارد می‌شود» تنها نماینده سینمای ایران در بخش اصلی شصت‌وششمین دوره جشنواره برلین بود؛ فیلمی با ساختاری متفاوت که نمایش آن در جریان جشنواره فیلم فرانسوا توانست توجه منتقدان و مخاطبان را به خود جلب کند و هم‌چنین در ادامه راه، سازندگان راهی برلین شدند تا نخستین حضور جهانی فیلم از آلمان آغاز شود.

مانی حقیقی: سفر به برلین دستاوردهای مهمی داشت

«اژدها وارد می‌شود» ساخته مانی حقیقی در بخش اصلی جشنواره برلین به نمایش درآمد و با دیگرو فیلم‌های حاضر در این قسمت از جشنواره به رقابت پرداختند. فیلم حقیقی در جریان این رقابت هر چند که نتوانست جایزه‌ای به دست آورد، اما سازندگان فیلم با دست‌خالی از برلین به تهران بازنگشتند، بلکه عقد قراردادهایی برای اکران فیلم در کشورهای مختلف، امکانی ویژه بود بر سر راه اژدهای ایرانی.

حقیقی در گفت‌وگویی با روزنامه سینما درباره نمایش «اژدها وارد می‌شود» در برلین می‌گوید: «سفر به برلین و حضور در جشنواره برلین سفر بسیار مهمی برای من بود و اتفاقاً این سفر دستاوردهای مهمی هم به همراه داشت.» او این دستاوردها را چنین تشریح می‌کند: «از جمله مهم‌ترین نتایج نمایش فیلم در برلین این بود که تعداد بسیار زیادی از بخش‌کنندگان معتبر از طریق بخش‌کننده اصلی فیلم مج فکتوری، حقوق اکران عمومی این فیلم را خریدند.» شرکت‌هایی از کشورهای ژاپن، ایتالیا، لهستان، فرانسه، کشورهای منطقه بالتیک، سوئیس، ترکیه، استرالیا و نیوزلند و هم‌چنین بخش‌کننده در منطقه خاورمیانه حق بخش فیلم را خریدند و این فیلم در این مناطق امکان نمایش عمومی خواهد داشت. این اتفاقی تازه برای سینمای ایران محسوب می‌شود که یک فیلم به واسطه نمایش در یک جشنواره چنین فرصتی برای نمایش عمومی در کشورهای مختلف به دست می‌آورد.

نمایش‌های جشنواره‌ای فیلم هم به زودی آغاز خواهد شد. اکران بعدی فیلم در جشنواره هنگ‌کنگ است که اوایل فروردین شروع می‌شود و بعد از آن بازار رقابت‌های جهانی گرم خواهد شد.

اکران فیلم‌های ایرانی در سایر کشورها اتفاقی است که در سال‌های اخیر در معدود مواردی دیده شده است و اتفاقاً در همین معدود موارد فیلم‌هایی بوده‌اند که در اکران جهانی به فروش خوبی دست یافته‌اند. «پذیرایی ساده» به کارگردانی مانی حقیقی از جمله فیلم‌های ایرانی بود که در سطح بین‌الملل هم به نمایش درآمد و در کشورهایی چون آمریکا، سوئیس، اتریش و آلمان به نمایش درآمد. اما نمایش «اژدها

تحلیل کارشناس سینما و مدیر بخش «لانتوری» از برلین شمت و شش

تمامیت‌خواهی در رقابت‌های

هنری، محلی از اعراب ندارد

محمدطایبی



تردید نیست که سه جشنواره کن، برلین و ونیز مهم‌ترین و تأثیرگذارترین جشنواره‌های فیلم در دنیا بوده و سینمای ایران نیز هم‌چون دیگر سینماهای کشورهای مختلف به دنبال حضور تولیدات خود در این سه رویداد سینمایی بوده است.

جشنواره فیلم ونیز که عنوان قدیمی‌ترین جشنواره فیلم جهان را نیز دارد از سال ۱۳۱۱ آغاز به کار کرده و تاکنون ۷۲ دوره را برگزار کرده است. جشنواره فیلم کن از سال ۱۳۲۵ کار خود را شروع کرده و تاکنون ۶۸ دوره را پشت سر گذاشته است. اسکار مارتی، یک مقام ارشد آمریکایی در سینما، در سال ۱۳۲۹ پیشنهاد برگزاری یک جشنواره فیلم را در برلین جنگ‌زده و دوباره شده در میان شرق و غرب داده و اولین دوره آن از ۱۳۳۰ فعالیت خود را جهت به رخ کشیدن جهان آزاد غرب آغاز می‌کند که تاکنون ۶۶ دوره را برپا داشته است. سینمای ایران در اولین حضور خود در سال ۱۳۴۰ با فیلم کوتاه «کورس کبیر» ساخته مصطفی فرزانه در جشنواره کن حضور یافت. اولین حضور سینمای ایران در جشنواره فیلم ونیز در همین سال ۱۳۴۰ با فیلم «یک آتش» ساخته ابراهیم گلستان شکل گرفت. امابریلین زودتر از دورویناد رقیب خود برای نخستین بار در سال ۱۳۳۷ میزبان یک فیلم ایرانی، «شب‌نشینی در جهنم» ساخته مشترک ساموئل خاچیکیان و موشق سروری بود.

این سه جشنواره جهانی، سینمای ایران را همواره دنبال کرده و فیلم‌ها و فیلم‌سازان مختلفی از ایران را به جهانیان معرفی کرده‌اند. جشنواره فیلم کن در ۱۵ سال گذشته، ۲۱ فیلم ایرانی را در بخش‌های مختلف خود به نمایش درآورده و ۱۴ جایزه نیز به این آثار تعلق گرفته و ۱۴ داوری نیز توسط سینماگران ایرانی و ایرانی‌تبار در کن رقم خورده است. جشنواره فیلم ونیز در ۱۵ سال اخیر، ۳۲ حضور برای فیلم‌های ایرانی فراهم کرده که حاصل آن ۱۶ جایزه بوده و هفت داوری سینماگران ایرانی در این رویداد ثبت شده است؛ اما جشنواره فیلم برلین در مدت ۱۵ سال گذشته، ۴۹ حضور، ۲۲ جایزه و هفت داوری برای سینمای ایران به ار مغفان داشته است. به عبارتی دیگر، جشنواره فیلم برلین در ۱۵ سال اخیر، ۳۵ درصد بیش تر از کن و ونیز از سینمای ایران فیلم انتخاب کرده حدود ۳۰ درصد بیش تر به فیلم‌های ایرانی جایزه داده است. در طول ۱۵ سال اخیر، جشنواره کن در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۳ هیچ فیلمی از ایران نداشته و جشنواره ونیز در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶ و جشنواره برلین تنها در سال ۱۳۸۵ هیچ فیلمی از ایران انتخاب نکردند و لذا در سال ۱۳۸۵، سینمای ایران هیچ فیلمی در هیچ یک از سه جشنواره معتبر جهان نداشته است.

جشنواره فیلم کن در سه دهه اخیر نمایندگان خود را برای بازبینی فیلم‌های ایرانی به جشنواره فیلم فجر گسیل داشته و در چند سال اخیر نیز محمد حقیقت به مدیران این جشنواره، درباره سینمای ایران مشاوره می‌دهد. در سال‌های مدیریت ژیل ژاکوب در جشنواره کن، حضور فیلم‌ها و سینماگران ایرانی در این رویداد چشمگیر تر بوده و در سال‌های دبیری تیری فرمو، جشنواره کن اقبال کم‌تری به سینمای ایران نشان داده است. جشنواره فیلم ونیز هم در دو دوره مدیریت آلبرتو باربرا، (از سال ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۲ و از سال ۱۳۹۰ تاکنون) همواره سینمای ایران از مورد توجه قرار داده است، هر چند این توجه در دوران مدیریت مارکو مولر (از سال ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۰) رو به افول گذاشت. بانک کریمی در دوره مدیریت مارکو مولر به عنوان نماینده جشنواره فیلم ونیز برای سینمای ایران فعالیت داشت و محمدطایبی نیز از سال ۱۳۹۰ تاکنون به این مهم پرداخته است.

اما جشنواره فیلم برلین که تا سال‌ها به واسطه هم‌زمانی برگزاری با جشنواره فیلم فجر، کم‌تر به فیلم‌های جدید ایرانی دست‌پدیده می‌کرد، با آغاز مدیریت دیتر کلسلیک از سال ۱۳۸۱، همه‌ساله نماینده‌های را در آرمه‌ها به ایران فرستاده تا جدیدترین فیلم‌های ایرانی را پیش از همه رقبای خود مورد بازبینی قرار داده و به همین دلیل در دوره ۱۵ ساله مدیریت کلسلیک، جشنواره برلین، ۵۱ فیلم ایرانی را در این رویداد به نمایش در آورده است. مدیر جشنواره برلین چنان اهمیت راهبردی برای سینمای ایران قائل است که در اولین سفر بسیار جام‌بهت دیپلماتیک و اقتصادی آلمان به ایران، در میان مقامات بلندپایه کشور خود در تهران حضوری سمبلیک دارد.

در همین راستا، اسماعیل شاهد حضور چهار فیلم ایرانی در بخش‌های مختلف جشنواره برلین بوده که در سال‌های اخیر چنین موفقیتی را در هیچ جشنواره‌ای با اهمیت برلین نداشته‌ایم. حتی چهار سینماگر دیگر ایرانی نیز فیلم‌های تولید دیگر کشورها در برلین ۲۰۱۶ حضور داشته تا هشت سینماگر ایرانی به نمایش آثار خود در برلین بپردازند.

صرف‌همن حضور، موفقیتی شایان توجه برای سینمای ایران را آغاز سال میلادی است و استقبال از هر چهار فیلم در نمایش‌های عمومی خود، شهادتی دیگر بر این مدعا. غالب نقدها و واکنش‌ها به چهار فیلم ایرانی مثبت و ششماری اظهار نظر مبنی بر عدم موفقیت فیلم‌های ایرانی در کسب جوایز بی‌تردید فرافکنی است. فیلم «رؤیاهای مصبح» مهر داد اسکویی که جایزه دریافت کرد در فیلم «لانتوری» هم در بخشی غیر رقابتی به نمایش درآمد بود. از سوسویی دیگر مگر قرار است در هر حضوری در جشنواره‌های فیلم، جایزه‌های آن رویداد به فیلم‌های ایرانی تعلق گرفته و در صورت عدم دستیابی به جایزه‌ای، آن را شکست تلقی کنیم. این تمامیت‌خواهی در رقابت‌های هنری، محلی از اعراب ندارد و دیگر نباید به ضرب المثل قدری ژاد پرستانه «هنر نزد ایرانیان است و پس» دل‌بستا؛ بیش از چهار فیلم بلند سینمایی به جشنواره فیلم برلین از سراسر جهان ارائه شده و در پایان تنها ۱۵۰ فیلم مورد گزینش قرار گرفته که سهم سینمای ایران چهار عنوان بوده است و باید از این بابت بسیار خوشحال بود. تنها ذکر یک نکته که هر چهار فیلم ایرانی حاضر در جشنواره فیلم برلین توسط بخش خصوصی و بدون حمایت‌های نهاد‌های رسمی و دولتی تولید و توسط بخش خصوصی حوزه بخش بین‌الملل به جشنواره برلین راه پیدا کرده و متأسفانه هیچ‌یک از وعده‌های مدیران سینمایی جهت حمایت از این حضورها و سینماگران، به سباق تمامی سال‌های اخیر، رنگ واقعیت به خود نگرفت.



پشتیبانی ما، مان حقیقی
Mahan Air

نگاه مهر داد اسکویی به موفقیت مستندش در آلمان

شروع سفرهای جهانی رؤیاهای دم صبح بعد از پرواز در برلین

تور جشنواره‌های مستند موفق اسکویی در راه است



مهرداد اسکویی با مستند «رؤیاهای دم صبح» توانست تنها جایزه سینمای ایران را از شصت و ششمین دوره جشنواره برلین به دست بیاورد. جایزه‌ای که فقط یک شروع برای اتفاقات خوشایندی است که پیش روی این فیلم مستند قرار گرفته است. به گفته اسکویی بعد از حضور در این رویداد سینمایی، مجموعه نمایش‌های فیلم در جشنواره‌های مختلف آغاز خواهد شد. موفقیت‌هایی که بر سر راه فیلم قرار گرفته است با حضور در جشنواره‌هایی چون هات داکس و تسالونیک ادامه خواهد یافت.

این فیلم‌ساز توانست جایزه عفو بین‌الملل را با مستند «رؤیاهای دم صبح» از آن خود کند، جایزه‌ای با اهمیت در سطح بین‌الملل که توانست از آن سینمای ایران شود. نه فقط داوران این بخش بلکه منتقدان و نویسندگان نشریات مختلف خارجی در جریان نمایش این مستند متن‌هایی درباره این فیلم نوشتند و اتفاقاً علاوه بر موضوع، نوع پرداخت آن را هم مورد توجه قرار دادند. بخشی از نقد هالیوود ریپورتر در مورد فیلم اسکویی به این شرح است: «اعتبار مهرداد اسکویی، در مقام یکی از بهترین مستندسازان ایران فیلم به فیلم پیش‌تر می‌شود. «رؤیاهای دم صبح» (که در ترجمه انگلیسی‌اش با عنوان رؤیای بی‌ستاره ترجمه شده) در یک دارالادب مخصوص دختران بز هکتر فیلم برداری شده تا مثالی باشد برای اثبات قدرت بی‌همتای سادگی که با ظرافت به موضوع فیلم پیوند خورده است. این مستند داستانی بدون تکرار یا فوت وقت، مستقیماً به هدف می‌زند و نشان می‌دهد که اعتیاد، فقر و آزار جنسی چگونه به شکلی هول‌آور زندگی این دختران جوان را نابود کرده است. همین چندی پیش بود که فیلم، جایزه بهترین کارگردانی را از جشنواره فیلم فجر به دست آورد. جهانیان در جشنواره فیلم برلین به فیلم تعظیم کردند و حالا می‌توان به انتظار نشست و شاهد گشت و گذار موفقیت‌آمیز فیلم در جهان بود. گروه کوچک فیلم‌بردار مهرداد اسکویی که همگی مرد بودند، ۲۰ روز را در این دارالادب گذراندند و با دختران جوانی صحبت کردند که تکان‌دهنده‌ترین احساسات‌شان و حقایقی از زندگی خود را مقابل دوربین افشامی‌کنند. شخصیت سرزنده این دختران جوان با نمایش جزئیاتی چون خالکوبی‌های ارزان قیمت، دندان‌های افتاده و حرکات عصبی و تندشان در مقابل چشمان تماشاگر زنده می‌شود. هم‌چون فیلم بسیار موفق «از پس برقع» اسکویی همواره در کنار دوربین می‌ایستد و سوالات زیادی را مطرح می‌کند و ولسی او زمانی طولانی را صرف گوش کردن به سخنان زانی می‌کند که صادقانه و از ته قلب با او صحبت می‌کنند. زمانه‌ردی از پیری بر چهره‌های آن‌ها نشاندهنده هم‌چنان که یکی از همین دخترهای نوجوان می‌گوید: «روزگار من را پیر کرده.»

اسکویی که تاکنون سابقه حضور در جشنواره‌های جهانی متعددی را داشته است، با «رؤیاهای دم صبح» توانست تجربه تازه‌ای را از سرگرداند. تجربه‌ای که روایت اسکویی از آن به این شرح است: جشنواره برلین ابعاد گسترده‌ای دارد و اولین نکته‌ای که در مورد این جشنواره جلب توجه می‌کند این است که به‌عنوان مثال در بخشی که فیلم خود من حضور داشت مستند و داستانی از هم تفکیک شده نبودند. عملاً فیلم خود من با آثاری داستانی رقابت می‌کرد. من تجربه حضور در جشنواره بزرگ مستند جهانی را دارم و بر این اساس می‌توانم تأکید کنم نوع دیده شدن فیلم‌ها در جشنواره برلین بسیار متفاوت‌تر از سایر جشنواره‌هاست. اگر فیلمی در این جشنواره دیده شود و نقدهای مثبتی درباره آن نوشته شود، فضای بسیار خوبی برای حضورهای جهانی آن باز می‌شود. نکته این جاست که جشنواره برلین فضای مناسبی برای تجارت فیلم‌ها نیز فراهم می‌کند، به این ترتیب که فیلم‌ها وقتی در برلین مورد توجه قرار می‌گیرند و جایزه دریافت می‌کنند یا نقدهای مثبتی درباره‌شان نوشته می‌شود، امکان به دست آوردن بازارهای جهانی را نیز دارند و همین موضوع است که سبب می‌شود فضای خوبی برای فیلم‌های موفق حاضر در این جشنواره فراهم شود. خوشبختانه توجه‌هایی که به «رؤیاهای دم صبح» صورت



به گفته دانیل لوی، داوران جشنواره بعد از تماشای این فیلم همه متفق‌القول شدند که باید جایزه عفو بین‌الملل به این فیلم تعلق پیدا کند و در نهایت از میان ۴۴۵ فیلم جشنواره جایزه مشترک عفو بین‌الملل به «رؤیاهای دم صبح» و «آتش در دریا» رسید. ویکتور کازاکوفسکی به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین مستندسازان جهان به دیدن فیلم نشست و بعد از پایان فیلم در حالی که مخاطبان مشغول تشویق فیلم بودند، او من را در آغوش گرفت و برای ساخت فیلم به من تبریک گفت. هم‌چنین فرانکو روسی که جایزه اصلی جشنواره را دریافت کرد، وقتی من را دیدم از من درباره موضوع پرسید و ابراز علاقه کرد که حتماً «رؤیاهای دم صبح» را ببیند.

خبرنگار دوپچه وله وقتی خواست با من صحبت کند به این نکته تأکید کرد که فیلم را با خانواده دیده و آن را فیلمی دوست‌داشتنی و تکان‌دهنده از زیبایی می‌کند. به گفته برخی از منتقدان و نویسندگان که در آن جا فیلم را دیدند، به واسطه فیلم، مخاطبان آرام آرام وارد فضای زندگی و درون این دخترهای می‌شوند و ماجرای این دختران قصه‌ای است که تا حالا شنیده نشده است. با وجود آن که فیلم ما در بخش نسل نو جایزه نگرفت، اما داوران این بخش اعلام کردند تدوین، صدابرداری و موسیقی و تصویربرداری فیلم هم بسیار چشمگیر است. این که یک فیلم مستند از ایران بتواند در بخش‌های فنی جلب توجه کند، نکته مهمی برای یک فیلم است. وقتی فیلم مستندی که ساخته‌ام در یک جشنواره سری الف در کنار ۱۴ فیلم داستانی در رقابت قرار می‌گیرد و بین ۴۴۵ فیلم حاضر در جشنواره با یک فیلم دیگر جایزه عفو بین‌الملل را به‌صورت مشترک می‌گیرد، به من ثابت می‌شود سینمای مستند ما به رشد و بلوغ رسیده است و در آینده اتفاقات بسیار خوبی برای مستند خواهد افتاد.

به گفته این مستندساز، حضورهای جهانی فیلم با جایزه‌های که به زودی از جشنواره «حقیقت و دروغ» در آمریکا دریافت خواهد کرد ادامه می‌یابد. این جشنواره تاکنون ۱۲ تندیس خود را به مستندسازان اهدا کرده که از این ۱۲ مستند، ۱۰ آن‌ها بر گزیده بخش اسکار بوده است. امسال این تندیس به دستان مهرداد اسکویی سپرده خواهد شد.

جشنواره مستند هات داکس، جشنواره مستند خاورمیانه، تسالونیک و جشنواره مستند در مرکزیکاز دیگر برنامه‌های پیش روی «رؤیاهای دم صبح» است.



مروری بر حضورهای جهانی مستندهای مهرداد اسکویی



ایتالیا، ۲۰۰۰. جایزه بزرگ هیئت‌داوران از جشنواره بین‌المللی فیلم EVERY، فرانسه، ۲۰۰۲ و جایزه بهترین فیلم مستند از جشنواره بین‌المللی فیلم ZIFF و تکتور کانا، ۲۰۰۴

فیلم مستند «رو به جایی دور» نیز دو جایزه مهم دریافت کرده است، جایزه خرس نقره‌ای از جشنواره فیلم EBENSEE اتریش، ۲۰۰۲ و جایزه نخست فیلم مستند از جشنواره بین‌المللی فیلم VOLADERO، مکزیک، ۲۰۰۳

فیلم دیگر او «از پس برقع» مجارستان، لهستان و کانادا جایزه گرفته است که شرح آن‌ها به این صورت است:

جایزه بزرگ ازدهسای طلایی از جشنواره بین‌المللی فیلم CRACWO، کراکوف، لهستان، ۲۰۰۵. جایزه ویژه هیئت‌دوران از جشنواره بین‌المللی MEDIA WAVE، مجارستان، ۲۰۰۶

و جایزه بزرگ هیئت‌دوران از نخستین جشنواره بین‌المللی حقوق بشر، مونترال، کانادا، ۲۰۰۶

اما فیلم مستند «روزهای بی‌تقویم» که یکی از درخشان‌ترین آثار کارنامه اوست. این فیلم جایزه ویژه هیئت‌دوران از سومین جشنواره بین‌المللی فیلم مستند کنکاتاکرا این، کیف، اکراین، ۲۰۰۷. جایزه دوم بهترین فیلم مستند از جشنواره بین‌المللی فیلم TRI-CONTINENTAL، دهلی نو، هند، ۲۰۰۸. جایزه بهترین فیلم مستند میان مدت از جشنواره بین‌المللی فیلم مستند HOT Docs، تورنتو، کانادا، ۲۰۰۸. کاندیدای بهترین فیلم مستند در بخش Jhon Grierson Award، از جشنواره بین‌المللی SHEFFIELD، انگلستان، ۲۰۰۸. جایزه ویژه هیئت‌دوران از جشنواره بین‌المللی MedFilm، ایتالیا، رم، ایتالیا، ۲۰۰۸. جایزه ویژه هیئت‌دوران از ششمین جشنواره بین‌المللی فیلم مستند Planet Doc، روم، لهستان، ۲۰۰۹. جایزه بهترین فیلم مستند در بخش DocU Award، از بیست و چهارمین جشنواره بین‌المللی فیلم مستند آمستردام (IDFA)، هلند، ۲۰۱۱. جایزه

فیلم مستند «رؤیای دم صبح» از جمله کارهای اسکویی بود که توجه جشنواره‌های جهانی را به خود جلب کرد. این فیلم جایزه بهترین کارگردانی، تصویربرداری و موسیقی را از نهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مستند سینما حقیقت دریافت کرد که در سال جاری در ایران برگزار شد.

او برای فیلم مستند «در تاریخ او» نیز دیپلم افتخاری از جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه CIAFF، کانادا، ۱۹۹۱ گرفت. همین فیلم، لوح افتخار رست گالن را هم از جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه UNICA که در سال ۱۹۹۲ در سوئیس برگزار شد، دریافت کرد.

اسکویی جایزه بهترین عکس را برای فیلم «ما هم برای همیشه» از جشنواره بین‌المللی فرهنگی-تربیتی یونسکو که در سال ۱۹۹۵ در ژاپن برگزار شد، به‌خود اختصاص داد.

فیلم «از بهشتی که می‌آیم» او نیز دیپلم افتخاری را از هفدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه WARSAW، روم لهستان، در سال ۱۹۹۹ به دست آورد.

فیلم مستند «وژگیران» نیز نام اثر دیگر اوست که در سال ۲۰۰۰ تندیس طلای بخش بین‌الملل را از جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه سینمای جوانان ایران از آن خود کرد. همین فیلم در سال ۲۰۰۳ جایزه خرس نقره‌ای را از جشنواره فیلم EBENSEE، اتریش، ۲۰۰۳ به دست آورد. هم‌چنین جایزه دوم بهترین فیلم مستند از جشنواره بین‌المللی فیلم VOLADERO، مکزیک، ۲۰۰۴ نیز افتخار دیگری بود که برای این فیلم کسب شد.

فیلم مستند «خانه مادری ام مراب» نیز از فیلم‌هایی است که جایز

زیدی کسب کرده است. این درخشش‌ها عبارت‌اند از:

جایزه خرس نقره‌ای از جشنواره بین‌المللی فیلم EBENSEE، اتریش، ۲۰۰۰. جایزه بزرگ هیئت‌دوران از جشنواره بین‌المللی فیلم MAREMMA doc، ایتالیا، ۲۰۰۰. جایزه بهترین فیلم از نگاه تماشاگران از جشنواره بین‌المللی فیلم MAREMMA doc



آزدها

من و مانی حقیقی هر فیلمی را که می‌دیدیم به این فکر می‌کردیم که جایزه می‌گیرد یا نه. مانی حقیقی وقتی فیلم «آتش در دریا» را دید، گفت همین خرس طلایی را می‌گیرد. بعد از آن مستند است و بعد از آن جایزه بگیرد اما مانی معتقد بود اثری در رخشان است و داوران به آن توجه خواهند کرد. چند روز بعد فیلم آخر آقای توماس وینتربرگ را دیدیم که خیلی فیلم خوب و خاصی بود و من گفتم فیلمی که خرس طلایی را ببرد، همین است اما مانی هم چنان سر حرفش بود.

روز پنج‌شنبه نمایشی را برای منتقدان صورت دادند اما مطابق قانون، عوامل اثر نباید به تماشای آن می‌رفتند. جمعه صبح، نوبت نمایش فیلم برای خبرنگاران بود. زمانی که خبرنگاران داشتند آن فیلم را می‌دیدند، گروه وارد کاخ جشنواره می‌شد و آن وقت تعدادی از شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی که روز قبل فیلم را دیده بودند با کل عوامل گفت‌وگوهایی را صورت می‌دادند.

بعد از نمایش فیلم، کنفرانس مطبوعاتی داشتیم و از برآیند استقبال‌ها این‌طور متوجه شدیم که منتقدان نیز خوش‌شان آمده است و مردم عادی هم همین‌طور. بی‌اغراق می‌توان گفت جو خوبی در مورد این فیلم در برلین حاکم بود. در سالن کنفرانس از اثر تعریف کردند و می‌گفتند این فیلم، شبیه آثار آقای کیارستمی یا آقای فرهادی نیست. این موضوع خیلی برای آنان جالب بود. نقدهایی که آن زمان در مطبوعاتی مثل هالیوود ریپورتر، اسکرین دیلی و... هم چاپ شد، مثبت بود.

جمعه شب نمایش اصلی و به اصطلاح بر میر فیلم بود که روال کار به این شکل بود که عوامل فیلم‌ها در فرش قرمز به میزبانی رئیس جشنواره، آقای دیتر کاسلینگ شرکت کردند و آن‌جا هم گفت‌وگوهایی انجام شد. این مراسم شب انجام شد و عکس‌هایی که ظهر گرفته شده بود به دیوار نصب بود. در این آیین هر یک از عوامل در جای مخصوص خود نشستند و یک معرفی کوتاه صورت گرفت و بعد فیلم به نمایش درآمد.

شب بعد از اختتامیه هم من با خانم مریل استریپ یا آقای کلایو اون که جزو داوران بودند، صحبت کردم و خیلی فیلم را دوست داشتند و از فیلم برداری، موسیقی، طراحی صحنه و کارگردانی خیلی تعریف کردند و در کل می‌گفتند تماشای چنین فیلمی از سینمای ایران برای آنان عجیب بوده است.

سفری ایمن و مطمئن با ماهان
www.mahan.aero

نگاهی به رویکرد فستیوال برلین در قبال سینمای ایران

روابط مرموز خرس و گربه



علی مسعودی‌نیا
دبیر و برنامه‌نامه

مازیار میری، منیژه حکمت، رضا درمیشیان، مانی حقیقی، مجید مجیدی و اصغر فرهادی در این فستیوال حضور داشته‌اند و حتی توانسته‌اند جایزه بگیرند و طبیعتاً این فیلم‌سازها رویکردهای مضمونی، ساختاری و ایدئولوژی سیاسی هم‌سنگ و همانندی ندارند. این ایده احتمالاً بیش تر به مناسبات فیلم‌سازان حاضر در ادوار مختلف برلیناله با سیاست‌گذاران فرهنگی ایران ارتباط دارد. هر چند که در مورد برخی فیلم‌های تقدیر شده در این فستیوال نمی‌توان منکر غلبه اعتبار سیاسی بر کیفیت سینمایی شد.

«لاک‌پشت‌ها هم پرواز می‌کنند» در سال ۲۰۰۵ توانست بالاخره طلسم سینمای کودک و نوجوان را بشکند و از این بخش جایزه دریافت کند. سال بعد هم «آفساید» موفق به کسب جایزه ویژه هیئت‌داوران شد. نخستین جایزه بازنگری ایران در برلین در سال ۲۰۰۸ نصب رضاناچی شد برای نقش آفرینی‌اش در «آواز گنجشک‌ها». بعد نوبت به اصغر فرهادی رسید که در سال ۲۰۰۹ خرس نقره‌ای بهترین کارگردانی را برای فیلم «درباره‌الی» دریافت کند. دو سال بعد باز هم اصغر فرهادی توانست بهترین حضور تاریخ سینمای ایران در فستیوال برلین را به نام خود و فیلم «جدایی نادر از سیمین» ثبت کند. خرس طلای بهترین فیلم، خرس نقره‌ای بهترین بازیگر زن و خرس نقره‌ای بهترین بازیگر مرد، دو موفقیت بعدی سینمای ایران باز هم نصیب جعفر پناهی شد با فیلم‌نامه «برده» و فیلم «تاکسی».

امسال سینمای ایران با چهار نماینده در جشنواره برلین حضور داشت و البته در کسب جایزه چندین موفق نبود. تنها یک جایزه در بخش مستند نصیب سینمای ایران شد. باین‌حال مرور تاریخی این جشنواره نشان می‌دهد که همیشه در بخش‌های مختلف‌اش پذیرای سینمای ضدجریان و متفاوت ایران بوده است و چه در بخش‌های اصلی و جنبی و چه در فرم توانسته جایگاهی باشد برای عرضه و معرفی فیلم‌ها و فیلم‌سازان ایرانی.

بیل و سرخ بوستان یا درس تاریخ گاو نشسته» ساخته «اربرت آلمن» از کسب خرس طلایی بازماند. بعد از این موفقیت‌ها تا ۱۱ سال در این فستیوال غایب بودیم. در سال ۱۹۸۷ «جاده‌های سرد» مسعود جعفری جوزانی در بخش اصلی حضور یافت که موفقیتی کسب نکرد. «کلید» و «ماهی» در دوران رونق سینمای کودک و نوجوان ایران در همین بخش فستیوال برلین حاضر شدند و آن‌ها هم نتوانستند نظر داوران را جلب کنند؛ اما در ابتدای دهه ۹۰ فیلم «دندان‌مار» ساخته مسعود کیمیایی طلسم راشکست و توانست نخستین فیلمی باشد که پس از انقلاب اسلامی از برلیناله جایزه می‌گیرد. جایزه ویژه هیئت‌داوران این بار به فیلمی رسید که هر چند توسط سینماگری ساخته شده بود که خود پیشگام موج نو به شمار می‌آمد، اما اثرش نسبی با سایر آثار تقدیر شده ایران در این فستیوال نداشت. هیئت‌داوران این دوره البته مشکل از سینماگران بسیار مطرح و مهمی بودند: جیلو پونته کورو، چنتال آکرمن، کارتا استاکلبرگر و... به نظر می‌رسد بخت سینمای ایران دوباره در برلین باز شده، اما ۱۴ سال طول کشید تا بار دیگر فیلمی از ایران بتواند در برلین اعتباری کسب کند. طی این ۱۴ سال البته تقریباً همه‌ساله نماینده‌ای در این فستیوال داشتیم و عمدتاً در بخش سینمای کودک و نوجوان؛ اما حتی فیلم‌هایی چون «بادکنک سفید»، «مهر مادری»، «نگ‌خدا» و «زمانی برای مستی اسب‌ها» هم نتوانستند داوران را به اعطای جایزه مجاب کنند. نکته شایعه‌واری که درباره این فستیوال در کشورمان وجود دارد این است که برلیناله یک فستیوال مطلقاً سیاسی است که بر اساس مناسبات دیپلماتیک غالب در هر دوره‌اش دست به انتخاب فیلم و اعطای جایزه می‌زند و معیارهایی فرامتنی برای انتخاب‌هایش دارد. از جمله این که خود فیلم‌ساز کیست و چه رویکردی دارد و از کدام کشور می‌آید و فیلمش حامل چه پیامی است؛ اما از سال ۲۰۰۵ تا به امروز که موفق‌ترین بره حضور ایران در این جشنواره را پشت سر گذاشته‌ایم، کارگردانی چون بهمن قبادی، جعفر پناهی،

حضور سینمای ایران در جشنواره برلین از سال ۱۹۷۴ آغاز می‌شود یعنی حالا سینمای ما سابقه‌ای حدوداً ۴۰ ساله در این جشنواره دارد. حاصل این چهار دهه برای سینماگران ایرانی ۱۲ جایزه بوده که از این میان تنها دو بار جایزه اصلی - یعنی خرس طلا - نصیب ما شده است که هر دو مورد هم مربوط به پنج سال اخیر بوده است. جایزه ویژه هیئت‌داوران نیز دو بار به ایران رسیده و بازنگران ایرانی هم دو بار از این فستیوال جایزه گرفته‌اند، یک‌بار در بخش فیلم‌نامه جایزه گرفته‌ایم و جایزه ویژه بخش کودک و نوجوان هم یک‌بار نصیب مان شده است. باقی جوایز مان خرس‌های نقره‌ای بوده که هر چند در اذهان عمومی حکم رتبه جشنواره را دارد، اما در تعریف جوایز خود فستیوال، جایزه‌ای است که به بهترین کارگردان، بازیگر، فیلم کوتاه و فیلم‌نامه تعلق می‌گیرد.

دو حضور نخست سینمای ایران در برلین با دو فیلم از جرگه آثار ضدجریان رقم می‌خورد که در نوع خود از رادیکال‌ترین تجربه‌های موج نو محسوب می‌شوند: «طبیعت بی‌جان» ساخته سهراب شهیدتالو و «باغ سنگی» ساخته پرویز کیمیای. شهیدتالو در سال ۱۹۷۴ موفق می‌شود ضمن ثبت نخستین حضور ایران در این فستیوال، خرس نقره‌ای را به دست بیاورد. کیمیای هم در یافت خرس نقره‌ای را در سال ۱۹۷۶ تکرار می‌کند. هر دو فیلم، آثار هیستند نزدیک به سینمای مستند، با ریتمی کند و ساختاری ساده. «طبیعت بی‌جان» قایت بر سر خرس طلایی را به «کارآموزی دادی کروویتز» اثر «تد کالجف» واگذار کرد که یک کمدی زنده‌گی زنده‌گی نامهای بود با تم تفکر چپ. «باغ سنگی» هم در رقابت با فیلم «بوفالو،

کارنامه سینمای ایران در فستیوال برلین

سال	نام فیلم	کارگردان	بخش	جایزه
۲۰۰۵	لاک‌پشت‌ها هم پرواز می‌کنند	بهمن قبادی	کودک و نوجوان	جایزه ویژه هیئت‌داوران بخش کودک و نوجوان
۲۰۰۶	آفساید	جعفر پناهی	اصلی	جایزه ویژه هیئت‌داوران
۲۰۰۶	زمستان است	رفیع پیتز	اصلی	
۲۰۰۶	کمی بالاتر	مهدی جعفری	اصلی	
۲۰۰۶	به آهستگی	مازیار میری	پانوراما	
۲۰۰۶	کارگران مشغول کارند	مانی حقیقی	فوروم	
۲۰۰۶	صبحی دیگر	ناصر رفایی	فوروم	
۲۰۰۸	آواز گنجشک‌ها	مجید مجیدی	اصلی	خرس نقره‌ای بهترین بازیگر مرد برای رضا ناجی
۲۰۰۸	سه زن	منیژه حکمت	پانوراما	
۲۰۰۸	بودا از شرم فرو ریخت	حننا مخملباف	نسل	
۲۰۰۹	درباره‌الی...	اصغر فرهادی	اصلی	خرس نقره‌ای بهترین کارگردانی
۲۰۰۹	نیلوفر	نسل		
۲۰۱۰	شکارچی	رفیع پیتز (ایران و آلمان)	اصلی	
۲۰۱۰	فرمز، سفید و سبز	نادر داوودی	پانوراما	
۲۰۱۰	موش و گربه	بیژن زمان‌پیر و ناهید قبادی	Culinary cinema	
۲۰۱۰	از باد بپرسیم	بتین قبادی	نسل	
۲۰۱۰	کتاب آشپزی ایرانی	محمد شیروانی	Culinary cinema	
۲۰۱۱	جدایی نادر از سیمین	اصغر فرهادی	اصلی	خرس طلای بهترین فیلم / خرس نقره‌ای بهترین بازیگر زن / خرس نقره‌ای بهترین بازیگر مرد
۲۰۱۱	آفساید	جعفر پناهی	نمایش ویژه	
۲۰۱۱	باز کردن گره	جعفر پناهی	فیلم کوتاه	
۲۰۱۱	دایره	جعفر پناهی	پانوراما	
۲۰۱۱	طلای سرخ	جعفر پناهی	فوروم	
۲۰۱۱	گم‌وگور	محمد رضا فرزاد	فوروم گسترده	
۲۰۱۱	بادکنک سفید	جعفر پناهی	نسل	
۲۰۱۱	باد و مه	محمدعلی طالبی	نسل	
۲۰۱۲	پذیرایی ساده	مانی حقیقی	فوروم	
۲۰۱۳	برده	جعفر پناهی و کامبوزیا پرتوی	اصلی	خرس نقره‌ای بهترین فیلم‌نامه
۲۰۱۴	عصبانی نیستم	رضا درمیشیان	پانوراما	
۲۰۱۵	تاکسی	جعفر پناهی	اصلی	خرس طلای بهترین فیلم
۲۰۱۵	پریدن از ارتفاع کم	حامد رحبی	پانوراما	
۲۰۱۵	مادر قلب اتمی	علی احمدزاده	فوروم	

سال	نام فیلم	کارگردان	بخش	جایزه
۱۹۷۴	طبیعت بی‌جان	سهراب شهیدتالو	اصلی	جایزه خرس نقره‌ای
۱۹۷۶	باغ سنگی	پرویز کیمیای	اصلی	جایزه خرس نقره‌ای
۱۹۸۷	جاده‌های سرد	مسعود جعفری جوزانی	اصلی	
۱۹۸۹	کلید	ابراهیم فروزش	کودک و نوجوان	
۱۹۹۰	ماهی	کامبوزیا پرتوی	کودک و نوجوان	
۱۹۹۰	یک اتفاق ساده	سهراب شهیدتالو	مرور گذشته	
۱۹۹۱	دندان مار	مسعود کیمیایی	اصلی	جایزه ویژه هیئت‌داوران
۱۹۹۱	ریحانه	علیرضا رئیسین	پانوراما	
۱۹۹۱	لیلی لیلی حوضک	بهروز بغماتیان	کودک و نوجوان	
۱۹۹۳	نرگس	رخشان بنی‌اعتماد	فوروم	
۱۹۹۳	چکمه	محمدعلی طالبی	کودک و نوجوان	
۱۹۹۴	گزیده تصاویر در دوران قاجار	محسن مخملباف	پانوراما	
۱۹۹۴	او و پرنده‌هایش	فرشاد فدائیان	پانوراما	
۱۹۹۴	نان و شعر	کیومرث پوراحمد	کودک و نوجوان	
۱۹۹۵	کوزه‌گر	صفرعلی اصغرزاده	کودک و نوجوان	
۱۹۹۵	کوه جواهر	عبدالله علیمراد	کودک و نوجوان	
۱۹۹۵	تیک تاک	محمدعلی طالبی	کودک و نوجوان	
۱۹۹۶	بادکنک سفید	جعفر پناهی	کودک و نوجوان	
۱۹۹۷	کیسه برنج	محمدعلی طالبی	کودک و نوجوان	
۱۹۹۹	آژانس شیشه‌های	ابراهیم حاتمی‌کیا	فوروم	
۱۹۹۹	بانو	داریوش مهرجویی	فوروم	
۱۹۹۹	یک اتفاق ساده	سهراب شهیدتالو	فوروم	
۱۹۹۹	مهر مادری	کمال تبریزی	کودک و نوجوان	
۲۰۰۰	یک روز بیشتر	بابک پیامی	پانوراما	
۲۰۰۰	دختری با کفش‌های کتانی	رسول صدرعاملی	کودک و نوجوان	
۲۰۰۰	رنگ خدا	مجید مجیدی	کودک و نوجوان	
۲۰۰۱	بوی کافور، عطر یاس	بهمن فرمان‌آرا	فوروم	
۲۰۰۱	زمانی برای مستی اسب‌ها	بهمن قبادی	کودک و نوجوان	
۲۰۰۲	جزیره	صفورا احمدی	پانوراما	
۲۰۰۲	تنها یک زن	میترا فراهانی (محصول مشترک ایران و فرانسه)	پانوراما	
۲۰۰۲	چوری چیک	جواد اردکانی	کودک و نوجوان	
۲۰۰۳	باد گیسوانت را شانه خواهد کرد	سامان سالور	کودک و نوجوان	
۲۰۰۴	بهشت جای دیگریست	عبدالرسول گلبن حقیقی	کودک و نوجوان	
۲۰۰۵	بازی	غلامرضا رضانی	کودک و نوجوان	
۲۰۰۵	حیات	غلامرضا رضانی	کودک و نوجوان	
۲۰۰۵	۱۰۰ روز	آزاده رئیس‌دانا	پانوراما	

ما بلیت شانس شما می‌بیم
۸۶۰۲۰۳۰۴

سازمان آگهی‌های روزنامه سینما
CINEMA NEWSPAPER
اینجا همه با هم دیدگی شویم

۲۹ AUGUST 2014
No. 3346-1232

4 seat
19 row
C sec
www.Cinemanevsnepaper.ir